



ایران

اعتراض به نتیجه انتخابات
تشدید سرکوب



AMNESTY
INTERNATIONAL

عفو بین الملل جنبشی جهانی است و در بیش از ۱۵۰ کشور و سرزمین جهان ۲/۲ میلیون عضو دارد که برای حقوق بشر پیکار می کنند. چشم انداز ما این است که هر انسانی از حقوق محفوظ در اعلامیه جهانی حقوق بشر و سایر اسناد حقوق بشری بین المللی برخوردار شود. ما به تحقیق، مبارزه، تبلیغ و بسیج برای پایان بخشیدن به نقض حقوق بشر می پردازیم. عفو بین الملل از هر حکومت، ایثولوژی سیاسی، مذهب یا منافع اقتصادی مستقل است. هزینه کارهای ما عمدتاً از طریق حق عضویت اعضا و هدایا تأمین می شود.



**AMNESTY
INTERNATIONAL**

انتشارات عفو بین الملل

نشر نخست در ۲۰۰۹ به وسیله
Amnesty International Publications
International Secretariat
Peter Benenson House
1 Easton Street
London WC1X 0DW
United Kingdom
www.amnesty.org

© حق چاپ و نشر، انتشارات عفو بین الملل ۲۰۰۹

شماره نمایه: MDE ۱۳/۱۲۳/۲۰۰۹
زبان اصلی: انگلیسی
چاپ به وسیله عفو بین الملل،
دبیرخانه بین المللی، بریتانیا

همه حقوق محفوظ است. این نشریه تحت حق کپی رایت است، اما می توان بدون پرداخت وجه به هر روشی برای کارهای دفاعی، کمپیت و آموزش تکثیر کرد اما نه برای فروش مجدد. دارنده حق کپی رایت از همگان خواهش می کند قصد استفاده از آن را به منظور ارزیابی تاثیر آن گزارش کنند. به منظور نسخه برداری در شرایط دیگر، یا استفاده دوباره در نشریات دیگر یا ترجمه و اقتباس، دریافت اجازه قبلی از ناشر و پرداخت وجه ضروری است.

عکس روی جلد: صدها هزار از تظاهر کنندگان مخالف با نتیجه انتخابات در میدان آزادی تهران، ۱۵ خرداد ۲۰۰۹.

© AP/PA Photo/Ben Curti

پشت جلد: ماموران لباس شخصی در تهران یک معترض را با باتوم می زنند، ۱۴ خرداد ۲۰۰۹.

© AFP/Getty Images

فهرست

3	نقشه ایران
4	واژه نامه
4	واژه های کلی
4	گروه ها
5	چهره های اصلی سیاسی
5	ساختار سیاسی ایران
7	دوره زمانی
11	1- مقدمه
15	در باره این گزارش
16	2 - پیشینه
16	در آستانه انتخابات
18	اعتراض ها و سرکوب پس از انتخابات
24	3 - سرکوب آزادی بیان
26	4 - سرکوب دگراندیشی: دستگیری ها و بازداشت های خودسرانه
28	دستگیری های هدف مند پس از انتخابات
30	حمله به اشخاص مرتبط با کشورهای دیگر
31	آزار خویشاوندان
33	رویه های متداوم دستگیری
37	5 - قتل های غیرقانونی و استفاده مفرط از خشونت
41	قتل ندا آقا سلطان
44	مادران عزادار - آزار به خاطر اعتراض به قتل ها

- 44 6 - شکنجه و اذیت و آزارهای دیگر
- 49 بازداشتگاه کهریزک
- 51 تجاوز در زندان
- 55 قانون ایران در باره تجاوز
- 57 7 - «دادگاه های نمایشی» - مضحکه عدالت
- 62 8 - مصونیت از مجازات
- 66 9 - نتایج و توصیه ها
- 66 توصیه ها
- 67 آزادی بیان، تشکل و تجمع
- 67 دستگیری ها و بازداشت های خودسرانه
- 67 قتل های غیرقانونی و به کارگیری زور و خشونت مفرط
- 68 شکنجه و بدرفتاری های دیگر
- 69 مجازات اعدام
- 69 به مصونیت از مجازات پایان دهید
- 69 همکاری با سازمان های حقوق بشری بین المللی
- 70 توضیحات
- 82 پیوست 1: گزارش پزشکی ابراهیم مهتری

نقشه ایران



© بخش نقشه برداری سازمان ملل، شماره نقشه: ایران شماره 1، 3891 Rev. 1، ژانویه 2004

واژه نامه

واژه های کلی

اهل حق: اعضای یک گروه مذهبی که اکثرشان ساکن عراق و غرب ایران هستند. بیشتر پیروان آن کرد هستند. قانون اساسی ایران این مذهب را به رسمیت نشناخته و پیروان آن با تبعیض روبرو هستند.

سازمان دانش آموختگان (ادوار تحکیم وحدت): سازمانی است که عضویت آن برای تمام دانش آموختگان دانشگاه های ایران آزاد است، و در زمینه مسایل حقوق بشر فعال است.

دفتر تحکیم وحدت: یک سازمان دانشجویی که در تمام دانشگاه های ایران شعبه دارد و فعالانه خواهان اصلاحات و رعایت بیشتر حقوق بشر بوده است.

ریال: ارز ایران؛ یک دلار آمریکایی = تقریباً 9750 ریال

تومان: یک تومان = 10 ریال

ولایت فقیه: نظریه سیاسی آیت الله خمینی مبنی بر حاکمیت فقیه یا فقها، که پایه رهبری سیاسی در ایران است.

گروه ها

انجمن پادشاهی ایران: یک گروه طرفدار برقراری سلطنت در ایران

کانون مدافعان حقوق بشر: در سال 1381 به وسیله شیرین عبادی و دیگران تشکیل شد.

فعالان حقوق بشر در ایران: گروهی از فعالان حقوق بشر ایرانی که در باره موارد نقض حقوق بشر از ایران خبر می دهد.

کمپین بین المللی حقوق بشر در ایران

نهضت آزادی ایران: یک حزب سیاسی ممنوعه

جبهه مشارکت ایران اسلامی: یک حزب سیاسی مرتبط با رئیس جمهور پیشین محمد خاتمی

سپاه پاسداران: سپاه پاسداران انقلاب اسلامی

سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی

ان جی او: سازمان غیردولتی

سازمان مجاهدین خلق ایران: یک گروه مخالف مستقر در عراق

جنبش مقاومت مردمی ایران: پیش تر به نام جندالله، یک گروه مسلح بلوچ

کمیته دانشجویی دفاع از زندانیان سیاسی

چهره های اصلی سیاسی

احمدی نژاد، محمود: رئیس جمهور از سال 1384؛ شهردار پیشین تهران
کروبی، مهدی: نامزد ریاست جمهوری؛ رئیس پیشین مجلس
خامنه ای، علی: مقام رهبری ایران از زمان فوت آیت الله خمینی در سال 1368؛ رئیس جمهور پیشین ایران (1360-1368)؛ فرمانده کل نیروهای مسلح
خاتمی، محمد: رئیس جمهور پیشین ایران (1376 - 1384)
لاریجانی، علی: رئیس مجلس، برادر صادق
لاریجانی، صادق: رئیس قوه قضاییه از مرداد 1388؛ برادر علی
موسوی، میرحسین: نامزد ریاست جمهوری؛ نخست وزیر پیشین (1360 - 1368)؛ عضو مجمع تشخیص مصلحت
رفسنجانی، علی اکبر: رئیس جمهور پیشین ایران (1368 - 1376)؛ رئیس مجلس خبرگان و رئیس مجمع تشخیص مصلحت
رضایی، محسن: نامزد ریاست جمهوری؛ فرمانده پیشین سپاه پاسداران انقلاب اسلامی

ساختار سیاسی ایران

نیروهای مسلح: نیروهای مسلح منظم (ارتش) پس از انقلاب عهده دار امنیت خارجی انقلاب شده اند. گرچه یک ستاد مشترک با سپاه پاسداران وجود دارد و مقام رهبری فرمانده کل هر دو نیرو است، سپاه مستقلاً عمل می کند.

مجلس خبرگان: مجلسی با 86 عضو روحانی است که با رای مردم انتخاب می شود و مقام رهبری را تعیین و بر عملکرد او نظارت می کند. شورای نگهبان نامزدهای انتخابات آن را بررسی و تایید می کند.

بسیج: نیروی مقاومت بسیج، یک نیروی شبه نظامی داوطلب که تحت فرمان سپاه پاسداران است. اعضای آن در مدارس، دانشگاه ها، موسسه های خصوصی و دولتی، کارخانه ها و عشایر حضور دارند.

شورای وزیران: اعضای شورای وزیران (کابینه) را رئیس جمهور انتخاب و مجلس تایید می کند.

شورای نگهبان: یک مجمع با 12 حقوقدان - که شش نفرشان را مقام رهبری منصوب می کند و شش نفر را مجلس (از میان نامزدهایی که رئیس قوه قضاییه معرفی می کند) - که بر انتخابات نظارت می کند و باید نامزدها را تایید کند. این شورا قوانین را به منظور تعیین سازگاری آنها با قانون اساسی و شرع اسلام بررسی می کند.

مجمع تشخیص مصلحت: یک مجمع مشاوره برای مقام رهبری و دارای اختیار حل اختلافات بین مجلس و شورای نگهبان است. مقام رهبری اعضای آن را منصوب می کند و در مهر 1384 به این مجمع اختیارات «نظارتی» بر تمام شاخه های حکومت داده است.

رئیس قوه قضاییه: در حال حاضر آیت الله صادق لاریجانی است، منصوب مقام رهبری و در مقابل او مسئول است. رئیس قوه قضاییه قاضیان را منصوب و بر آنها نظارت می کند.

قوه قضاییه: قوه قضاییه مسئول تدوین لایحه برای قوانین قضایی؛ تحقیق و صدور حکم در باره شکایت ها؛ نظارت بر اجرای درست قوانین؛ کشف جنایت ها؛ پیگرد، مجازات و تنبیه مجرمان و «اقدامات مناسب» برای پیشگیری از جرم و اصلاح مجرمان است. سازمان زندان ها و پزشکی قانونی زیر نظر این قوه است.

مجلس شورای اسلامی: 290 عضو مجلس هر چهار سال یک بار با رای مستقیم مردم انتخاب می شوند. مجلس می تواند قوانین را تصویب کند اما تمام لوایح را باید شورای نگهبان بررسی و تایید کند.

رئیس جمهور: رئیس جمهور هر چهار سال یک بار انتخاب می شود و نمی تواند بیش از دو دوره متوالی انتخاب شود. بر اساس قانون اساسی، او شخص دوم مملکت است. رئیس جمهور رئیس قوه مجریه و مسئول اجرای قانون اساسی است. در عمل، اختیارات او تحت اقتدار مقام رهبری است.

سپاه پاسداران: سپاه پاسداران انقلاب اسلامی پس از انقلاب 1357 به عنوان نیروی مسلح موازی برای تضمین امنیت داخلی تشکیل شد. سپاه پاسداران نیروی شبه نظامی بسیج را تحت فرمان دارد. تعداد پاسداران انقلاب در حدود 125000 نفر است و سپاه دارای نیروهای هوایی، دریایی و زمینی است. تمام فرماندهان آن منصوب مقام رهبری و در مقابل او مسئول هستند. سپاه دارای منافع گسترده اقتصادی در ایران و مالک شرکت های بزرگ و خدمات عمومی مثل بیمارستان ها است.

مقام رهبری: مقام رهبری را روحانیون عضو مجلس خبرگان انتخاب می کنند. مقام رهبری، که در حال حاضر آیت الله خامنه ای است، رئیس قوه قضاییه، شش عضو شورای نگهبان، فرماندهان نیروهای مسلح، امامان جمعه و رئیس رادیو و تلویزیون را منصوب می کند. او انتخاب رئیس جمهور را نیز تنفیذ می کند. مقام رهبری، و نه رئیس جمهور، تصمیم های اصلی مربوط به امنیت، دفاع و مسایل اساسی سیاست خارجی را اتخاذ می کند.

دوره زمانی

22 خرداد: انتخابات ریاست جمهوری

23 خرداد: مقامات رئیس جمهور کنونی محمود احمدی نژاد را با 63 درصد آرا برنده انتخابات اعلام می کنند. میرحسین موسوی با 34 درصد دوم می شود و ادعا می کند در انتخابات تقلب شده است. هزاران تظاهرکننده با پلیس درگیر می شوند.

24 خرداد: میرحسین موسوی از شورای نگهبان می خواهد نتایج انتخابات را باطل کند. نیروهای لباس شخصی به خوابگاه دانشگاه تهران حمله می کنند و بنا به گزارش ها پنج دانشجو را به قتل می رسانند. دانشگاه اصفهان نیز مورد حمله قرار می گیرد.

25 خرداد: در تهران در حدود 3 میلیون نفر در اعتراض به نتایج انتخابات شرکت می کنند؛ حداقل هفت نفر به قتل می رسند. اعتراض هایی در شهرهای دیگر نیز برگزار می شود. رئیس مجلس حمله به خوابگاه دانشگاه تهران را مورد انتقاد قرار می دهد و وزارت کشور را مقصر می خواند. دانشگاه شیراز مورد حمله قرار می گیرد.

26 خرداد: اعتراض های توده ای ادامه می یابد؛ مقامات روزنامه نگاران خارجی را از حضور در خیابان ها منع می کنند. وزارت اطلاعات می گوید 76 نفر از عوامل اصلی پشت صحنه ناآرامی ها دستگیر شده اند. این عده به طور عمده شامل فعالان کمپین میرحسین موسوی و مهدی کروبی و هستند و وزرای سابق و سیاستمداران ارشد را در بر می گیرند.

27 خرداد: در حدود نیم میلیون نفر در میدان 7 تیر تهران به اعتراض می پردازند؛ وزیر کشور دستور تحقیقات در باره حمله به خوابگاه دانشگاه تهران را صادر می کند.

28 خرداد: راه پیمایی توده ای مردم در مرکز تهران در بزرگداشت کشته شدگان انجام می شود.

29 خرداد: مقام رهبری ایران اعلام می کند که محمود احمدی نژاد عادلانه برنده انتخابات شده است و به رهبران مخالفان هشدار می دهد که در صورتی که تظاهرات را متوقف نکنند مسئول «خونریزی، خشونت و آشوب» تلقی خواهند شد.

30 خرداد: نیروهای امنیتی با خشونت تظاهرات را سرکوب می کنند. پلیس ضد شورش معترضان را در تهران پراکنده می کند. صدها نفر دستگیر می شوند. فیلمی از یک زن جوان، ندا آقا سلطان، که پس از شلیک تیر مشخصا به وسیله بسیج کشته می شود، در سراسر جهان پخش می شود. تلویزیون دولتی می گوید شورای نگهبان 10 درصد آرا را بازشماری خواهد کرد.

31 خرداد: فرمانده نیروی انتظامی تهران تکرار می کند که نیروی انتظامی «اقدامات شدیدی علیه تجمع های غیرقانونی و شورش ها» به اجرا در خواهد آورد.

1 تیر: پلیس ضد شورش به سوی در حدود 1000 معترض در میدان 7 تیر و معترضان دیگر در تهران گاز اشک آور شلیک می کند.

2 تیر: شورای نگهبان نتایج انتخابات را تایید می کند. پلیس ضد شورش و نیروی شبه نظامی بسیج در تهران از اعتراض ها ممانعت به عمل می آورند.

3 تیر: وزیر اطلاعات می گوید طرح های «تروریستی» برای بی ثبات کردن کشور در طی انتخابات کشف شده است.

5 تیر: احمد خاتمی، یک روحانی بلند پایه و عضو مجلس خبرگان، خواستار اعدام رهبران «آشوب گران» می شود.

6 تیر: فرمانده سپاه پاسداران دوباره تهدید می کند که نیروهای امنیتی به سرکوب «قاطع و قانونی» خواهند پرداخت.

7 تیر: نه نفر از کارکنان محلی سفارت انگلستان دستگیر و به دامن زدن به ناآرامی ها متهم می شوند.

8 تیر: رئیس جمهور به قوه قضاییه دستور می دهد مرگ ندا آقا سلطان را مورد تحقیق قرار دهند.

18 تیر: نیروی انتظامی با استفاده از باتوم و گاز اشک آور تظاهرات یادبود در سالگشت تظاهرات دانشجویی 18 تیر 1378 را متفرق می کند.

26 تیر: در حدود دو میلیون نفر از جمله نامزدهای ریاست جمهوری میرحسین موسوی و مهدی کروبی در نماز جمعه به امامت رئیس جمهور پیشین رفسنجانی در تهران شرکت می کنند. نیروی انتظامی از گاز اشک آور استفاده می کند و عده ای را دستگیر می کند.

28 تیر: هزاران نفر در شیراز علیه نتایج انتخابات تظاهرات می کنند.

31 تیر: در تهران بین معترضان ضد دولتی و نیروهای امنیتی شامل نیروی شبه نظامی بسیج درگیری رخ می دهد. حداقل 10 نفر کشته می شوند.

2 مرداد: محسن روح الامینی، فرزند یکی از مشاوران محسن رضایی، که در بازداشتگاه کهریزک در بازداشت بود، فوت می کند.

4 مرداد: روز جهانی اقدام در اعتراض به نقض حقوق بشر در ایران. در بیش از 105 شهر در سراسر جهان فعالیت هایی انجام می شود.

6 مرداد: اعلام می شود که مقام رهبری دستور تعطیل بازداشتگاه کهریزک را صادر کرده است.

9 مرداد: صدها هزار نفر در سراسر ایران به تظاهرات مسالمت آمیز می پردازند. پس از تجمع صدها نفر در گورستان بهشت زهرا به مناسبت چهلمین روز درگذشت ندا آقا سلطان درگیری هایی رخ می دهد. ده ها نفر تنها در گورستان بهشت زهرا دستگیر می شوند.

10 مرداد: «دادگاه های نمایشی» با حضور 100 نفر از بازداشتیان معترض در دادگاه شروع

می شود. بسیاری از آنها گویا تحت فشار به آن چه دادستانی مدعی است کوشش برای انجام یک «انقلاب مخملی» در ایران با حمایت خارجی بوده «اعتراف» می کنند.

14 مرداد: رئیس جمهور احمدی نژاد مراسم تحلیف را برگزار می کند.

19 مرداد: نامه ای که مهدی کروبی در اوایل مرداد به آیت الله رفسنجانی، رئیس جمهور پیشین و رئیس کنونی مجلس خبرگان و مجمع تشخیص مصلحت، نوشته منتشر می شود. در آن او ادعا کرده که بازداشتیان شکنجه شده و مورد تجاوز و سایر اذیت و آزارها قرار گرفته اند و خواهان تحقیقات شده است. علی لاریجانی، رئیس مجلس، یک کمیسیون ویژه مجلس برای تحقیق در باره ادعاهای تجاوز در طی بازداشت و شرایط نگهداری بازداشتیان پس از ناآرامی های انتخاباتی تشکیل می دهد.

21 مرداد: رئیس مجلس علی لاریجانی اعلام می کند که طبق یافته های کمیسیون ویژه مجلس ادعای تجاوز بی پایه است.

4 شهریور: مقام رهبری وقوع موارد تعدی و جنایت در طی وقایع پس از انتخابات، به ویژه در بازداشتگاه کهریزک و در حمله به خوابگاه دانشگاه تهران را تایید می کند؛ یک عضو ناشناس کمیسیون ویژه مجلس می گوید که کمیسیون مدارکی در اثبات تجاوز با باتوم و بطری یافته است.

7 شهریور: آیت الله صادق لاریجانی، رئیس قوه قضاییه، یک هیأت سه نفره قضایی را برای بررسی ادعاهای شکنجه و اذیت و آزار بازداشتیان منصوب می کند. رئیس جمهور محمود احمدی نژاد از قوه قضاییه می خواهد رقبای اصلی او را به خاطر مخالفت با پیروزی او در انتخابات و خدشه دار کردن چهره کشور تحت پیگرد قرار دهد.

14 شهریور: بنا به گزارش ها سه قاضی در ارتباط با تعدی ها در بازداشتگاه کهریزک از سمت خود برکنار می شوند.

16 شهریور: ماموران امنیتی دفاتر کمیته ای را که مهدی کروبی برای گردآوری و تنظیم اطلاعات مربوط به شکنجه و تعدی های دیگر تشکیل داده، تعطیل می کنند و شهادت ها را ضبط و توقیف می کنند.

21 شهریور: هیات قضایی می گوید هیچ مدرکی دال بر تجاوز نیافته و خواهان پیگرد کسانی می شود که چنین ادعاهایی کرده اند یا آنها را تکرار می کنند.

24 شهریور: هشت دانشجو در بابل اولین کسانی هستند که در ارتباط با تظاهرات پیرو انتخابات محکوم می شوند.

27 شهریور: هزاران نفر از اجتماعات روز قدس در سراسر کشور برای اعتراض به نتایج انتخابات و نقض حقوق بشر استفاده می کنند. معترضان که بعضا سنگ پرتاب می کنند، مورد ضرب و شتم قرار می گیرند و 35 نفر در تهران دستگیر می شوند.

29 شهریور: مقام رهبری می گوید «اعتراف» های انجام شده در دادگاه معتبر است.

1 مهر: روزنامه نگار علیرضا اشراقی اولین کسی است که در پی یک «دادگاه نمایشی» حکم زندان دریافت می کند.

7 مهر: نمایندگان مجلس می گویند 104 شکایت از تعدی های انجام شده در کهریزک نزد قوه قضاییه طرح شده است.

8 مهر: فرمانده نیروی انتظامی می گوید 10 مامور نیروی انتظامی در ارتباط با تعدی ها در کهریزک دستگیر شده اند.

15 مهر: فرمانده نیروی انتظامی می پذیرد که تعدی هایی در کهریزک رخ داده، اما می گوید در تحقیقات مدرکی دال بر تجاوز یافت نشده است.

16 مهر: محمد رضا علی زمانی اولین کسی است که پس از «دادگاه های نمایشی» به مرگ محکوم می شود.

26 مهر: دانشگاهی ایرانی - آمریکایی کیان تاجبخش در ارتباط با ناآرامی های پس از انتخابات به 15 سال زندان محکوم می شود.

30 مهر: در حدود 70 نفر در مراسم دعا برای زندانی وجدانی بازداشت شده شهاب الدین طباطبایی دستگیر می شوند.

6 آبان: مقام رهبری ایران می گوید ابراز تردید در باره انتخابات خرداد جرم است. حسین رسام، تحلیلگر سیاسی محلی سفارت انگلستان به چهار سال زندان محکوم می شود.

13 آبان: نیروی انتظامی در سی امین سالگشت تصرف سفارت آمریکا در تهران با ده ها هزار نفر از حامیان میرحسین موسوی و مهدی کروبی درگیر می شود. در شهرهای دیگر از جمله شیراز، اصفهان و رشت نیز حرکت های اعتراض صورت می گیرد. یک نفر در اصفهان کشته می شود.

19 آبان: دکتر رامین پوراندراجانی، که به عنوان بخشی از خدمت وظیفه اش، به بازداشتیان در بازداشتگاه کهریزک رسیدگی کرده بود، در شرایط مشکوکی فوت می کند.

22 آبان: یک عضو کمیسیون ویژه مجلس می گوید گزارش محرمانه در باره وقایع پس از انتخابات به رئیس مجلس ارائه شده است.

24 آبان: رضا کاظمی پنجمین نفری است که به مرگ محکوم می شود. او به جرم عضویت در سازمان مجاهدین خلق ایران و هدایت تظاهرات محکوم می شود.

29 آبان: قوه قضاییه تایید می کند که 89 نفر محاکمه شده اند، که از آنها 81 نفر به زندان و پنج نفر به مرگ محکوم و سه نفر تبرئه شده اند.

1- مقدمه

انتخابات ریاست جمهوری در ایران در روز 22 خرداد 1388 سرکوب و فوران اعتراض های توده ای را در ابعادی در پی داشت که از زمان انقلاب منجر به تاسیس جمهوری اسلامی ایران در سال 1357 دیده نشده بود. روش های دیرینه نقض حقوق بشر شامل محدودیت شدید بر حق آزادی بیان، تجمع و تشکل، در طی اعتراض ها تشدید شد و از آن پس نیز ادامه یافته و به بدترین دوره سرکوب پس از پایان دوران انقلابی - که اوج آن «کشتار زندان» در سال 1367 بود¹ - منجر شده است. در نتیجه، بسیاری از ایرانیانی که نتیجه انتخابات را مورد تردید قرار داده اند، در وحشت شدید از دستگیری خودسرانه، بازداشت، شکنجه، محاکمه ناعادلانه و حتا اعدام به سر می برند.

همچون دیگر انتخابات گذشته، به ویژه در سال های اخیر، در ماه های پیش از اخذ رای سرکوب، به ویژه علیه اعضای اقلیت های قومی و مذهبی ایران، دانشجویان، فعالان اتحادیه های کارگری و حقوق زنان، افزایش یافت.²

نبود آزادی پیش از انتخابات بر انتخابات ریاست جمهوری سایه افکند. تا پیش از پخش تلویزیونی مناظره های بین نامزدهای ریاست جمهوری، بحث و تبادل آزاد اطلاعات - که هر دو شروط الزامی استفاده از حق رای هستند - به رسانه های دولتی محدود بود.³ صلاحیت بیشتر نامزدها، از جمله تمام زنان، رد شد و تنها چهار نفر در عرصه رقابت باقی ماندند: محمود احمدی نژاد (رئیس جمهور)؛ محسن رضایی، فرمانده پیشین سپاه پاسداران؛ میرحسین موسوی، نخست وزیر پیشین؛ و مهدی کروبی، روحانی و رئیس پیشین مجلس.⁴

به رغم سرکوب، میلیون ها نفر از ایرانیان، به ویژه جوانان که اکثریت جمعیت را تشکیل می دهند، از حق رای خود استفاده کردند. مناظره های زنده بین نامزدها توجه به انتخابات را دامن زده و هزاران نفر را در گردهمایی هایی بسیج کرده بود که در آنها جوانان در خیابان می رقصیدند. مردم برای دور زدن محدودیت ها، از راه های تازه ای مثل شبکه های اجتماعی توئیتر و فیس بوک و ارسال پیامک اس ام اس برای تبادل نظر و سازماندهی فعالیت ها استفاده می کردند.

مشارکت زنان چشمگیر بود. در حقیقت، مساله حقوق و جایگاه زنان نقش ویژه ای در مبارزه انتخاباتی داشت و بازتابی از کوشش های فعالان بود، از جمله فعالان شبکه میدان زنان و کمپین یک میلیون امضا، که یک جنبش عمومی مردمی با خواست پایان یافتن تبعیض قانونی شده علیه زنان است.

حقوق اقلیت های متنوع قومی ایران نیز به رغم تداوم تنش ها در برخی از مناطق اقلیت نشین، جایگاه ویژه ای در دستور کار سیاسی داشت. در روزهای پیش از انتخابات، جنبش مقاومت مردمی ایران، که پیش تر به نام جندالله شناخته می شد و یک گروه مسلح بلوچ است، در یک عملیات انفجار انتحاری حداقل 25 نفر از نمازگزاران را در مسجدی در زاهدان به قتل رسانید.

زمانی که رئیس جمهور احمدی نژاد به فاصله چند ساعت پس از بسته شدن حوزه های رای گیری برنده انتخابات اعلام شد، ناباوری بسیاری از مردم به سرعت به خشمی تبدیل شد که

خیابان ها را فرا گرفت. دو تن از چهار نامزد از اعضای اقلیت های قومی هستند و این واقعیت که، طبق نتایج رسمی، در مناطق مربوط به زادگاهشان از آرای کمی برخوردار شده بودند، از نگاه بسیاری از مردم در ایران به نشانه تقلب در انتخابات دیده می شد. سه نامزد ناموفق نیز ادعا کردند که تقلب در سطح گسترده ای رخ داده است.

مقامات ایرانی با مسدود کردن برنامه های ماهواره ای و دسترسی به اینترنت، منع کردن روزنامه نگاران خارجی از پوشش دادن به تظاهرات در خیابان ها، قطع کردن خطوط تلفن و معلق کردن خدمات مخابراتی مثل ارسال پیامک و اکنش نشان دادند.

همزمان، مقامات اقدام به بیرون راندن حامیان شاخص گروه های مخالف از صحنه کردند. ده ها نفر - بلکه صدها نفر - از حامیان نامزدهای مخالف رئیس جمهور احمدی نژاد، از جمله اعضای اصلی تیم های مبارزه انتخاباتی در شهرها و شهرستان ها در سراسر کشور مورد آزار و اذیت قرار گرفتند، دستگیر و بازداشت شدند. روزنامه نگاران نیز دستگیر شدند، روزنامه ها و وبگاه ها یا تعطیل شدند و یا به وسیله نیروهای امنیتی به اشغال در آمدند.

به طور کلی، اولین روزهای اعتراض ها عمدتاً تحمل شد. اما یک هفته پس از ناآرامی رو به گسترش، مقام رهبری ایران و دیگر چهره های قدرتمند دستگاه حاکمه ظاهراً شکیبایی خود را از دست دادند و برای استفاده از خشونت و دستگیری های خودسرانه به نیروهای امنیتی، شامل شبه نظامیان داوطلب بسیج، چراغ سبز دادند. پیامدهای ناگوار این اقدام را مردم سراسر جهان در فیلمی از لحظات مرگ زن جوانی به نام ندا آقا سلطان مشاهده کردند؛ او را آشکارا یک عضو بسیج در طی تظاهراتی مسالمت آمیز در تهران هدف گلوله قرار داد.

با وجود این، اعتراض ها ادامه یافت و به مرگ و زخمی شدن عده بیشتری و دستگیری عده باز هم بیشتری انجامید. بنا به اعلام رسمی مسئولان، مجموع کشته شدگان 36 نفر بود که به گفته آنها شامل حداقل هشت نفر از بسیجی ها می شد. منابع مخالف و منابع دیگر تعداد افرادی را که به دست مأموران به قتل رسیدند بیش از 70 نفر اعلام کردند و بر این باور هستند که تعداد واقعی ممکن است بسیار بیشتر باشد. اظهارات مسئولان که موارد نقض حقوق بشر را انکار می کردند یا کوچک جلوه می دادند، با فیلم برداری از خشونت نیروهای امنیتی به وسیله تلفن های همراه و شکل های دیگر روزنامه نگاری شهروندی با استفاده از اینترنت به چالش کشیده شد و اغلب در تضاد با آن اظهارات بود و کوتاهی دولت از پایان دادن به تعدی ها و به دست عدالت سپردن مرتکبان را افشا می کرد.

حداقل 4000 نفر و شاید خیلی بیشتر در ناآرامی های پس از انتخابات دستگیر شدند.⁵ اکثر این عده در تهران بازداشت شدند، اما دستگیری هایی در شهرهای دیگر نیز به ثبت رسید، مثل شیراز، مشهد، اصفهان و بابل و نیز در اهواز، تبریز و زاهدان که محل زندگی جوامع بزرگی از اقلیت ها هستند. بیشتر بازداشتیان به فاصله چند روز آزاد شدند، اما صدها نفر هفته ها در بازداشت افرادی ماندند و عملاً قربانی ناپدیدشدن قهری شدند. در زمان نگارش در اواسط نوامبر 2009 (نیمه دوم آبان 1388)، احتمالاً در حدود 200 نفر از جمله برخی از کسانی که پس از کاهش ناآرامی ها دستگیر شده اند، هنوز در زندان به سر می برند.

شهروندان خارجی، افراد دارای تابعیت دوگانه و افرادی که در ارتباط به کشورهای دیگر، به ویژه آمریکا و انگلستان، بودند هدف دستگیری قرار گرفتند. مقامات ایرانی آن کشورها و نیز دو گروه مخالف تبعیدی را به طراحی یک «انقلاب مخملی» برای براندازی دولت متهم کردند.⁶

بیش از 100 نفر از دستگیرشدگان پس از انتخابات در یک رشته «دادگاه های نمایشی» که از 10 مرداد 1388 شروع شد، در تلویزیون دولتی به معرض نمایش در آمدند. برخی را در حالی نمایش دادند که «اعتراف» می کردند و پوزش می طلبیدند. چهره های اصلی سیاسی شامل وزرای پیشین و روزنامه نگاران در میان این عده دیده می شدند. اکثر آنها، گرچه نه همه، از داشتن وکیل محروم بودند و بسیاری از آنها به اتهام های مبهمی متهم شدند که جرائم کیفری مشخصی به شمار نمی روند. در زمان نگارش این گزارش، در پی محاکماتی که مضحکه عدالت بود، پنج نفر به اعدام و بیش از 80 نفر به زندان محکوم شده اند.

طبق آمار عفو بین الملل، پس از انتخابات تا تاریخ تحلیف رئیس جمهور احمدی نژاد در تاریخ 14 مرداد، حداقل 112 نفر اعدام شده بودند که افزایش شدیدی در تعداد اعدام هاست و پیام وحشت آفرینی برای مخالفان در ایران به شمار می رود. تقریباً نصف این تعداد بین 13 تیر و 14 مرداد در طی سه اعدام گروهی در کرج و زاهدان به اتهام قاچاق مواد مخدر یا مخالفت مسلحانه با دولت به دار آویخته شدند.

زمانی که آزادی بازداشتیان شروع شد یا بالاخره به آنها اجازه ملاقات داده شد، گزارش های اسفناکی از شکنجه و اذیت و آزارهای دیگر به دست آمد. شرایط در بازداشتگاه کهریزک، در اطراف تهران، به ویژه بی رحمانه گزارش شد. با روشن شدن جزئیات، مقامات اعلام کردند که کهریزک را تعطیل خواهند کرد. زمانی که فرزند یکی از مشاوران یکی از نامزدهای ناموفق ریاست جمهوری پس از شکنجه در این بازداشتگاه و در طی انتقال از آنجا درگذشت، مساله بحث انگیزتر شد. در آبان ماه دکتر رامین پوراندراجانی، پزشک جوانی که به زندانیان کهریزک رسیدگی کرده و بنا به گزارش ها وادار شده بود حداقل در یک مورد دلیل مرگ یکی از قربانیان شکنجه را مننژیت اعلام کند، در شرایط مشکوکی درگذشت.

گزارش های متعدد و مشروح زنان و مردان در باره تجاوز به آنها در زندان، اغلب با استفاده از شیئی مثل بطری یا باتوم، فوق العاده ناراحت کننده بود. در تیرماه، نامه مهدی کروی، یکی از نامزدهای ناموفق ریاست جمهوری، به آیت الله علی اکبر هاشمی رفسنجانی، رئیس جمهور پیشین ایران و رئیس کنونی مجمع تشخیص مصلحت و مجلس خبرگان، که این گونه موارد را تشریح کرده و خواهان تحقیقات شده بود، منتشر شد. در پی آن، مقامات دو هیات را برای بررسی نحوه برخورد با بحران پس از انتخابات، شامل رفتار با بازداشتیان، تشکیل دادند: یک کمیسیون ویژه مجلس و یک هیات سه نفره قضایی. شرح کامل اختیارات و وظایف هیچ یک از دو هیات منتشر نشد و یافته های کمیسیون مجلس انتشار نیافت. اعضای هر دو هیات خیلی سریع به رد کردن ادعاهای نقض حقوق بشر به دست مأموران دولتی پرداختند و جو مصونیت از مجازات برای نیروهای امنیتی، نگهبانان زندان، نیروی انتظامی و نیروی شبه نظامی بسیج را تقویت کردند.

این گزارش روال تعدی ها را پیش از انتخابات خرداد، در طی آن و پس از آن بررسی می کند و در حد امکان جزئیات موارد فردی و شهادت قربانیانی را که با عفو بین الملل و دیگران به گفتگو پرداخته اند، ارائه می نماید. در بسیاری از موارد، تعیین زمان و جزئیات دقیق، به خاطر گزارش های ضد و نقیض یا مبهم رسانه ها و مقامات دولتی، دشوار است.

همان طور که این گزارش نشان می دهد، مقامات ایران برای سرکوب اعتراض ها و مخالفت، هم در طی انتخابات و هم پس از آن، به سطح بالایی از خشونت و اقدامات اختیاری متوسل شده اند. هم چنین این گزارش نشان می دهد که دادگاه ها به عنوان ابزار عدالت و مسئولیت خواهی

از نیروی انتظامی، نیروهای امنیتی و دیگر مسئولان دولتی در زمینه نقض حقوق بشر و حمایت از حقوق آزادی بیان، اجتماع، تشکل و مذهب که در قانون اساسی ایران و حقوق بشردوستانه بین المللی تضمین شده، عمل نکرده اند. برعکس، آنها به عنوان بخشی از دستگاه سرکوب دولتی عمل کرده اند تا به نیروهای امنیتی اجازه اقدام با مصونیت از مجازات بدهند.

این وظیفه مقام رهبری و دولت است که صفحه تازه ای باز کنند و به موارد گسترده نقض حقوق بشر که در طی ناآرامی ها رخ داده به روشی باز، شفاف و پاسخگویانه رسیدگی کنند. وظیفه قوه قضاییه و مسئولان اجرای نظم و قانون است که، زیر هدایت کلی مقام رهبری، کشف حقیقت در باره رویدادهای پس از انتخابات، اجرای عدالت و عدم تکرار تعدی ها را تضمین کنند.

عفو بین الملل این گزارش را با ارائه یک رشته توصیه به مقامات ایرانی به پایان می برد. از جمله از آنها می خواهد:

به عنوان یک موضوع فوری، دیدار گزارشگران سازمان ملل در باره شکنجه و اعدام های فراقضایی، شتابزده و خودسرانه از ایران را تسهیل کنند و امکان بررسی مستقل و بین المللی وضعیت حقوق بشر را بدهند تا ارزیابی ها و توصیه های آنها به پاسخ خواهی از مسئولان ارتکاب یا آمران انجام تعدی ها کمک کند.

تمام زندانیان عقیدتی را آزاد کنند: کسانی که در ایران به خاطر باورهای سیاسی، مذهبی یا دیگر باورهای مبتنی بر وجدان، تبار قومی، زبان، تبار ملی یا اجتماعی، وضعیت جنسی یا مسایل دیگر، بدون استفاده از خشونت یا تبلیغ خشونت و تنفر در زندان به سر می برند.

پرونده تمام زندانیان دیگر را که در طی دوره انتخابات به دلایل سیاسی دستگیر شده اند، از جمله کسانی که پس از «دادگاه های نمایشی» محکوم شده اند، مورد بازنگری قرار دهند. اشخاصی را که هنوز محاکمه نشده اند، آزاد کنند مگر این که بنا باشد به آنها اتهام های مشخصا مجرمانه تفهیم شود و سریع از محاکمه عادلانه برخوردار شوند.

بخش های اصلی دستگاه عدالت را اصلاح کنند تا بسیج برای برقراری نظم به کار گرفته نشود و مشخص شود که چه ارگان هایی از اختیار دستگیری برخوردار هستند.

به قتل های غیرقانونی به دست نیروهای امنیتی پایان دهند و تضمین کنند که تمام ارگان های مسئول برای برقراری نظم و قانون به موازین بین المللی استفاده از زور و اسلحه گرم پایبند باشند.

تضمین کنند که هیچ کس خودسرانه دستگیر یا بازداشت نمی شود و مدارک به دست آمده در زیر شکنجه و اذیت و آزارهای دیگر در دادگاه پذیرفته نمی شود.

قوانینی را که استفاده مشروع از حقوق آزادی بیان، اجتماع و تشکل را جرم می شناسند لغو کنند و آن قوانین را با موازین بین المللی سازگار سازند.

اعدام ها را بلافاصله متوقف کنند و به مجازات بی رحمانه، غیرانسانی و تحقیرآمیز شلاق خاتمه دهند.

در باره این گزارش

به رغم درخواست های مکرر، مقامات ایرانی پس از انقلاب اسلامی سال 1357 به عفو بین الملل اجازه نداده اند به منظور تحقیق دست اول در باره حقوق بشر از ایران دیدار کند. دفتر عفو بین الملل در ژنو در سال های اخیر دیدارهای نامنظمی با دیپلمات های ایرانی داشته است. نمایندگان عفو بین الملل در لهستان و نروژ در سال 2009 تماس های کوتاهی با دیپلمات های ایرانی داشتند و در طی آن در باره به کارگیری مجازات اعدام نگرانی خود را ابراز کردند و نمایندگان این سازمان در هلند و آلمان در مه و آگوست 2009 با دیپلمات های ایرانی در آن کشورها ملاقات و نگرانی های مربوط به حقوق بشر را با آنها مطرح کردند. اما سفارت ایران در لندن در بیش از پنج سال گذشته پیوسته نامه ها و درخواست های متعدد عفو بین الملل، از جمله درخواست دیدار و صدور اجازه برای حضور ناظران عفو بین الملل در دادگاه های ایران شامل «دادگاه های نمایشی» سال 1388 را بی جواب گذاشته است. آخرین بار عفو بین الملل در نوامبر 2009 درخواست دیدار با سفیر ایران را کرد، ولی باز تا به امروز پاسخی دریافت نکرده است.

عفو بین الملل برای بررسی حقوق بشر در ایران به تحقیق گسترده با استفاده از منابع عمومی و خصوصی اتکا دارد. این گزارش تحولات در ایران را تا اواسط نوامبر 2009 (نیمه دوم آبان 1388) مورد بررسی قرار داده است. منابع عمومی شامل روزنامه ها و دیگر نشریات در ایران، از جمله نشریات آنلاین،؛ روزنامه ها و خبرگزاری های بین المللی، بخش های فارسی و دیگر بخش های رادیو و تلویزیون های بین المللی؛ دیگر منابع خبری فارسی زبان در خارج از ایران و طیف گسترده ای از وبلاگ ها هستند. رسانه های مختلف ایرانی، از جمله تلویزیون، رادیو و خبرگزاری های رسمی و نیمه رسمی اظهارات مقامات و گزارش های دیگری را منتشر کرده اند که در تهیه این گزارش در نظر گرفته شده اند.

منابع دیگر عفو بین الملل عبارتند از گروه های جامعه مدنی، از جمله سازمان های غیر دولتی (ان جی او ها) و سازمان های حرفه ای در ایران؛ سازمان های دانشجویی و کارگری؛ فعالان قومی و مذهبی؛ وکلا؛ روزنامه نگاران؛ فعالان سندیکایی و دیگران و نیز فعالان و مدافعان حقوق بشر. قربانیان نقض حقوق بشر و خویشاوندان آنها و دیگر شاهدان نیز در زمره این منابع هستند. بسیاری از این منابع باید ناشناس بمانند و این به خاطر ترس از دستگیری یا سرکوب در صورت افشای هویت آنها قابل فهم است.

بسیاری از ایشان از خطرهای روبرو و نیز تهدیدها و فشارها از جانب مقامات برای عفو بین الملل گفته اند. بعضی از آنها اکنون گفتگو با رسانه های بین المللی یا حتا مجامع حقوق بشری خارج از - یا حتا داخل - ایران را بسیار خطرناک تشخیص می دهند. بعضی از آنها به عفو بین الملل گفته اند با آنها تماس نگیرد چون می ترسند ارتباط هایشان مورد کنترل قرار گیرد. وقفه های ادواری در ارتباطات، مثل هفته های پس از انتخابات، فعالیت های تمام فعالان حقوق بشر را خطرناک تر و سخت تر کرد.

در طی پیگیری سرکوب مربوط به انتخابات در ایران، عفو بین الملل نشانی های پست الکترونیکی⁷ تدارک دید تا کسانی که مایل به ارسال تجربیاتشان هستند بتوانند سریع و به راحتی این کار را انجام دهند. بعضی از کسانی که از این طریق با عفو بین الملل تماس گرفتند، موفق

شدند اطلاعات مشروحی در باره دستگیری ها و بازداشت ها و استفاده مقامات از زور مفرط علیه تظاهرکنندگان و دیگران ارائه کنند.

با بسیاری از کسانی که این فرم ها را پر کردند در صورتی که می توانستند به خارج سفر کنند شخصا مصاحبه شد و در مواردی که می شد تشخیص داد که خطر جدی متوجه مصاحبه شونده نخواهد شد، مصاحبه ها تلفنی انجام شد. بعضی از شهادت ها در این گزارش بازتاب یافته است. این شهادت ها بخش بنیادی ارزیابی های این گزارش را تشکیل می دهند و در عین حال گزارش های خبری، اظهارات رسمی و گزارش های مختلف و اظهارات مجامع حقوق بشری سازمان ملل و دیگر سازمان ها را پس از انتخابات تکمیل یا نقض می کنند. عفو بین الملل بر این باور است که جامعه بین المللی در ارزیابی این گزارش سهیم است و این موضوع در قطعنامه مصوب کمیته سوم مجمع عمومی سازمان ملل در ماه نوامبر بازتاب یافته است.

عفو بین الملل مایل است از تمام کسانی که برای این گزارش اطلاعات در اختیار قرار دادند تشکر کند و امیدوار است این گزارش به بهبود وضع حقوق بشر در ایران کمک کند. این گزارش تنها امکان ذکر بخش کوچکی از موارد مربوط به افراد رنج کشیده را داشته است، اما این به معنای کم اهمیت تر دانستن رنج دیگران نیست. سازمان عفو بین الملل امید دارد که این گزارش باعث شود تا نه تنها کسانی که حقوق بشریشان در سال 1388 نقض شد در یادها بمانند، بلکه به کوشش های آنها در کسب عدالت کمک کند.

2 - پیشینه

در آستانه انتخابات

هفته های پیش از انتخابات، به رغم افزایش سرکوب مقامات دولتی، شاهد مبارزه انتخاباتی پرشوری، از جمله مناظره های زنده تلویزیونی بین چهار نامزد تایید شده، بود. با الهام از این وضع، مردم ایران بیشتر از آن چه انتظار می رفت به مبارزه انتخاباتی علاقه نشان دادند. میلیون ها نفر به مناظره جلب شدند و هزاران هزار نفر برای شنیدن سخنرانی های نامزدها در اجتماعات به خیابان ها رفتند. جنبش سبز - رنگ حامیان میرحسین موسوی و بطور کلی تر حامیان اصلاحات اجتماعی و سیاسی - متولد شد.

اما در همان دوره، سرکوب حامیان اصلاحات اجتماعی و سیاسی و علیه کسانی که نیروهای امنیتی و اطلاعاتی خائن به نظام تشخیص می دادند، به شدت افزایش یافت. دانشجویان، فعالان حقوق زن، وکلا، مدافعان حقوق بیشتر برای اقلیت های قومی و اقلیت های غیررسمی مذهبی، مثل بهاییان و اهل حق، به ویژه هدف این سرکوب قرار گرفتند.

عده زیادی دستگیر شدند و قوانین مبهمی برای فرونشاندن بحث مورد استناد قرار گرفت. اتهامات طرح شده شامل این موارد بود: «اقدام علیه امنیت کشور»، «نشر اکاذیب»، «تبلیغ علیه نظام»، «ایجاد تشویش در اذهان عمومی»، «اهانت به مقدسات» «وتوهین به مقامات کشور». برای مثال، مهدی معتمدی مهر، یکی از اعضای کمیته دفاع از انتخابات آزاد، سالم و

عادلانه، و عضو نهضت آزادی ایران که یک حزب سیاسی ممنوعه است، در تاریخ 30 فروردین 1388 دستگیر شد. پیش از آن یکی از مسؤلان وزارت اطلاعات به او تلفن کرده و گفته بود که اقدام کمیته در انتشار اطلاعیه ای با عنوان «نظارت نهادهای مدنی و بین المللی، تضمین تحقق انتخابات آزاد، سالم و عادلانه» اقدامی علیه امنیت ملی تلقی خواهد شد. اطلاعیه در هر حال منتشر و او نیز بازداشت شد و تا هنگام آزادی در 16 خرداد در بازداشت ماند.⁸ در تاریخ 9 اردیبهشت، نیروهای امنیتی از برگزاری جلسه کمیته به وسیله اعضای دیگر آن در موسسه حقوقی راد که متعلق به محمد علی دادخواه (نگاه کنید به فصل 4)، یکی از وکلای سرشناس و عضو شورای نظارت عالی کانون مدافعان حقوق بشر است، جلوگیری کردند.

عماد بهاور، رئیس شاخه جوانان نهضت آزادی ایران، که به نفع میرحسین موسوی فعالیت می کرد، در تاریخ 6 خرداد به اتهام «تبلیغ علیه نظام» دستگیر شد و پیش از آزادی به قید وثیقه چهار روز در بازداشت ماند.⁹

این رویه ها ناقض تعهدهای ایران طبق اصول 18، 19، 21 و 22 میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی هستند که ایران تصویب کرده است. این مفاد به ترتیب به آزادی اندیشه، وجدان و مذهب، بیان، تجمع و تشکل مربوط می شوند. این رویه ها در عین حال ناقض بسیاری از مفاد قانون اساسی هستند.

ناآرامی در استان سیستان - بلوچستان

در هفته های پیش از انتخابات، ناآرامی ها در استان سیستان بلوچستان افزایش یافت. این استان محل سکونت اقلیت بلوچ و عمدتاً سنی مذهب ایران است که پیوسته از تبعیض و نقض جدی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی شان رنج می برند. سرکوب به ویژه پس از انفجار انتحاری به وسیله یکی از اعضای جنبش مقاومت مردمی ایران در یک مسجد شیعیان که به کشته شدن حداقل 25 نفر انجامید، تشدید شد. عفو بین الملل این حمله را محکوم کرد.

در شورش هایی که پس از انفجار رخ داد تا 10 نفر کشته شدند و ده ها نفر و شاید صدها نفر دستگیر شدند. ظرف دو روز، سه مرد در انظار عمومی اعدام شدند. به گفته مقامات آنها به حمله «اعتراف» کرده بودند. بعداً مشخص شد که آنها در هنگام بمب گذاری در زندان بودند. سپس مقامات ایرانی گفتند آنها در پی «بازجویی های فشرده» به تهیه مواد منفجره «اعتراف» کرده بودند.¹⁰

روز 18 خرداد، چند روز پیش از انتخابات و در پی اجتماعات بزرگ حامی میرحسین موسوی در تهران و نقاط دیگر، رئیس دفتر سیاسی سپاه پاسداران حامیان میرحسین موسوی را متهم کرد که بخشی از «انقلاب مخملی» در ایران هستند و اخطار کرد که این انقلاب «موفق نخواهد شد».¹¹

ترکیب مباحثات پرشور پیش از انتخابات و افزایش سرکوب به این معنا بود که زمانی که برخلاف انتظار بسیاری از مردم، رئیس جمهور محمود احمدی نژاد به عنوان برنده مسلم اعلام شد، میلیون ها نفر خود را ناگزیر از اعتراض یافتند.

قوانین انتخاباتی ایران

در دهمین انتخابات ریاست جمهوری ایران از زمان انقلاب اسلامی 1357، تعداد 475 نامزد ثبت نام کردند که 42 نفر از آنها زن¹² بودند. در تاریخ 30 اردیبهشت، شورای نگهبان که نامزدها را بررسی می کند، چهار مرد را تایید کرد: رئیس جمهور وقت محمود احمدی نژاد، محسن رضایی، میرحسین موسوی (با حمایت رئیس جمهور پیشین محمد خاتمی) و مهدی کروبی. تمام نامزدهای زن، آشکارا به علت جنسیت، رد شدند. احتمال دارد که بسیاری از مردان دیگر که صلاحیتشان رد شد، به دلایل تبعیض آمیز یا نظریات سیاسی رد شده باشند.

نامزدی که بیش از نیمی از آرا را در دور اول کسب کند بلافاصله انتخاب می شود. اگر هیچ یک از نامزدها موفق به کسب بیش از نیمی از آرا نشوند، دو نامزدی که بیشترین آرا را داشته باشند، ظرف یک هفته در دور دوم با هم رقابت می کنند.

بر اساس اصول 110 و 115 قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، رئیس جمهور به مدت چهار سال انتخاب می شود و نمی تواند بیش از دو دوره پی در پی رئیس جمهور باشد. شرایط مقرر در قانون اساسی تبعیض آمیز هستند: طبق این مقررات نامزدها باید ایرانی، 18 ساله، مدیر و مدیر، دارای حسن سابقه و امانت و تقوا، مؤمن و معتقد به مبانی جمهوری اسلامی ایران و مذهب رسمی کشور و از جمله «رجال» باشند که از یک واژه عربی به معنای «مرد» مشتق می شود، گرچه بسیاری از ایرانیان بر این باور هستند که این واژه در فارسی باید وسیعتر و به معنای «سیاست مداران» تفسیر شود.¹³

این شرایط در تناقض با مفاد قانون اساسی قرار می گیرند. اصل 19 می گوید منشأ قومی یا قبیله ای، رنگ، نژاد، زبان و مانند اینها سبب امتیاز برای کسی نخواهد شد همه از حقوق برابر برخوردارند. اصول 20 و 21 می گویند مردان و زنان به طور برابر در حمایت قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی برخوردارند، گرچه این حقوق با شرط «رعایت و موازین اسلام» محدود می شود. اصل 23 تفتیش عقیده را ممنوع می کند و می گوید «هیچ کس را نمی توان به صرف داشتن عقیده ای مورد تعرض و مواخذه قرار داد.»

اعتراض ها و سرکوب پس از انتخابات

گفته می شود که در ساعات پس از پایان رای گیری، وزارت کشور به طور خصوصی به میرحسین موسوی اطلاع داده که او برنده شده است. در حالی که میرحسین موسوی در تدارک یک مصاحبه مطبوعاتی بود، نیروهای امنیتی دفاتر او را گویا به دستور شفاهی دادستان استان تهران، سعید مرتضوی، مورد حمله قرار دادند. حداقل سه نفر از مشاوران میرحسین موسوی دستگیر شدند. میرحسین موسوی اطلاعیه ای منتشر و اعلام کرد که «تسلیم این صحنه آرای خطرناک نخواهم شد.»¹⁴

در روز 23 خرداد، وزارت کشور اعلام کرد که رئیس جمهور محمود احمدی نژاد تقریباً 63 آرا را کسب کرده است. به نظر بسیاری از مردم این درصد اختلاف بیش از حد انتظار زیاد بود. اعلام خبر منجر به تظاهرات فوری در تهران و دیگر شهرها در سراسر ایران شد. اکثر تظاهرات مسالمت آمیز بود، اما در بعضی موارد خشونت هایی از جمله سنگ پراکنی و آتش

سوزی به دست معترضان رخ داد. نیروی انتظامی و نیروهای امنیتی، شامل نیروی شبه نظامی بسیج، برای پراکندن تظاهرات به استفاده از زور مفرط و از جمله ضرب و شتم معترضان با باتوم دست زدند.

حمله به محوطه دانشگاه

«در حادثه کوی دانشگاه تخلفات بزرگی انجام شده که پرونده ویژه ای برای آن تشکیل شده تا مجرمان بدون توجه به وابستگی سازمانی، به مجازات برسند.» آیت الله خامنه ای، 5 شهریور 1388¹⁵

«حوادث بدی اتفاق افتاد، جمعی از مردم آسیب دیدند حوادث بسیار تلخ بود، عده‌ای به کوی دانشگاه حمله و کارهای زشتی کردند... این کارها... هم اجزای سناریوی دشمن بود، اینها به دست وابستگان به جریان براندازی انجام شد.» رئیس جمهور احمدی نژاد، 6 شهریور 1388¹⁶

«در حمله به کوی دانشگاه نیروهای بسیجی حضور نداشتند. تعدادی نیروهای لباس شخصی و خودسر در حادثه شرکت داشتند. پس از شناسایی کسانی که در این حادثه مرتکب جرم شده اند، طبق قانون با آنها برخورد خواهد شد.» سردار سرلشکر محمدعلی جعفری، 7 شهریور 1388¹⁷

در هفته های پس از انتخابات، مقامات ایرانی بارها در باره نقض حقوق بشر اظهارات ضد و نقیضی کردند و اخطارهایی نیز دادند که نمونه آنها را می توان در حملات به کوی دانشگاه تهران مشاهده کرد؛ این حملات یادآور حملات مشابهی پیرو تظاهرات دانشجویی در سال 1378 بود.

در طی شب 24 خرداد، در پی حمله نیروهای لباس شخصی به کوی دانشگاه تهران، بنا به گزارش ها حداقل پنج دانشجوی کشته و تعداد دیگری نیز زخمی شدند، گرچه مقامات دانشگاهی بعداً کشته شدن اشخاص را تکذیب کردند.¹⁸ بسیاری این حمله - که به باور بسیاری به دست نیروی شبه نظامی بسیج و یگان ویژه نیروی انتظامی انجام شد - را محکوم کردند، از جمله رئیس مجلس که اعلام کرد مجلس در باره موضوع تحقیق خواهد کرد و علنا وزارت کشور را مقصر دانست. روز بعد در حدود 110 نفر از کادر آموزشی دانشگاه در اعتراض استعفا دادند. در همان شب، حمله مشابهی به دانشگاه در اصفهان و روز بعد در شیراز رخ داد.¹⁹ در تاریخ 27 خرداد، وزیر کشور گفت که دستور تحقیقات را صادر کرده است، اما نتایج آن در زمان نگارش هنوز منتشر نشده بود.

در تاریخ 28 خرداد، چندین دانشگاه، از جمله در تهران، شیراز و تبریز، زودتر از موعد برای تعطیلات تابستانی تعطیل شدند و به دانشجویان در تهران گفته شد خوابگاه ها را تخلیه کنند، در غیر این صورت «مسئول مستقیم سلامتی و امنیت جانی دانشجویان خود آنان خواهند بود.»²⁰

در تاریخ 25 خرداد، با وجود اخطار مقامات دولتی که اجتماعات غیرقانونی تلقی خواهد شد، میرحسین موسوی در میدان آزادی تهران در گردهمایی در حدود 3 میلیون نفر از مردم سخنرانی کرد. مقامات مرگ در حدود هشت نفر را تایید کردند²¹، گرچه پزشکیان که بعداً از ایران فرار کردند گفتند که 10 نفر از کشته شدگان فقط در بیمارستان رسول اکرم تهران بوده

اند.²² فعالان محلی حقوق بشر گفتند تا 25 نفر کشته شده اند.²³ تعدادی از این عده در اثر تیراندازی از بالای یکی از ساختمان های مورد استفاده بسیج کشته شدند، گرچه مقامات بعداً قتل اشخاص به دست بسیج را تکذیب کردند و گفتند قتل ها به دست معترضان انجام شده است.²⁴

روز بعد، 26 خرداد، نیز به رغم تهدیدهای دولت به سرکوب «اعتراض های غیرقانونی» تعداد زیادی از مردم گرد آمدند. اعتراض گسترش یافت و صدها هزار نفر از مردم در راه پیمایی ها در تهران، رشت، بابل، مشهد، شیراز و اهواز، محل سکونت بسیاری از اقلیت عرب ایران، شرکت کردند. این اعتراض ها به زاهدان نیز گسترش یافت که عمدتاً محل سکونت اقلیت بلوچ ایران است. در ارومیه، شهری که عمدتاً محل سکونت اقلیت های کرد و آذربایجانی است، به گزارش رسانه های محلی دو نفر کشته شدند و پس از سرکوب تظاهرات 3000 نفری معترضان در خیابان امام ده ها نفر - شاید صدها نفر - دستگیر شدند.²⁵

در روز 28 خرداد، بنا به گزارش ها، صدها هزار - شاید میلیون ها - نفر با لباس سیاه در تهران به یاد کشته شدگان معترض روزهای پیش به تظاهرات پرداختند. در همان روز 200000 نفر در شیراز اجتماع کردند.

دولت با پیش گرفتن یک حرکت سازمان یافته تهمت زنی و مجرم اعلام کردن معترضان مسالمت جو و چهره های مخالف و اکتش نشان داد. مقامات برجسته گفتند که اعتراض ها را «خارجیان» تحریک و کنترل می کنند. در روز 26 خرداد، محمدرضا حبیبی، دادستان عمومی اصفهان معترضان را به مجازات اعدام تهدید کرد.²⁶ در روز 27 خرداد، وبگاه سپاه پاسداران اخطار کرد که «کسانی که در فضای سایبر نسبت به تبلیغ آشوبگری و تهدید مردم» اقدام می کنند ممکن است با «اقدامات قانونی بسیار سنگین» روبرو شوند.²⁷

در روز 29 خرداد، یک هفته پس از انتخابات، خط مشی رسمی سرسختانه تر شد. مقام رهبری ایران، آیت الله خامنه ای، در نماز جمعه تهران، که از تلویزیون زنده پخش شد، خواهان پایان یافتن تظاهرات خیابانی شد. این ممنوعیت عملی بر تظاهرات مسالمت آمیز نه تنها ماده 21 میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی²⁸، بلکه قانون اساسی ایران (اصل 27) را نیز نقض کرد.²⁹

به نظر می رسد مقام رهبری به نیروهای امنیتی نیز اجازه داد برای پایان دادن به تظاهرات به دلخواه از خشونت استفاده کنند.³⁰ به رغم گزارش هایی در باره مرگ چند تن از معترضان، او از این نیروها نخواست که فقط و صرفاً در صورت لزوم و طبق قانون از زور استفاده کنند، بلکه در عوض به مردم اخطار کرد که اگر به حضور در خیابان ها ادامه دهند، خودشان مسئول عواقب آن خواهند بود.

سخنرانی او سرکوب خشونت بار معترضان را در پی آورد. تعداد زیادی از اعضای سپاه پاسداران، یگان ویژه نیروی انتظامی و بسیج در تهران و بسیاری شهرهای دیگر برای پایان دادن به تظاهرات یا متفرق کردن آنها با استفاده از گلوله های واقعی، گاز اشک آور و گلوله های لاستیکی گسیل شدند. پلیس ضد شورش، ماموران لباس شخصی اطلاعات و بسیج سوار بر موتورسیکلت به جمعیت تظاهرکنندگان حمله کردند، وحشت آفریدند و بسیاری را زخمی کردند.

رسانه های دولتی اعلام کردند که در روز 30 خرداد حداقل 10 نفر، شامل ندا آقا سلطان، کشته و 100 نفر زخمی شده اند. بنا به همان گزارش ها، 457 نفر دستگیر شدند. طبق فهرست 72

نفری کشته شدگان که کمیته پیگیری وضعیت زندانیان و آسیب دیدگان وقایع اخیر³¹، که مهدی کروی و میرحسین موسوی تشکیل داده بودند، در شهریور منتشر کرد، در آن روز حداقل 19 نفر کشته شده اند.

در روز 31 خرداد، وبگاه تیم رصد سایبری سپاه پاسداران³² عکس های 26 نفر را منتشر و ادعا کرد که عکس ها در طی تظاهرات پس از انتخابات برداشته شده است. گرچه بعضی از آنها سنگ یا اشیا دیگر در دست داشتند، اکثر آنها با آرامش راه می رفتند یا ایستاده بودند. به پیوست از ایرانیان درخواست شده بود «آشوبگران را شناسایی» کنند. این واحد که موظف به رسیدگی به «جرائم مجازی» است و فاقد اختیار دستگیری است، آشکارا وبگاه خود را برای ترساندن مردم از شرکت در اعتراض های مسالمت آمیز - که جرم مجازی نیست - به کار گرفت.

این کار همچنین به عنوان اقدامی برای منصرف کردن مردم - که با گرفتن عکس یا فیلم از تظاهرات و فرستادن آنها به اینترنت نقش موثری در پخش اخبار ناآرامی ها در جهان بازی می کردند - از روش های روزنامه نگاری شهروندی به شمار می رفت. اطلاعیه تیم رصد سایبری ضمناً باعث افزایش خطر دستگیری خودسرانه آن اشخاص و نقض حق برائت مگر در صورت اثبات تقصیر شد.

در روز 5 تیر، احمد خاتمی، یک روحانی ارشد و عضو مجلس خبرگان، در خطبه های نماز جمعه از قوه قضاییه خواستار مجازات «شدید و بی رحمانه» تظاهرکنندگان شد. او گفت تبلیغ و ایجاد ناامنی و وحشت و برخی کارهای دیگر «محاربه» یا دشمنی با خدا تلقی می شود که می توان مجازات اعدام را برای آن صادر کرد.³³

حق اعتراض مسالمت آمیز

مقامات ایرانی متعهد هستند درحیطه خود نظم و قانون را برقرار و از امنیت مردم حفاظت کنند. اما طبق الزام حقوق بین المللی هرگونه محدودیت بر آزادی اجتماع باید مطابق با قانون و کاملاً برای حفظ امنیت ملی یا ایمنی مردم، نظم عمومی، سلامت یا اخلاق عمومی یا محافظت از حقوق و آزادی های دیگران ضروری باشد. هرگونه محدودیتی از این نوع باید در تناسب با هدفی مشروع و بدون توسل به تبعیض از جمله به علت نظر سیاسی برقرار شود. حتا اگر چنین محدودیتی طبق حقوق بین المللی موجه باشد، اجرای قانون باید در سازگاری با موازین بین المللی صورت گیرد که استفاده از زور به وسیله ماموران اجرای قانون را منع می کند مگر این که کاملاً لازم باشد و آن هم تا حدی که برای انجام وظیفه ضروری است و استفاده از اسلحه گرم را تنها در صورتی مجاز می کند که برای حفظ حیات دیگران کاملاً اجتناب ناپذیر باشد (نگاه کنید به کادر در فصل 5).

در اواسط آگوست (نیمه دوم مرداد) مقامات اعلام کردند که در حدود 4000 نفر دستگیر و 3700 نفر از آنها آزاد شده اند.³⁴ در عین حال در سطح گسترده ای شایع شد که مغازه دارانی که به اموالشان در طی ناآرامی ها ضرر وارد آمده در صورتی خسارت دریافت می کنند که کتبا علیه حامیان نامشخص میرحسین موسوی یا مهدی کروی شکایت طرح کنند. به همین ترتیب،

به بسیاری از کسانی که به دست نیروهای امنیتی زخمی شده و نیازمند درمان در بیمارستان بودند، گفته شد که به زندان منتقل و متهم خواهند شد مگر این که کتبا شکایت و عنوان کنند که حامیان نامزدهای رقیب به آنها تیراندازی کرده یا به نحوی دیگر مجروحشان کرده اند.

از زمانی که اعتراض ها فروکش کرده، سرکوب کم نشده است. در حقیقت نشانه هایی وجود دارد که روش های دیرینه سرکوب تقویت شده به نحوی که هر کس که جرأت اعتراض داشته باشد به احتمال زیاد گرفتار بازداشت خودسرانه، شکنجه یا اذیت و آزارهای دیگر برای اجبار به «اعتراف» و محاکمه ناعادلانه می شود و تمام تظاهرات عمومی به احتمال زیاد با خشونت دولتی روبرو می شوند.

برای مثال، در روز 27 شهریور، حامیان مخالفان، که بسیاری از آنها سبز پوشیده بودند، در اجتماعات سالانه روز قدس خیابان ها را پر کردند و علیه نقض حقوق بشر و دولت شعار دادند. آنها با نیروهای امنیتی، که روز پیش اخطار کرده بود که با هرکس که قصد آشوب یا اختلال در اجتماعات را داشته باشد «قاطعانه برخورد خواهد شد»، درگیر شدند.³⁵ نیروی انتظامی بعدا اعلام کرد که 35 نفر در تهران دستگیر شده اند.

در روز 30 مهر، در حدود 70 مرد و زن در مراسم دعایی در تهران برای فعالان بازداشتی در طی ناآرامی های پس از انتخابات دستگیر شدند. اکثر آنها بعدا آزاد شدند، اما در زمان نگارش، حداقل پنج نفر از آنها گویا هنوز در زندان اوین به سر می برند، از جمله سعید نورمحمدی، عضو جوان جبهه مشارکت اسلامی، محمد کیانوش، اسماعیل صحابه، محمد خوربک و محبوبه حقیقی.

زمانی که دانشجویان و حامیان جنبش سبز برای برگزاری سی امین سالگشت اشغال سفارت آمریکا آماده می شدند، سرکوب افزایش یافت. مقامات در اقدامی پیشگیرانه افراد اصلی را در روزهای 12 و 13 آبان دستگیر کردند. چند تن از اعضای سازمان دانش آموختگان در میان دستگیرشدگان بودند، از جمله مدافع حقوق بشر حسن اسدی زیدآبادی، محمد صادقی و حجت شریفی و همسر او روزنامه نگار نفیسه زارع کهن. در زمان نگارش گویا همگی آنها هنوز بازداشت به سر می بردند.³⁶ کوهزاد اسماعیلی نیز که روز 13 آبان دستگیر شد، خیلی زود به قید وثیقه آزاد شد، اما در روز 25 آبان برای گذراندن یک حکم حبس 4 ماهه دوباره دستگیر شد. نیروهای امنیتی به خوابگاه های دانشجویی نیز حمله بردند و دانشجویان دیگری را دستگیر کردند تا مانع پیوستن دانشجویان به تظاهرات شوند. روزنامه نگاران خارجی نیز دستگیر و بعدا آزاد شدند.³⁷

تصفیه علوم اجتماعی و انسانی در دانشگاه ها

به نظر می رسد مقامات ایرانی به تصفیه علوم اجتماعی در دانشگاه ها پرداخته اند. در اوایل شهریور، آیت الله خامنه ای در یک سخنرانی برای مدیران دانشگاه ها محبوبیت علوم انسانی - با بیش از دو میلیون از سه و نیم میلیون دانشجو - را روندی «نگران کننده» نامید و گفت: «آموزش این علوم انسانی در دانشگاهها منجر به ترویج شکاکیت و تردید در مبانی دینی و اعتقادی خواهد شد.»³⁸ سخنرانی او پژواکی از اعتراف آشکارا اجباری سعید حجاریان در «دادگاه های نمایشی» مرداد بود (نگاه کنید به فصل 7) که گفته بود «نظریات علوم انسانی حاوی حربه های ایدئولوژیک هستند و قادرند به استراتژی و تاکتیک تبدیل شوند و در مقابل

ایدئولوژی رسمی کشور صف آرایی کنند و آن را به چالش بکشند.»

در پی سخنرانی آیت الله خامنه ای، برخی خواهان پایان دادن به تدریس علوم انسانی در دانشگاه ها شدند. برای مثال، آیت الله امامی کاشانی، یکی از اعضای مجلس خبرگان، در خطبه نماز جمعه 13 شهریور که از تلویزیون پخش شد، اعلام کرد که علوم انسانی نباید به شیوه غربی در ایران تدریس شود.³⁹ دو روز پس از آن، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی گفت که شورای عالی انقلاب فرهنگی دستور داده در برنامه درسی علوم انسانی بازنگری شود.⁴⁰

گفته می شود در مهرماه، پنج تن از استادان برجسته دانشکده حقوق دانشگاه علامه طباطبایی از تدریس منع شده اند. **دکتر محمدرضا بیگدلی**، استاد سرشناس حقوق بین الملل، یکی از آنهاست که پیشینه ای از اظهار نظر در باره امور سیاسی ندارد.⁴¹

این نوع مداخله در آموزش دانشگاهی و آزار استادان ناقض تعهدات ایران تحت ماده 13 میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است.⁴² کمیته اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در اظهار نظر عمومی خود در باره این ماده توضیح داده که از حق آموزش تنها در صورت همراهی با آزادی علمی استادان می توان بهره مند بود و این به نوبه خود نیاز به استقلال موسسات آموزش عالی دارد.⁴³ این کمیته به ویژه ابراز کرد:

«اعضای جامعه دانشگاهی، به صورت فردی یا جمعی، آزادند از طریق پژوهش، تدریس، مطالعه، بحث، ارائه سند، تولید، خلق یا نگارش، نظریات و دانش را پیگیری کنند، توسعه دهند و منتقل کنند. آزادی دانشگاهی شامل موارد زیر است: آزادی افراد در بیان آزاد عقاید در باره موسسه یا سیستمی که در آن کار می کنند، در انجام وظایفشان بدون تبعیض یا ترس از سرکوب دولتی یا هر کس دیگر، در مشارکت در مجامع حرفه ای یا انتخابی و در بهره مندی از تمامی حقوق بشر شناخته شده مربوط به افراد دیگر در همان حوزه.»⁴⁴

در روز 13 آبان، گروه بزرگی از نیروهای لباس شخصی، بسیجی و نیروهای ضد شورش به سرعت با راهپیمایان دانشجوی و دیگر در نقاط مختلف کشور، از جمله در تهران، قزوین، اصفهان، مشهد، تبریز، شیراز، کرمان و اهواز درگیر شدند. بیش از 100 نفر در تهران دستگیر شدند، از جمله فعالان حقوق زنان **راحله اصغریزاده** و **وحیده مولوی**، که هر دو در روز 20 آبان آزاد شدند. در اصفهان، نیروهای امنیتی دانشجویی به نام **مهدی نیلفروش زاده** را، گویا در حال تلاش برای دستگیریش، به ضرب گلوله کشتند؛ کمیسیون امنیت ملی مجلس گفت در مورد این قتل تحقیق خواهد کرد.

این حوادث نشانه این هستند که مقامات روش های به کار رفته در طی دوره انتخابات را تثبیت می کنند. نشانه های نگران کننده دیگر تغییراتی است که در ساختار نیروهای امنیتی ایجاد می شود. در مهرماه اعلام شد که بسیج و سپاه پاسداران به زودی ادغام می شوند تا نیروی مقاومت زمینی سپاه پاسداران را به وجود آورند. در هنگام اعلام این ادغام، رئیس ستاد مشترک نیروهای مسلح، سرلشکر سید حسن فیروزآبادی، گفت: «ساختارها در سپاه تغییر کند و سازمان بسیج به موضوعاتی چون کار نرم افزاری، تعمیق فرهنگ بسیجی در میان آحاد جامعه بپردازند.»⁴⁵ در همان زمان، بنا به گزارش ها، حسین طائب، فرمانده بسیج، که از انتخاب دوباره رئیس جمهور احمدی نژاد حمایت کرده بود، و قبلا سمت هایی در وزارت اطلاعات و دفتر مقام رهبری داشت، معاون اطلاعات سپاه پاسداران شد.

به دنبال آن، در روز 18 آبان، فرمانده بسیج دانشجویی تشکیل 6000 واحد بسیج در مدارس ابتدایی (که برای آموزش کودکان تا سن 11 سالگی است) را اعلام کرد. این شبه نظامی کردن مدارس ظاهراً تعهدات ایران طبق چندین ماده کنوانسیون حقوق کودک سازمان ملل، از جمله ماده های 3، 19، 29 و 38 را نقض می کند.⁴⁶ به ویژه، ماده 38 می گوید:

«دولت ها از عضو گیری تمام کسانی که به سن پانزده سالگی نرسیده اند در نیروهای مسلح خودداری خواهند کرد.»

3 - سرکوب آزادی بیان

با نزدیک شدن انتخابات، مقامات نیز آزادی بیان را محدود کردند. چندین روزنامه تعطیل شدند و دسترسی به وبگاه های اینترنتی، از جمله وبگاه های مربوط به حقوق بشر و دیگر وبگاه های رادیو تلویزیون های بین المللی محدود شد.

در فروردین ماه، وزیر اطلاعات گفت که وزارتخانه او به دقت مراقب تمام وبگاه های اینترنتی، وبلاگ ها و پیامک ها خواهد بود تا «هر تلاشی برای اختلال در انتخابات را در نطفه خفه کند.»⁴⁷ همچنین در فروردین، یکی از مسؤلان وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی گفت:

«اگر پایگاهی اینترنتی ... تخلفی مرتکب شود مثلاً بحث تحریم انتخابات را مطرح کند، تخریب جدی کاندیدایی را در دستور کار قرار دهد، یا به شایعه پراکنی علیه نامزدی بپردازد، تا پایان انتخابات مسدود می شود و پس از برگزاری آن به پرونده اش رسیدگی خواهد شد.»⁴⁸

در اردیبهشت ماه، مقامات دسترسی به فیس بوک و تویتر را به مدت کوتاهی معلق کردند.⁴⁹

زمانی که اعتراض های پس از انتخابات فوران کرد، مقامات با جلوگیری از پخش اطلاعات درباره تظاهرات، آزادی بیان و تبادل نظر را بیشتر سرکوب کردند. شبکه های تلفن همراه قطع شد و خط های تلفن ثابت مختل شد. وبگاه های اینترنتی مسدود یا فیلتر شدند. دسترسی به یو تیوب، فیس بوک و دیگر وبگاه های شبکه ای اجتماعی و نیز تعدادی از منابع خبری آنلاین مسدود شد.⁵⁰

تحرك روزنامه نگاران خارجی محدود شد و بعضی از آنها اخراج شدند، از جمله خبرنگار بی بی سی در ایران که به ارسال «اخبار و گزارش های جعلی و دروغین، نادیده گرفتن بی طرفی در اخبار و حمایت از آشوبگران و زیرپا گذاردن حقوق ملت ایران، دامن زدن به اغتشاشات و فریب و تحریک افکار عمومی» متهم شد.⁵¹ در همین حال، بی بی سی به اختلال در پخش برنامه های ماهواره ای تلویزیون فارسی خود در ایران اعتراض کرد و گفت منشأ اختلال ها در داخل ایران است.⁵²

برخی از کارکنان رسانه های خارجی نیز دستگیر شدند، از جمله یاسون آتاناسیادس، روزنامه

نگاری با تابعیت دوگانه یونانی - انگلیسی و مازیار بهاری، با تابعیت دوگانه ایرانی - کانادایی.⁵³

یاسون آتاناسیادس به عفو بین الملل گفت او پس از 19 روز در حبس انفرادی که در طی آن چند بار از بازجوها سیلی خورده بود، در تاریخ 14 تیر آزاد شد. او را پس از این که به ملاقات با یک سرهنگ ایرانی و سفیر یونان بردند دوباره در فرودگاه تهران دستگیر کردند. در ملاقات به او فشار آورده بودند تا «اعتراف نامه» ای را امضا کند دال بر این که امنیت ملی را تهدید کرده است. او حاضر به این کار نشد و یک شب دیگر را در بازداشت به سر برد، اما روز بعد آزاد شد و کشور را ترک کرد.

مازیار بهاری در روز 31 خرداد در خانه مادرش به وسیله ماموران لباس شخصی دستگیر شد که او بعداً فهمید ماموران اطلاعات سپاه پاسداران بوده اند. او گفته که در طی بازداشت کتکش زده اند و در «دادگاه های نمایشی» ظاهر شد و «اعتراف» کرد. او در تاریخ 25 مهر به قید وثیقه آزاد شد و اجازه یافت ایران را ترک کند و به نزد همسرش برود که در شرف وضع حمل بود.⁵⁴

سرکوب رسانه های ایرانی تشدید شد. برای مثال، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در روز 27 خرداد به دو روزنامه مخالف، *آفتاب بزد* و *حیات نو*، دستور داد انتشار خود را متوقف کنند. ده ها روزنامه نگار دستگیر شدند.⁵⁵ کلیه روزنامه نگاران روزنامه *کلمه سبز* که میرحسین موسوی پیشتر در همین سال تاسیس کرده بود، دستگیر شدند. برخی از روزنامه نگاران دستگیر شده در زمان نگارش هنوز محاکمه نشده اند، از جمله *سعید لیلانز* که نویسنده سرمایه است و در 27 خرداد دستگیر شده و *بهمن احمدی امویی*، که به همراه همسرش در تاریخ 30 خرداد دستگیر شد، اما همسر روزنامه نگارش *ژیلا بنی یعقوب* در مرداد ماه به قید وثیقه آزاد شد.⁵⁶ تعدادی دیگر پس از حضور در «دادگاه های نمایشی» به زندان محکوم شدند.

حتا پس از فروکش کردن اعتراض ها، اعمال محدودیت بر آزادی بیان ادامه یافت. روزنامه نگاران بیشتری دستگیر شدند. برای مثال، *فریبا پژوه*، خبرنگار بخش فارسی رادیو بین المللی فرانسه، در 31 مرداد ماه دستگیر شد. در هنگام نگارش، او هنوز در زندان اوین به سر می برد و بیشتر این مدت را بدون اتهام و دسترسی به وکیل در سلول انفرادی به سر برده است. خانواده او بارها از قول او گفته اند که به شدت بر او فشار می آورند تا به «روابط نامشروع» «اعتراف» کند. او بخشی از مدت بازداشت را در سلولی با *هنگامه شهیدی* به سر برده که روزنامه نگار و عضو حزب اعتماد ملی و در مبارزه انتخاباتی مهدی کروبی مشاور او بود و از 9 تیر تا 10 آبان در بازداشت به سر برد.

روزنامه نگاران در شهرهای دیگر نیز مصون نماندند. دو روزنامه نگار کرد - *حسن شیخ آقایی*، خبرنگار و کاریکاتورریست که در فعالیت های انتخاباتی میرحسین موسوی شرکت داشت، و *احمد بهاری*، سردبیر ماهنامه مهاباد، به ترتیب در روزهای 27 و 31 تیر در مهاباد دستگیر شدند. این دو در اوایل شهریور به قید وثیقه آزاد شدند.⁵⁷

در شهریور ماه، وبگاه خبری *انتخاب* در اعتراض به فیلتر شدن 11 باره به وسیله مقامات فعالیت خود را متوقف کرد. در مهر ماه، مقامات حداقل سه روزنامه دیگر را ممنوع کردند: *فرهنگ آشتی*، *آرمان روابط عمومی و تحلیل روز*.⁵⁸ در روز 11 آبان، هیأت نظارت بر مطبوعات⁵⁹ یک روزنامه مهم اقتصادی به نام *سرمایه* را که از سیاست های دولت انتقاد کرده بود، تعطیل کرد.⁶⁰

در آبان ماه، پس از این که بخشی از مسؤلیت نظارت بر اینترنت از وزارت اطلاعات به نیروی انتظامی محول شد⁶¹، فرمانده نیروی انتظامی⁶² تشکیل کمیته ویژه ای برای رسیدگی به «جرائم رایانه ای» شامل جرائم سیاسی را اعلام کرد.⁶³ سرهنگ امیدی، رئیس پلیس مبارزه با جرایم رایانه ای آگاهی ناجا، گفت نیروی انتظامی یکی از 12 عضو ستاد مبارزه با جرایم رایانه ای است که زیر نظر دادرسی فعالیت می کند.⁶⁴

این گونه اقدامات به صراحت ناقض ماده 19 میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی است که می گوید حق آزادی بیان شامل «آزادی جستجو و دریافت و پخش اطلاعات از هر نوع بدون توجه به مرزها، خواه شفاهی یا نوشتاری یا چاپی یا به صورت هنری یا به هر وسیله دیگر» است. این حق مشروط به برخی از محدودیت هاست که باید در قانون تصریح و برای حفظ امنیت ملی یا امنیت عموم، نظم عمومی، سلامت یا اخلاق همگانی یا حفاظت از حقوق و آزادی دیگران کاملاً ضروری باشد. هر گونه محدودیت از این نوع باید در تناسب با اهداف مشروع باشد و نمی تواند خود این حق را به خطر بیندازد و باید بدون توسل به تبعیض، از جمله به دلایل اعتقاد سیاسی، اعمال شود.⁶⁵

4 - سرکوب دگراندیشی: دستگیری ها و بازداشت های خودسرانه

حداقل 4000 نفر، و شاید بسیار بیشتر، از حامیان مخالفان در طی ناآرامی های پس از انتخابات به روش خودسرانه دستگیر شدند. بسیاری از آنها آزاد شده اند، اما در زمان نگارش احتمالاً در حدود 200 نفر هنوز در پشت میله ها مانده اند. دستگیری ها شامل بسیاری از چهره های ارشد سیاسی مرتبط با تیم های انتخاباتی نامزدهای ریاست جمهوری میرحسین موسوی و مهدی کروبی و نیز روزنامه نگاران، دانشجویان، مدافعان حقوق بشر، فعالان حقوق زنان و وکلا می شد.⁶⁶

دستگیری ها اغلب به دست افراد لباس شخصی فاقد مدارک شناسایی و بعضاً آموزش ندیده انجام می شود. آئین دادرسی کیفری ایران⁶⁷ به نیروی انتظامی و بسیج لباس شخصی و سپاه پاسداران اختیار دستگیری می دهد. شورای عالی امنیت ملی نیز می تواند به دیگر ارگان ها و سازمان ها این اختیار را بدهد، گرچه پایه و راهکار این مساله در قانون روشن نیست و به نظر می رسد مقامات الزامی ندارند به مردم اطلاع دهند که کدام ارگان ها از اختیار دستگیری و بازداشت برخوردار هستند. برای مثال، به نظر نمی رسد ماموران وزارت اطلاعات طبق قانون از اختیار دستگیری برخوردار باشند، اما طبق این مفاد ممکن است این اختیار به آنها داده شده باشد.

نبود شفافیت در این سیستم سوء استفاده از اختیار دستگیری را امکان پذیر می سازد و رویه دستگیری خودسرانه را که از طریق مفاد نقص دار قانون مجازات تسهیل شده، تقویت می کند. نبود شفافیت و راه کارهای نظارتی به نیروهای مختلف، به ویژه نیروی شبه نظامی بسیج، این اجازه را می دهد که با مصونیت مرتکب نقض حقوق بشر شوند.

شبووا نظر آهاری (نگاه کنید در زیر)، یکی از مدافعان حقوق بشر، که در تاریخ 14 خرداد دستگیر شد، در باره دستگیری خود به دست ماموران وزارت اطلاعات چنین می گوید:

«یک برگه کپی شده نشانم دادند که محتوای آن این بود: "از آنجا که پس از اعلام نتایج انتخابات، عده‌ای قصد ایجاد آشوب و اغتشاش را دارند، نسبت به شناسایی عوامل و سازمان‌دهندگان آن به سرعت اقدام شود." برایم عجیب بود. گفتم خوب این حکم به من چه ربطی دارد؟ اسمی از من در حکم نیامده است! گفتند: "این حکم کلی است" و سوام کردند.⁶⁸

در طی دوره انتخابات، ظاهراً تعداد زیادی از دستگیری‌ها را ماموران لباس شخصی انجام داده‌اند که فاقد مدارک شناسایی بودند یا آن را نشان ندادند و دلیل کتبی یا شفاهی برای دستگیری ارائه نکردند.

در ده‌ها موردی که به اطلاع عفو بین‌الملل رسیده، افرادی که خودسرانه، از جمله به دست بسیج، دستگیر شده‌اند، پیش از انتقال به بازداشتگاه مورد اذیت و آزار قرار گرفته‌اند. نیروی انتظامی دستگیری‌ها به دست بسیج را مورد پرسش قرار نداده یا پیگیری نکرده است، بعضاً به دلیل جایگاه بسیج که فرمانده اش فرمانده سپاه پاسداران و منصوب مقام رهبری است.

علی خردنژاد (نگاه کنید به فصل 6 در زیر) در آبان ماه به عفو بین‌الملل گفت:

«من متوجه شدم که هیچ‌یک از افراد پلیس روی اون‌فیرمشان اتیکت ندارند. از آنجا که خدمت وظیفه ام را در نیروی انتظامی گذرانده‌ام، می‌دانستم که این کار جرم است. از یکی از آنها پرسیدم چرا اتیکت ندارد. یک نفر از پشت مرا هل داد و با بی ادبی گفت نگران نباش، به تو ربطی ندارد.»

چند متر آن طرف‌تر، دو نفر با باتوم به او حمله کردند و نفر سومی گاز فلفل به چشم‌هایش پاشید و پس از آن دستگیر شد. «حالا نمی‌دانم که آیا مرا دستگیر کردند فقط به خاطر این که از آن مامور پرسیده بودم چرا اتیکت ندارد.»

دستگیری خودسرانه در حقوق بین‌الملل

دستگیری و بازداشت خودسرانه در حقوق بین‌الملل منع شده است. ماده (1) 9 میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی می‌گوید: «هیچ‌کس را نمی‌توان خودسرانه دستگیر یا بازداشت کرد. آزادی هیچ‌کس را نمی‌توان سلب کرد مگر به دلایل قانونی و طبق رویه مقرر در قانون.» گروه تحقیق سازمان ملل در باره بازداشت خودسرانه سه نوع بازداشت خودسرانه را شناسایی کرده است: کسانی که بدون هر گونه دلیل قانونی بازداشت می‌شوند؛ کسانی که صرفاً به خاطر به کارگیری حقوقشان، از جمله آزادی اندیشه، وجدان و مذهب، عقیده و بیان و تجمع مسالمت‌آمیز و تشکل بازداشت می‌شوند؛ و کسانی که از محاکمه عادلانه برخوردار نشده‌اند و در نتیجه خودسرانه از آزادی محروم شده‌اند. کمیته حقوق بشر اظهار کرده که اعلام وضعیت اضطراری تحت هیچ شرایطی نباید برای توجیه اقدام ناقض هنجارهای لازم الاجرای حقوق بین‌الملل، برای مثال از طریق سلب خودسرانه آزادی یا انحراف از اصول بنیادی محاکمه عادلانه شامل اصل برائت، مورد استفاده قرار گیرد.⁶⁹

تقریباً تمام دستگیرشدگان بدون دسترسی به وکیل یا خانواده هایشان و بدون تفهیم اتهام به مدت های متفاوت در حبس انفرادی بازداشت شدند که اغلب شرایطی معادل با ناپدید شدن قهری بوده است.⁷⁰ خانواده های آنها اغلب از دستگیری آنها مطلع نشده اند.⁷¹ این عملکردها ناقض حقوق و موازین بین المللی بشری و از جمله ماده 9 میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی است که می گوید: «هیچ کس را نمی توان خودسرانه دستگیر یا بازداشت کرد.»

خانواده ها را به عمد از زمان و مکان ملاقات ها بی اطلاع نگه داشته اند و گاهی پس از این که به آنها گفته اند برای ملاقات بروند، در زندان مانع ملاقات آنها شده و مصیبت و فشار احساسی بر آنها را افزونتر کرده اند. در اغلب موارد، مبالغ هنگفتی برای وثیقه مقرر شده که خانواده ها را از تامین آزادی خویشاوندان ناتوان ساخته است.

بنا به گزارش ها، برخی از بازداشتیان حتی پس از تامین وثیقه نیز آزاد نشده اند. این مساله در مورد **محمد قوچانی**، روزنامه نگار و سردبیر روزنامه *اعتماد ملی*، رخ داد. ماموران وزارت اطلاعات او را در تاریخ 30 خرداد در خانه اش دستگیر کردند. به رغم صدور حکم آزادی پس از این که خانواده اش مبلغ وثیقه مقرر را در تاریخ 1 شهریور تامین کردند، او را بدون تفهیم اتهام در بند 209 اوین نگه داشتند. سرانجام او در ساعات اولیه روز 8 آبان آزاد شد و او را بدون هرگونه توضیحی در جلوی یک آژانس تاکسی پیاده کردند.

اولین باری که برخی از خانواده ها خبری از خویشاوندان دستگیرشده شان دریافت کردند زمانی بود که بازداشتی در مرداد ماه در یک «دادگاه نمایشی» در تلویزیون ظاهر شد (نگاه کنید به فصل 7 در زیر). برای خانواده **علی بیگس**، عضو کمیته دانشجویی دفاع از زندانیان سیاسی و فعال حقوق اقلیت آذربایجانی ایران، این وضع به معنای بی خبری از لحظه دستگیری او در نیمه دوم خرداد تا حضور در دادگاه در تاریخ 10 مرداد بود با استثنای یک تلفن کوتاه به یک دوست برای این که اطلاع دهد که در بند 209 زندان اوین به سر می برد.⁷² او عملاً بیش از یک ماه قربانی ناپدید شدن قهری بوده است.

مقامات ایرانی در هیچ مقطعی فهرستی از نام دستگیرشدگان در دوره انتخابات و محل نگهداری آنها را منتشر نکردند. در حقیقت، مقامات مختلف ارقام مختلفی را در باره تعداد بازداشتیان ارائه کردند و دشواری پیگیری دستگیری های انجام شده به وسیله تمامی سازمان های مختلف امنیتی را آشکار ساختند. مقامات خاطر نشان کرده اند که اکثر بازداشتیان به جرائم مبهمی در ارتباط با امنیت کشور متهم شده اند یا خواهند شد. حداقل 81 نفر به حکم های زندان از شش ماه تا 15 سال و پنج نفر به مرگ محکوم شده اند.

در میان کسانی که در زمان نگارش هنوز در بازداشت به سر می برند عده زیادی زندانی عقیدتی وجود دارد. این زندانیان که جزئیات وضعیتشان در زیر آمده است باید فوراً و بدون قید و شرط آزاد شوند. بازداشتیان دیگر نیز باید آزاد شوند مگر این که بی درنگ به آنها اتهام های مشخص کیفری تفهیم شود و آنها از محاکمه عادلانه برخوردار گردند.

دستگیری های هدف مند پس از انتخابات

از لحظه ای که اعتراض ها شروع شد، نیروهای امنیتی چهره های برجسته مخالف، روشنفکران و روزنامه نگاران را در تلاشی آشکار برای فرونشاندن مخالفت، هدف دستگیری قرار دادند. صدها نفر از مردم عادی که برای ابراز نظر یا نگرانی خود در باره انتخابات به خیابان ها ریختند در این دستگیری ها گرفتار آمدند.

محمد رضا خاتمی، عضو برجسته جبهه مشارکت ایران اسلامی و برادر رئیس جمهور پیشین خاتمی، در میان دستگیر شدگان روز 23 خرداد بود. او کمی بعد آزاد شد. **محسن میردامادی**، دیگر عضو برجسته جبهه مشارکت ایران اسلامی و **بهزاد نبوی**، موسس سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی، سازمان سیاسی اصلاح طلب و متحد رئیس جمهور پیشین خاتمی، نیز دستگیر شدند. هر دو در زمان نگارش هنوز در بازداشت به سر می برند.

روز بعد، سه روزنامه نگار که سال هاست مبلغ اصلاحات اجتماعی و سیاسی بوده اند - **هدی صابر**، **رضا علیجانی** و **تقی رحمانی** - دستگیر شدند و دو روز در بازداشت ماندند. به دنبال آنها ده ها روزنامه نگار دیگر دستگیر شدند که همگی زندانیان وجدانی هستند. بیست نفر از 25 نفر کارکنان روزنامه کلمه سبز که موسوی پیش تر در همین سال تاسیس کرده بود، در میان این عده بودند که در روز 1 تیر در دفترشان در میدان هفت تیر تهران دستگیر شدند.

در روز 25 خرداد، **لعیا فرزندی**، یک پزشک زن، **جلیل شریبانیلو**، جراح، **غفار فرزندی**، عضو برجسته نهضت آزادی ایران و استاد دانشگاه تبریز، و **رحیم یآوری**، یکی از فعالان نهضت آزادی ایران، در میان 24 فعال سیاسی، دانشجو و متخصصان بودند که در پی تظاهراتی مسالمت آمیز در میدان ابرسان تبریز دستگیر شدند. گویا آنها پس از یک هفته بازداشت آزاد شده اند.⁷³

دانشجویان به ویژه هدف دستگیری ها قرار داشتند. بنا به گزارش ها در طی حمله ای وحشیانه به کوی دانشگاه تهران در روز 24 خرداد، گویا 133 دانشجو دستگیر شدند که بسیاری از آنها مورد ضرب و شتم و شکنجه قرار گرفتند.⁷⁴ دانشگاه اصفهان نیز در همان شب مورد حمله قرار گرفت. در روز 25 خرداد، نیروهای امنیتی وارد خوابگاه دانشگاه تبریز شدند و 10 دانشجو را به اتهام شرکت در تظاهرات دستگیر کردند. روز بعد فعال و رهبر دانشجویی **امیر مردانی** در میان صدها نفر از دستگیر شدگان بود. در شیراز در جنوب، نیروهای امنیتی با استفاده از گاز اشک آور راه خود را به زور به سوی کتابخانه دانشگاه باز کردند و در حدود 100 دانشجو را دستگیر کردند. در شهر شمالی بابل، گویا بسیجیان و نیروهای لباس شخصی مسلح دانشگاه بابل را محاصره کردند و دانشجویان را در خوابگاه ها هدف قرار دادند. در مشهد، در شمال شرقی، بنا به گزارش ها نیروهای امنیتی به دانشجویان حمله و آنها را دستگیر کردند. در زاهدان، در جنوب شرقی، دو دانشجو دستگیر شدند.

در پایان هفته اول پس از انتخابات، عفو بین الملل نام در حدود 200 سیاستمدار، روزنامه نگار، دانشجو و مدافع حقوق بشر را ثبت کرده بود که در سراسر ایران و بعضاً به مدت کوتاهی دستگیر شده بودند. در نیمه دوم مرداد، بیش از 700 نام گردآوری شده بود، گرچه این تعداد فقط بخشی از تعداد واقعی بود.⁷⁵

این عده شامل هشت رهبر برجسته سیاسی بود که همگی زندانی وجدانی بودند: **محمد علی ابطی**، روحانی و مشاور پیشین رئیس جمهور خاتمی؛ **محسن امین زاده**، از اعضای رهبری جبهه مشارکت ایران اسلامی؛ **سعید حجاریان**، روزنامه نگاری که از زمان سوء قصد در سال 1378 نیازمند به استفاده از صندلی چرخدار بوده و مشاور رئیس جمهور پیشین خاتمی است؛ **بهزاد نبوی** (نگاه کنید در بالا)، عضو موسس سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی که متحد رئیس جمهور پیشین خاتمی است؛ **دکتر عبدالله رمضانزاده**، معاون جبهه مشارکت ایران اسلامی و سخنگوی پیشین دولت رئیس جمهور خاتمی؛ **مصطفی تاجزاده**، معاون وزیر کشور در دولت رئیس جمهور پیشین خاتمی؛ **محمد عطریانفر**، معاون وزیر کشور و مشاور رئیس جمهور در دولت رئیس جمهور پیشین خاتمی و **محمد توسلی**، عضو ارشد نهضت آزادی ایران.

دکتر ابراهیم یزدی، اولین وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران و عضو رهبری نهضت آزادی ایران، در تاریخ 27 خرداد در بیمارستان پارس، که در آن تحت معالجه بود، دستگیر شد. او بعداً آزاد شد و به بیمارستان بازگشت.⁷⁶

دکتر محمد ملکی، محقق 76 ساله بازنشسته و زندانی وجدانی در میان کسانی است که در زمان نگارش هنوز در زندان به سر می بردند. پنج مامور اطلاعاتی که در تاریخ 31 مرداد او را در خانه اش دستگیر کردند، خانه او را مورد بازرسی قرار دادند و برخی از وسایل او را ضبط کردند. به رغم وضعیت بدی جسمانی - او سرطان، بیماری قلبی و قند دارد و نمی تواند بدون کمک دیگران راه برود - او را به زندان اوین بردند که در آن مراقبت کافی پزشکی اغلب از زندانیان دریغ می شود. او بدون اتهام در بازداشت مانده و حکم بازداشت او در تاریخ 30 مهر بدون هر توضیحی تمدید شد. مأمورانی که او را دستگیر کردند به همسرش گفتند که او به خاطر تحریک ناآرامی ها و ادعای ارتباط با سازمان مجاهدین خلق ایران - یک گروه ممنوعه مخالف در خارج از کشور - که اتهامی معمول علیه دستگیرشدگان است تحت رسیدگی است. دکتر ملکی پیش از انتخابات به تشکیل سازمانی تازه به نام همبستگی برای دموکراسی و حقوق بشر در ایران کمک کرده بود.⁷⁷

مرتضی الویری، شهردار پیشین تهران و مشاور مهدی کروبی در طی انتخابات، که عضو کمیته پیگیری وضعیت زندانیان و آسیب دیدگان وقایع اخیر بود، پس از هشت هفته بازداشت در تاریخ 9 آبان به قید وثیقه آزاد شد.⁷⁸

حمله به اشخاص مرتبط با کشورهای دیگر

«مداخله انگلیس در اغتشاشات و بحران اخیر کشورمان قطعی و آشکار است و این نقش آفرینی چه توسط سفارتخانه شان و چه توسط شبکه بی بی سی در اتاق عملیات بحران آشکارتر از آن است که تکذیب و مورد انکار قرار گیرد.» اسماعیل احمدی مقدم، فرمانده ناجا، 18 تیر 1388⁷⁹

در پی چند روز اول اعتراض ها، دولت رسماً دولت های آمریکا و انگلستان را متهم کرد که در پشت ناآرامی ها هستند و گفت که این بخشی از طرح یک انقلاب «مخملی» یا «نرم» برای براندازی حکومت است. علاوه بر حمله به روزنامه نگاران خارجی (نگاه کنید به فصل 3)، اشخاص مرتبط با آمریکا، انگلستان و دیگر کشورها هدف دستگیری قرار گرفتند.

تمامی نه نفر کارکنان محلی سفارت انگلستان در روز 6 تیر دستگیر شدند. همگی این عده تا 28 مرداد آزاد شدند، به استثنای حسین رسام، تحلیلگر ارشد سیاسی سفارت که تحت فشار در یکی از «دادگاه های نمایشی» به «اقدام علیه امنیت کشور» «اعتراف» کرد. او به چهار سال زندان محکوم شده است و حکم او فعلا در مرحله تجدید نظر است.⁸⁰

کیان تاجبخش، دانشمند علوم اجتماعی، که دارای تابعیت دوگانه آمریکایی - ایرانی است، در تاریخ 18 تیر دستگیر شد. او که بخش اعظم زمان بازداشت را در سلول انفرادی به سر برده بود، در یک «محاکمه نمایشی» به خاطر جاسوسی، همکاری با یک دولت متخاصم و اقدام علیه امنیت ملی ظاهر شد. او در مهر ماه به 15 سال زندان محکوم شد، که تاکنون سنگین ترین حکم زندان صادر شده است.⁸¹

حداقل چهار نفر دیگر نیز با اتهاماتی روبرو هستند. یکی از کارمندان سفارت فرانسه، **نازک افشار**، که دارای تابعیت دوگانه فرانسوی - ایرانی است، پس از حضور در یک «محاکمه نمایشی»، در تاریخ 20 مرداد آزاد شد. مقامات فرانسوی تنها زمانی از دستگیری او مطلع شدند که او را در طی جلسه دادگاه در تلویزیون دیدند.

کلوتیلد ریس، یک تبعه فرانسه، در تاریخ 10 تیر در فرودگاه تهران در حین سفر به فرانسه دستگیر شد. او پس از این که در یکی از «دادگاه های نمایشی» به اقدام علیه امنیت ملی از طریق شرکت در تظاهرات در اصفهان، محل تدریسش، گردآوری اخبار و اطلاعات و ارسال عکس هایی از تظاهرات برای دوستی در تهران، «اعتراف» کرد، در تاریخ 25 مرداد به قید وثیقه آزاد شد. پس از دادگاه، سفیر ایران در فرانسه او را به جاسوسی متهم کرد که این ادعا را دولت فرانسه رد کرد. در شهریور ماه، رئیس جمهور احمدی نژاد اشاره کرد که شاید سرنوشت او به آزادی چند زندانی در فرانسه بستگی داشته باشد. محاکمه او در آبان ماه ادامه داشت.⁸²

بیژن خواجه پور خونی، یک مشاور اقتصادی، پس از ورود به تهران در تاریخ 6 تیر در پی سفری به وین و لندن، عملا در حدود یک ماه ناپدید شد. خانواده او، به جز چند تلفن کوتاه و ناقص، هیچ اطلاعی از محل او نداشتند تا این که به آنها در زندان اوین اجازه ملاقات داده شد. او در تاریخ 8 مهر به قید وثیقه آزاد شد.

مجید زمانی، که در آمریکا تحصیل کرده و پیش از بازگشت به خدمت دولتی در ایران در سال 1386 برای بانک جهانی کار کرده بود، در تاریخ 2 تیر دستگیر شد. او تا زمان آزادی به قید وثیقه در آذر ماه، پنج ماه در بازداشت به سر برد. او ابتدا به اقدام علیه امنیت ملی، توهین به رئیس جمهور و جمع آوری اطلاعات به قصد ارائه به خارجیان متهم شد و تحصیل او در آمریکا و اشتغال در بانک جهانی به عنوان بخشی از دلایل علیه او به کار رفت. این اتهام ها پیش از آزادی او کنار گذاشته شد، اما او هنوز با اتهام «اختلال در نظم عمومی» روبرو است.

آزار خویشاوندان

آزار خویشاوندان روحانیون برجسته، رهبران سیاسی و روزنامه نگاران به سرعت به بخش تفکیک ناپذیر حرکت دولت برای سرکوب دگراندیشی تبدیل شد. این روش دیرینه تعدی به ویژه در دوره بلافاصله پس از انتخابات به شدت به کار گرفته شد، اما پس از آن نیز ادامه یافته است.

شاپور کاظمی، 62 ساله، برادر همسر میرحسین موسوی کمی پس از انتخابات در تهران دستگیر شد و در زمان نگارش هنوز در بازداشت به سر می برد. خواهر او، زهرا رهنورد، می گوید کاظمی برای اعمال فشار بر او و شوهرش برای پذیرش علنی نتیجه انتخابات ریاست جمهوری خرداد 1388 دستگیر شده است. کاظمی که مدت بیش از 60 روز در زندان اوین در سلول انفرادی به سر برده، در مهر ماه به مادرش گفت که به آبارتمانی در یک نقطه نامعلوم تهران منتقل شده است. بزرگترین پسر او، شاهین، نیز به قصد فشار بیشتر بر خانواده در مرداد ماه دستگیر شد.⁸³

فائزه هاشمی رفسنجانی، دختر آیت الله هاشمی رفسنجانی، به مدت کوتاهی به همراه چهار زن دیگر از اعضای خانواده اش در تظاهراتی در تهران به تاریخ 30 خرداد دستگیر شد. مقامات بعداً گفتند که او «برای حفاظت از خود او» بازداشت شده است، ولی او بعداً این موضوع را تکذیب کرد و گفت که ماموران در خیابان گفته اند که حکم دستگیری او را دارند و دستگیرش کرده اند. او گفت در بازجویی او را متهم به سازماندهی و شرکت در تظاهرات کرده اند و او آن را انکار کرده است.⁸⁴

مهدی میردامادی، پسر محسن میردامادی، دبیر کل جبهه مشارکت ایران اسلامی، در تاریخ 26 شهریور در خانه اش دستگیر شد و به مدت تقریباً سه هفته در بازداشت به سر برد.⁸⁵ در زمان نگارش، محسن میردامادی هنوز از زمان دستگیری در خرداد ماه در بازداشت به سر می برد.

سه نوه آیت الله منتظری، روحانی دگراندیش برجسته، به همراه پسر یک روحانی برجسته دیگر، آیت الله موسوی تبریزی، در تاریخ 24 شهریور دستگیر شدند. موسوی تبریزی دبیر مجمع مدرسین و محققین حوزه علمیه قم است که اطلاعیه هایی در محکومیت دستگیری ها، «دادگاه های نمایشی» و شکنجه صادر کرده است. فرزندان دو روحانی دیگر از اعضای مجمع در همان روز دستگیر شدند. با وجود این که خود آنان روحانی نیستند، همگی به دستور دادگاه ویژه روحانیت دستگیر شدند.⁸⁶ یکی از نوه های آیت الله منتظری در تاریخ 25 شهریور آزاد شد. دیگران نیز گویا در تاریخ 27 شهریور، پس از برگزاری تجمع های روز قدس، به قید وثیقه آزاد شده اند.

سید مهدی موسوی نژاد، 27 ساله، طلبه علوم مذهبی در قم و برادر همسر محمد علی ابطی، رئیس دفتر رئیس جمهور پیشین خاتمی، در تاریخ 26 شهریور پس از حمله ماموران امنیتی به خانه اش و از بین بردن اموال شخصی او به مدت کوتاهی دستگیر شد. او بعداً به قید وثیقه آزاد شد.⁸⁷ داماد محمد علی ابطی نیز به مدت کوتاهی دستگیر شد: بنا به گزارش ها، ماموران لباس شخصی به دختر 11 ساله او، فریده، گفتند: «به مادرت بگو حرف نزن...»

مهدی شیرزاد و حسین نعیم پور، فرزندان دو عضو برجسته جبهه مشارکت ایران اسلامی که در مبارزه انتخاباتی میرحسین موسوی فعال بودند، در شهریور کمی پس از گردهمایی های روز قدس دستگیر شدند و تا 18 آبان در بازداشت به سر بردند.

خویشاوندان دیگر چهره های سیاسی که مورد آزار قرار گرفته اند از این جمله اند: همسر مهدی شیرزاد، **سارا عظیمی**، که پس از شرکت مراسم دعا برای شهاب الدین طباطبایی در تاریخ 30 مهر برای مدت کوتاهی دستگیر شد. **نسرین اکبری** و **محدثه مهیمنی**، به ترتیب همسر و دختر محمد هاشم مهیمنی، از مسئولان وزارت کشور در دولت پیشین رئیس جمهور خاتمی، نیز در میان در حدود 70 نفری بودند که دستگیر شدند. آنها کمی بعد آزاد شدند، اما تعدادی دیگر در

زمان نگارش هنوز در بازداشت به سر می‌برند.

ماموران امنیتی اعضای خانواده کسانی را که اظهار کرده‌اند تعدی‌هایی رخ داده، مورد آزار قرار داده‌اند. پس از این که **ابراهیم شریفی** در برابر کمیته پیگیری وضعیت زندانیان و آسیب دیدگان وقایع اخیر، که نامزدهای ریاست جمهوری میرحسین موسوی و مهدی کروبی برای تحقیق درباره موارد نقض حقوق بشر تشکیل دادند (نگاه کنید به فصل 8 در زیر)، شهادت داد، ماموران مسلح امنیتی سوار بر موتورسیکلت خانه اش را محاصره کردند و شعارهای تهدیدآمیز سر دادند.

رویه های متداوم دستگیری

دانشجویانی که پس از شروع سال تحصیلی در شهریور در محیط نسبتاً امن دانشگاه به اعتراض های هفتگی دست زده‌اند و مخالفان سیاسی دولت و نیز گروه‌هایی از مردم که معترض به مقامات به شمار می‌آیند، کماکان هدف دستگیری قرار دارند.

«همکاران من به خاطر فعالیت‌هایشان در راه ترویج عدالت و حاکمیت قانون و دفاع از حقوق بشر مردم در ایران، دستگیر شده‌اند. آنها مانند بسیاری دیگر در کشور من اکنون در زندان رنج می‌کشند زیرا از ارزش‌های جهانی - حق آزادی عقیده و بیان و ابراز مسالمت‌آمیز اعتراض بدون نگرانی از دستگیری یا حمله نیروهای خشنی مثل بسیج - دفاع می‌کنند.» شیرین عبادی، برنده جایزه صلح نوبل سال 2003 در تاریخ 6 مرداد 1388⁸⁸

مدافعان حقوق بشر، که در طی ناآرامی‌های پس از انتخابات هدف دستگیری‌های خودسرانه قرار گرفتند، همچون سالیان متمادی پیش با آزار و اذیت روبرو هستند. چهار مامور امنیتی لباس شخصی و کیل و مدافع حقوق بشر **عبدالفتاح سلطانی** را در تاریخ 26 خرداد بدون حکم بازداشت در دفترش دستگیر کردند.⁸⁹ او عضو کانون مدافعان حقوق بشر است که وکلای سرشناس، شامل شیرین عبادی، در سال 1381 تأسیس کردند و در آذر 1387 به زور تعطیل شد. در کیفرخواستی که در اولین «دادگاه نمایشی» (نگاه کنید به فصل 7 در زیر) خوانده شد، از کانون نام برده و ادعا شد که کانون «نقش مهمی در آشوب‌های پس از انتخابات بازی کرده است.» او در تاریخ 5 شهریور به قید وثیقه آزاد شد⁹⁰ و در مهر ماه از سفر به آلمان برای دریافت یک جایزه حقوق بشری منع شد.⁹¹

محمد مصطفایی، وکیل و مدافع حقوق بشر، در تاریخ 4 تیر به وسیله ماموران امنیتی لباس شخصی در تهران دستگیر و به او گفته شد که «متهم به توطئه علیه امنیت کشور» و «تبلیغ علیه نظام» است. او پس از تأمین وثیقه به مبلغ یک میلیارد ریال (تقریباً 102000 دلار آمریکایی) در تاریخ 10 تیر از بند 209 زندان اوین آزاد شد. او برای مبارزه علیه اعدام مجرمان نوجوان شهرت دارد.⁹²

محمد علی دادخواه، وکیل حقوق بشری که او هم عضو کانون مدافعان حقوق بشر است، در تاریخ 17 تیر 1388 به همراه چند تن از همکارانش در دفترش در تهران دستگیر شد. بعضی از همکاران او کمی بعد آزاد شدند، اما محمد علی دادخواه تا زمان آزادی به قید وثیقه در 23 شهریور در زندان اوین به سر برد، هر چند محل نگهداری او حداقل تا سه هفته ناروشن بود.

در اولین «دادگاه نمایشی» ادعا شد که اسلحه، مهمات و «اسنادی که ارتباط با کشورهای خارجی به منظور ایجاد آشوب» را نشان می دهند در خانه او یافت شده است.⁹³

مدافع حقوق بشر **شادی صدر**، وکیل و روزنامه نگار، در تاریخ ۲۶ تیر ظاهراً به دلیل فعالیت حقوق بشری خود در پی انتخابات به طور خودسرانه دستگیر شد. او با گروهی از فعالان حقوق زنان در خیابانی شلوغ راه می رفت که مردان ناشناس لباس شخصی او را به داخلی ماشینی کشانند. پیش از این که او را به محلی نامعلوم ببرند، او را با باتوم کتک زدند. او پس از ۱۱ روز بازداشت به قید وثیقه ۵۰ میلیون تومان (۵۰۰۰۰ دلار آمریکایی) آزاد شد. در کیفرخواست عمومی که در اولین «دادگاه نمایشی» خوانده شد، از او هم به عنوان بخشی از جنبش زنان که در «انقلاب مخملی» ادعایی شرکت دارد اسم برده شد، گرچه در محاکمه شرکت نداشت (نگاه کنید به فصل ۷ در زیر).⁹⁴

شیوا نظر آهاری، یک زن روزنامه نگار، وبلاگ نویس و عضو کمیته گزارشگران حقوق بشر و دیگر گروه های حقوق بشری در تاریخ ۲۴ خرداد در محل کارش در تهران دستگیر شد. نیروهای امنیتی شب پیش در غیاب او خانه اش را بازرسی کرده و بعضی لوازم شخصی او را ضبط کرده بودند. او در تاریخ ۱ مهر به قید وثیقه آزاد شد.⁹⁵ در مصاحبه یی با کمیته گزارشگران حقوق بشر در پی آزادی، او گفت که زمانی که دستگیر شد:

«اتهاماتی که روز ۲۵ خرداد به من تفهیم شد، اقدام علیه امنیت از طریق ارتباط با سازمان مجاهدین (خلق) و سازمان‌دهی تجمعات و به قول خودشان اغتشاشات بود. حالا این‌که کدام یک از این‌ها با کار و سوابق من جور درمی‌آید، سؤالی است که آن‌ها باید به آن پاسخ دهند. البته ظاهراً در این دوره، این اتهامات از اتهامات رایجی بوده که به همه وارد شده است. من آن‌جا فهمیدم که از نظر آن‌ها، همه با سازمان مجاهدین (خلق) ارتباط دارند؛ مگر این که خلافش ثابت شود. حالا این‌که شما اصلاً به لحاظ ایندولوژیک هم نمی‌توانید درکنار سازمان قرار بگیرید، مسأله‌ای است که ظاهراً برایشان چندان قابل درک نیست.

«اما در بازپرسی و دادگاه انقلاب، اتهامات دیگری هم وارد شد. از جمله تبنانی علیه نظام از طریق عضویت در تشکل‌های غیرقانونی، تبلیغ علیه نظام از طریق مصاحبه با رسانه‌های ماهواره‌ای و اخلاق در نظم از طریق سامان‌دهی تجمعات و شرکت در آن‌ها.»⁹⁶

علی بیگس (نگاه کنید به فصل ۴ در بالا)، یک روزنامه نگار، عضو کمیته دانشجویی دفاع از زندانیان سیاسی و فعال حقوق اقلیت آذربایجانی ایران، در نیمه دوم خرداد در تهران دستگیر شد. او هنوز در بند ۲۰۹ زندان اوین به سر می برد و بنا به اطلاعات دریافتی عفو بین الملل در زمان نگارش، از زمان دستگیری تاکنون با خانواده اش ملاقات نکرده و نیز اجازه داشتن وکیل را نداشته است.⁹⁷

ناصر فریدی، یک عضو دیگر کمیته دانشجویی دفاع از زندانیان سیاسی، در تاریخ ۲۵ خرداد دستگیر و در حدود ۱۰ شهریور با وثیقه ۵۰۰ میلیون ریال (۵۰۰۰۰ دلار آمریکایی) آزاد شد. او در کیفرخواست دادگاه که خبرگزاری فارس در تاریخ ۱۰ مرداد منتشر کرد، به ارائه اطلاعات به سازمان مجاهدین خلق و فعالیت های دیگر مرتبط با کار حقوق بشری خود، مثل گفتگو با رسانه های خارجی، متهم شد. گفته می شود او پس از آزادی بارها به دادگاه احضار شده ولی به او تنها گفته شده بعداً دوباره بیاید و اشخاص ناشناسی با او تلفنی تماس گرفته و گفته اند که در صورت ادامه فعالیت های حقوق بشری حکم سنگینی دریافت خواهد کرد.⁹⁸

مدافعان حقوق زنان، که در سال های اخیر به ویژه فعال بوده اند، به خاطر فعالیت های مسالمت آمیزشان پیش از انتخابات و در طی آن با اقدامات انتقام جویانه ای روبرو شدند و این رویه سرکوب کماکان ادامه دارد. از جنبش زنان در کیفرخواست عمومی که در «دادگاه نمایشی» اول خوانده شد به عنوان بخشی از «انقلاب مخملی» (نگاه کنید به فصل 7 در پایین) نام برده شد.

حامیان کمپین برابری، ابتکاری برای حقوق زنان که در سال 1385 به راه افتاد، در میان کسانی بودند که به طور ویژه هدف قرار گرفتند. داوطلبان آن به جمع آوری یک میلیون امضا با خواست پایان دادن به تبعیض قانونی علیه زنان در ایران، مثل محرومیت از فعالیت در بخش های اصلی دولت، از جمله نامزدی در انتخابات ریاست جمهوری، و در امور ازدواج، طلاق، حضانت کودک و ارث، هستند. گرچه کمپین برابری فعالیت هایش را با رعایت کامل قانون انجام می دهد، مقامات مانع کار آن شده و فعالانش را سرکوب کرده اند. آنها به طور منظم مانع از دسترسی به وبگاه کمپین شده اند، بارها اجازه برگزاری گردهمایی های عمومی را از گروه دریغ کرده اند، از سفر فعالان آن به خارج جلوگیری نموده اند یا آنها را برای بازجویی احضار کرده اند و ظاهراً تلفن های تهدیدآمیز نیز ترتیب داده اند. بیش از 60 نفر از فعالان دستگیر شده اند و سه تن از فعالان در حال حاضر در زندان به سر می برند: **عالیه اقدام دوست، رناک صفرزاده و زینب بایزیدی.**

کاوه مظفری، روزنامه نگار و عضو کمیته مردان کمپین، که در تجمعی مسالمت آمیز برای بزرگداشت روز بین المللی کارگر در اول ماه مه دستگیر شده بود، در طی انتخابات در زندان به سر می برد. او در تاریخ 3 تیر آزاد و دوباره در 18 تیر در شرایطی دستگیر شد که مادر همسرش را به بیمارستان برده و در راه بازگشت بود. او در تاریخ 26 مرداد به قید وثیقه آزاد شد.

مقامات در مهر ماه آزار و اذیت اعضای کمپین را از سر گرفتند. حداقل 10 نفر از اعضای آن احضاریه هایی برای حضور در دادگاه دریافت کردند، از جمله **کاوه مظفری** و همسرش **جلوه جواهری** که چندین بار دستگیر شده و حداقل دو بار هم محکوم شده است. آخرین بار، پس از این که از شرکت او در سمیناری به مناسبت روز همبستگی با زنان ایران در خرداد 1387 جلوگیری شد، او را در مهر 1388 به خاطر «سرپیچی از دستور نیروی انتظامی به قصد اختلال در امنیت ملی» به شش ماه زندان محکوم کردند.

فعالان سندیکایی نیز کماکان هدف دستگیری خودسرانه و آزار هستند. کارگران مجازند در شرکت هایی با بیش از 50 کارگر شورای اسلامی کار تشکیل دهند، اما نمی توانند اتحادیه های کارگری مستقل یا سازمان های کارگری دیگر تشکیل دهند. کسانی که اتحادیه های مستقل تشکیل داده اند با سرکوب خشنی روبرو شده اند.

در فروردین 1388، پنج تن از رهبران سندیکای شرکت نیشکر هفت تپه در ارتباط با مصاحبه هایی که در روز اول ماه مه 2008 در باره شرایط کاری در کارخانه با روزنامه نگاران خارجی کرده بودند، به اتهام «تبلیغ علیه نظام» به حبس هایی از چهار تا شش ماه محکوم شدند. **علی نجاتی، جلیل احمدی، فریدون نیکوفر، قربان علی پور و محمد حیدری مهر**، پس از تایید احکام در تجدید نظر، در آبان ماه زندانی شدند.

با زندانی شدن آنها، تعداد فعالان مستقل سندیکایی که در حال حاضر در حبس هستند به هفت نفر رسید. **منصور اصائلو و ابراهیم مددی**، رهبران اصلی سندیکای شرکت واحد اتوبوسرانی تهران

و حومه به ترتیب حکم های پنج سال و سه سال زندان را به خاطر فعالیت های سندیکایی خود می گذرانند. هر دو آنها زندانیان وجدانی هستند. منصور اصانلو - که از او در کیفرخواست عمومی خوانده شده در جلسه اول «دادگاه های نمایشی» نام برده شد - به رغم بیماری از مراقبت پزشکی در زندان محروم است.

اعضای اقلیت های قومی و مذهبی ایران نیز کماکان هدف دستگیری های خودسرانه و دیگر اقدامات سرکوبگرانه هستند: رویه تعدی آمیزی که چندین دهه ادامه داشته است. عرب های اهواز، بلوچ ها، کردها و اعضای اقلیت آذربایجانی در میان کسانی هستند که هدف دستگیری قرار می گیرند.

از انتخابات تاکنون، بسیاری از اعضای جوامع اقلیت دستگیر شده اند، بعضی از آنها در ارتباط با اعتراض های انتخاباتی و بعضی دیگر به دلایل دیگر. برای مثال، **عمار گلی**، یک کرد، یکی از ده ها کردی بود که بنا به گزارش ها در روز 21 آبان در طی اعتراض به اعدام **احسان فتاحیان** در روز پیش از آن دستگیر شد. احسان فتاحیان، که کرد بود، به خاطر عضویت در کومه، یک گروه چپ مخالف کرد، ابتدا به 10 سال زندان محکوم شده بود، اما این حکم در تجدید نظر به مجازات اعدام افزایش یافت. احتمال دارد اعدام احسان فتاحیان در تلافی برای موجی از حملات علیه قاضیان و مسؤلان انتخابی استان کردستان در ماه شهریور که به مرگ سه نفر منجر شد، انجام شده باشد. عفو بین الملل این حملات را محکوم کرده است.

عمار گلی برادر **یاسر گلی**، دبیر اتحادیه دمکراتیک دانشجویان کرد، است که در 25 مهر 1386 دستگیر شد. در بهمن 1387، حکم 15 سال زندان در تبعید یاسر گلی به اتهام «محرابه با خدا» و «تبلیغ علیه نظام» به خاطر همکاری ادعایی با یک گروه مخالف کرد در تجدید نظر تایید شد. وکیل او گفت هیچ دلیلی برای این اتهام های سنگین ارائه نشده است. خانواده او به خاطر ابراز علنی نگرانی در باره دستگیری یاسر گلی و وضعیت او در زندان مورد آزار قرار گرفته بود.⁹⁹

در قانون اساسی ایران تنها سه اقلیت مذهبی - مسیحیان، یهودیان و زرتشتیان - مجاز به عمل کردن به باورهای مذهبی شان هستند. پیروان مذاهب غیررسمی دیگر مثل بهائیان و اهل حق به ویژه در خطر تبعیض یا تعدی های حقوق بشری دیگر قرار دارند. نودینان برگشته از اسلام و مسیحیان پروتستان که تبلیغ مذهبی می کنند و نیز مسلمانان سنی (که اکثرشان از اعضای اقلیت های قومی هستند) با سرکوب روبرو هستند.

برای مثال، در پی حملاتی به خانه های 12 بهائی در تهران در تاریخ 24 دی ماه 1387، شش نفر دستگیر شدند. یک نفر کمی بعد آزاد شد، اما پنج نفر دیگر پیش از آزادی در حدود دو ماه در زندان اوین به سر بردند.¹⁰⁰ هفت رهبر جامعه بهائی به نام های **مهوش ثابت**، **فریبا کمال آبادی طانفی**، **جمال الدین خانجانی**، **عفیف نعیمی**، **سعید رضایی**، **بهرروز توکلی** و **وحید تیزفهم**، از زمان دستگیری در اسفند 1386 و اردیبهشت 1387 تاکنون در زندان اوین به سر می برند. محاکمه آنها - احتمالاً به اتهام هایی که می تواند مستوجب مجازات اعدام باشد - حداقل دو بار به تعویق افتاده و به آنها اجازه داشتن وکلای دلخواه داده نشده است.¹⁰¹

دو نودین مسیحی، **مریم رستم پور** و **مرضیه امیری زاده اسماعیل آباد**، در تاریخ 27 آبان از زندان اوین آزاد شدند. دادگاه انقلاب در مهر ماه آنها را که از اسفند 1387 در زندان به سر می بردند، از اتهام «اقدام علیه امنیت کشور» تبرئه کرد، اما آنها هنوز در دادگاه عمومی با اتهام

های «تبلیغ مذهبی» و «ارتداد» روبرو هستند. این اتهام ها در قانون مجازات وجود ندارد، اما طبق قانون ایران قاضیان برای مواردی که قانون مدون وجود ندارد باید علم فقهی خود را به کار بگیرند. این موضوع ظاهراً ناقض ماده 15 میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی است که محاکمه به خاطر جرائمی را که در هنگام ارتکاب جرم به شمار نمی رفتند ممنوع کرده است.¹⁰²

ایرانیان چندین دهه است که با ترس از دستگیری و بازداشت خودسرانه زندگی کرده اند. نشانه های نگران کننده ای وجود دارد که دولت مصمم به درهم شکستن صدای دگراندیشان، سرگرم تثبیت این رویه نقض حقوق بشر، که بر روی بسیاری از حقوق و آزادی ها سایه می افکند، است. قانون و عملکرد ماموران اجرای قانون باید با موازین بین المللی سازگار شود تا مردم ایران دیگر به خاطر به کارگیری آزادی های بنیادی، در خطر بازداشت، شکنجه، زندان و مرگ به سر نبرند.

5 - قتل های غیرقانونی و استفاده مفرط از خشونت

«الف» دست در دست دو تن از عموزادگان مونثش در خیابان آزادی آهسته رو به میدان آزادی می رفت.¹⁰³ نزدیک ظهر 30 خرداد بود و راه پیمایی مسالمت آمیزی جریان داشت. او به عفو بین الملل گفته است که ناگهان موج جمعیت شروع به دویدن به طرف آنها کرد تا از حمله موتورسواران فرار کند؛ موتورسواران نقابدار پلیس که دوترکه سوار بودند تظاهرکنندگان را می زدند و بی ملاحظه موتورسیکلت هایشان را به طرف جمعیت می راندند.

«مرا دو بار با باتوم روی گردن و سر زدند. خم شدم. دیگران که در نزدیکی بودند کمکم کردند تا به کنار خیابان بروم چون به سختی می توانستم راه بروم. در این موقع گاز اشک آور در هوا پخش شده بود و صورتمان را می سوزاند.»

«الف» که از خارج از ایران با عفو بین الملل صحبت می کرد، گفت می دانست که نمی تواند به درمانگاه رجوع کند.

«همسر برادرم پرستار است و به من گفت که آمبولانس های متعلق به نیروهای امنیتی به بیمارستان ها می روند و بسیاری از زخمی ها را درست در وسط رسیدگی پزشکی با خود می برند.»

بسیاری از کسانی که در تظاهرات شرکت کرده اند می گویند که ماموران لباس شخصی و مسلح، که به باور آنها اعضای نیروی شبه نظامی بسیج هستند، حتا وقتی که تظاهرات مسالمت آمیز بود از خشونت مفرط علیه آنها استفاده کرده اند. معترضان اغلب با گاز اشک آور، حمله با باتوم، حمله با موتورسیکلت، ضربات باتوم و گاهی اوقات گلوله های واقعی هدف قرار گرفته اند. این گونه اقدامات به روشنی ناقض ماده 22 میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی است که حق تجمع مسالمت آمیز را تضمین کرده است.¹⁰⁴ نیروی انتظامی در مرداد تایید کرد که 433 شکایت به خاطر «تخلف های» پلیس در طی اعتراض ها طرح شده است، گرچه احتمال نمی

رود که این تعداد شامل شکایت های طرح شده علیه بسیج باشد.¹⁰⁵

مقامات گفته اند که 36 نفر، شامل ماموران بسیج¹⁰⁶ در طی ناآرامی های پس از انتخابات درگذشته اند.¹⁰⁷ مخالفان تعداد کشته شدگان را تا تاریخ 14 شهریور 72 نفر گزارش کرده اند.¹⁰⁸ به گفته وبگاه نوروز، مسؤلان به خانواده های مفقودشدگان پس از اعتراض ها، آلبوم های عکس صدها جنازه را در سردخانه های موقتی نشان دادند.¹⁰⁹ اسناد گردآوری شده به دست مخالفان که به روزنامه انگلیسی تایمز نشان داده اند حاکی است که حداقل 200 نفر تظاهرکننده در تهران و 173 نفر در شهرهای دیگر کشته شده اند.¹¹⁰ بیش از نیمی از این عده در خیابان ها کشته شدند. از بیش از 50 نفر دیگر خبری در دست نیست.

بسیج

بسیج یک نیروی شبه نظامی داوطلب متشکل از مردان و زنانی است که آیت الله خمینی در سال 1358 برای پیشبرد اهداف انقلاب تاسیس کرد و بخشی از سپاه پاسداران به شمار می رود. نقش اصلی آن حفظ نظم و قانون، سرکوب مخالفان و ترویج رفتار اسلامی است. این نیرو عملاً یک نیروی پلیس در سایه است و از اعضای آن به ندرت، اگر اصلاً این اتفاق بیافتد، برای اقداماتشان بازخواست می شود. فرمانده این نیرو به فرماندهان شاغل دستور می دهد که به نوبه خود دستورات خود را به شبکه داوطلبان صادر می کنند. بسیج سال هاست که مرتب به معترضان حمله می کند.

طبق اطلاع به بسیج برای برقراری نظم در حد موازین بین المللی مربوط به اجرای قانون آموزش داده نمی شود. در واقع، عفو بین الملل گزارش معتبر و هرچند تایید نشده ای از عضو از خانواده یک پاسدار دریافت کرده که به بسیج دستور داده شده بود تظاهرات را با استفاده از «هر وسیله ممکن» پراکنده کنند؛ و در ضمن با حمله با باتوم یا تیراندازی به میان جمعیت طوری عمل کنند که باعث ایجاد اغتشاش، آشوب و ترس در میان تظاهرکنندگان شود. این توضیح با بسیاری از گزارش ها و فیلم های مربوط به اقدامات بسیجیان در طی تظاهرات مطابقت دارد. عفو بین الملل مقامات ایران را فرا می خواند که فوراً به استفاده از نیروی شبه نظامی بسیج برای برقراری نظم در تظاهرات پایان دهند.

گزارش ها همچنین حاکی است که 44 جنازه شبانه در قطعه 302 گورستان بهشت زهرا در تهران دفن شده اند.¹¹¹ در پی فاش شدن قبرها، محمود رضائیان، رئیس گورستان، گفت که پزشکی قانونی گواهی کرده است که جنازه ها متعلق به افراد ناشناسی است که در تصادف اتومبیل یا استفاده از مواد مخدر فوت کرده اند. اما اسنادی که به روزنامه تایمز نشان داده شده، شامل اظهارات پزشکی قانونی در رد این موضوع است.¹¹²

یکی از اعضای کمیسیون اصل 90 مجلس، که مسؤل رسیدگی به شکایات افراد علیه مسؤلان دولتی است، در روز 3 شهریور درخواست شروع تحقیقات درباره «شایعه ها» کرد. چند ساعت بعد، زمانی که خبر از تسطیح قطعه 302 رسید، یک هیأت از نمایندگان از گورستان دیدار کرد.¹¹³ شهردار رئیس گورستان را برکنار کرد.¹¹⁴ چند روز بعد، مسؤلان شهر تهران گفتند که ادعاهای مربوط به دفن مخفیانه اجساد را مورد تحقیق قرار خواهند داد.¹¹⁵ اما از آن زمان به بعد هنوز اطلاعیه ای صادر نشده است.

این گونه فقدان شفافیت از جانب مقامات به این معناست که آمار واقعی مرگ افراد ممکن است هرگز روشن نشود. از تحقیقات سازمان های غیردولتی و دیگران ممانعت شده است. همان طور که در زیر نشان داده شده، خانواده ها مورد تهدید قرار گرفته اند تا در انتظار عمومی در باره مرگ عزیزانشان یا جراحات آنها چیزی نگویند و در بعضی موارد آنها را وادار کرده اند بگویند که خویشاوندانشان به دلایل طبیعی درگذشته اند. تلویزیون اشخاص دیگری را نشان داده که ادعا می کنند فرد مقتول هستند.

«به رغم همه حمله‌ای که فراهم شده بود، نیروهای بسیجی از سلاح استفاده نکردند و با تجهیزات دفاع شخصی در ماموریت‌ها حضور پیدا می‌کردند... در آن روز که به پایگاه ما حملهور شدند بیش از 3 ساعت برادران ما در آنجا زیر هجوم سنگ و نارنجک‌های دست‌ساز متجاوزین بودند و ما مدام از آنها می‌خواستیم از درگیری پرهیز کنند اما کار به جای رسید که پایگاه داشت سقوط می‌کرد. متأسفانه مادر و دختری بیگناه هم به شهادت رسیدند که گزارش کارشناسی نشان می‌دهد، زاویه شلیک‌ها از سوی بچه‌های ما نبوده است.» سردار عبدالله عراقی، فرمانده سپاه تهران بزرگ، 4 شهریور 1388¹¹⁶

با وجود این، مدارک قابل توجهی در باره قتل های غیرقانونی به دست نیروهای امنیتی، به ویژه بسیج، آشکار شده است. علاوه بر وجود گواهی شاهدان، تظاهرکنندگان و تماشاگران از تلفن های همراه هم در حد گسترده ای برای گرفتن فیلم از حوادث استفاده کرده اند. فیلم اشغال کوی دانشگاه در روز 24 خرداد مردانی را با لباس سیاه و مسلح به چماق و اسلحه های دیگر نشان می دهد که دانشجویان را دنبال می کنند و بعدا خود را به عنوان عضو بسیج معرفی می کنند.¹¹⁷ فیلم ویدئویی که در روز 25 خرداد گرفته شده یک عضو بسیج را نشان می دهد که از ساختمان مورد استفاده بسیج به سوی تظاهرکنندگان شلیک می کند؛ حداقل هفت نفر در آن روز کشته شدند. از مرگ ندا آقا سلطان نیز فیلم برداری شده است (نگاه کنید به پایین).

روشن شده است که گویا بسیج به معترضان در روزهای 24، 25، 30 خرداد، 18 تیر و احتمالاً در تاریخ های دیگر تیراندازی کرده است. برای مثال، در روز 25 خرداد در تهران، در حالی که راه پیمایی رو به پایان بود، بسیج در مناطق ولنجک، جردن و دروس شلیک کرده است. بنا به گزارش ها یک نفر کشته شد و بسیاری زخمی شدند. یک دکتر مشاهدات خود را در روز 30 خرداد این گونه بازگو کرده است:¹¹⁸

«من پزشک هستم و از داخل آمبولانس دیدم که روبروی ایستگاه متروی نواب، دو بسیجی از مسجد لولاگر با کلاشنیکف و ژ3 مستقیم به مردم شلیک می کردند. با چشمان خودم دیدم چطور مغز یک پسر جوان روی سکوهایی سیاه روبروی مترو پخش شد.

«من دیدم... فقط چند متر آن طرف من گلوله گاز اشک آور که مستقیم و به قصد به سوی یک مرد جوان شلیک شده بود به گلولی او خورد. خون از گلولی او بیرون زد و او به زمین افتاد و مرد.

«من دیدم چطور دختری پس از این که یک بسیجی با زنجیر محکم و وحشیانه او را زد با صورت روی آسفالت افتاد.»

در روز 1 تیر دادستانی کل تهران گفت که تحقیقاتی در باره قتل ها در راه پیمایی روز 30

خرداد شروع کرده است.¹¹⁹ عفو بین الملل از انتشار یافته های این تحقیقات اطلاعی ندارد.

در روز 4 تیر، بنا به گزارش ها، **یعقوب بروایه**، دانشجوی 27 ساله به ضرب گلوله یک بسیجی از پشت بام مسجد لولاگر تهران کشته شد.¹²⁰ او در بیمارستان درگذشت. خانواده اش می گویند زمانی که آنها در کنار جنازه ایستاده بودند، ماموران بسیج جنازه را به زور بردند؛ دو روز بعد محل دفن جنازه به آنها اطلاع داده شد.¹²¹

علیرضا توسلی، 12 ساله، در روز 9 مرداد در یک راه پیمایی به مناسبت چهلمین روز مرگ ندا آقا سلطان کشته شد. در پی انتشار گزارش های اولیه در باره مرگ او، خانواده اش گفتند او در یک تصادف اتومبیل کشته شده است. اما دو دکتر و یک افسر نیروی انتظامی بعدا شهادت دادند که او در اثر ضربه به سرش کشته شده و بسیج جنازه او را از بیمارستان برده است. خاله او می گوید مقامات در حدود 2000 دلار آمریکایی به پدر و مادر فقیر او داده اند تا در باره مرگ پسرشان دروغ بگویند.¹²²

موازن حاکم بر استفاده از زور

نقش نیروهای امنیتی، شامل بسیج، باید حفاظت از حق مردم برای تجمع مسالمت آمیز و حفاظت از امنیت همه آنها، از جمله کسانی که در تجمع شرکت ندارند، باشد. یک رویداد عمومی ممکن است دارای صحنه هایی از خشونت باشد که می توان جدا و مهار کرد، یا ممکن است تبدیل به شورش با استفاده از اسلحه های دست ساز شود. در تمام موارد، اصول تناسب و ضرورت حاکم است.

بر اساس آئین نامه سازمان ملل برای رفتار ماموران اجرای قانون و اصول پایه ای استفاده از زور و سلاح گرم به وسیله ماموران اجرای قانون، پلیس تنها می تواند از زور در صورتی که کاملاً ضروری باشد و تنها تا حدی که برای انجام وظیفه لازم است، استفاده کند. سلاح گرم نباید مورد استفاده قرار گیرد مگر برای دفاع از مردم در مقابل تهدید قریب الوقوع مرگ یا جراحت جدی یا برای جلوگیری از تهدید جدی برای حیات مردم، و تنها زمانی که وسایل ملایم تر کفایت نکند. نیروی کشته نشده نباید به عمد مورد استفاده قرار گیرد مگر در صورتی که برای حفاظت از زندگی دیگران کاملاً اجتناب ناپذیر باشد.

ادعاهای مربوط به قتل به دست ماموران اجرای قانون باید مستقلاً، سریع و کامل، به روشی منطبق با اصول پیشگیری موثر از اعدام های فراقضایی، خودسرانه و شتابزده و تحقیق درباره آنها، مورد تحقیق قرار گیرد. این اصول مشخص می کنند که شاکیان و شاهدان (و خانواده هایشان) باید از خشونت یا هر شکلی از تهدید و ارباب مورد محافظت قرار گیرند.

استفاده نیروهای امنیتی از خشونت مفرط و کشنده علیه معترضان و دیگران در ایران پس از فروکش کردن ناآرامی های پس‌انتخاباتی متوقف نشده است. برای مثال، در اوایل آبان ماه، نگهبانان استانداری در ارومیه به شدت **احمد نقی زاده**، روزنامه نگار و سخنگوی ستاد انتخاباتی محسن رضایی را کتک زدند. احمد نقی زاده کوشیده بود با تلفن همراهش از پارچه نویسی های تریک به انتصاب استاندار جدید عکس بگیرد که مورد حمله قرار گرفته بود.¹²³

دولت‌ها باید یقین یابند که شکایت‌های مربوط به قتل‌های غیرقانونی فوراً، بی‌طرفانه و قاطعانه به وسیله یک هیأت مستقل از مسئولان متهم به ارتکاب و دارای اختیارات لازم مورد تحقیق قرار گیرد. روش‌ها و یافته‌های تحقیق باید علناً منتشر شود. جنازه قربانی نباید پیش از کالبد شکافی لازم به وسیله پزشک واجد شرایط مناسب و قادر به انجام وظیفه بی‌طرفانه، دفن شود. مأموران مشکوک به داشتن مسئولیت در قتل غیرقانونی باید در طی تحقیقات از خدمت معلق شوند. از شاکیان، شاهدان، وکلا، قاضیان و اشخاص دیگر فعال در تحقیقات باید در مقابل تهدید و ارعاب و انتقام جویی محافظت شود.

به‌کارگیری مفرط خشونت‌کننده تا راه پیمایی‌های 13 آبان تمام مدت ادامه داشت. در آن روز در اصفهان، مهدی نیلفروش زاده، یک دانشجوی محلی، که در ارمنستان تحصیل می‌کرد، درست در جلوی خانه خانوادگی‌اش به ضرب گلوله کشته شد. یک نماینده مجلس گفت که این گزارش مورد تحقیق قرار خواهد گرفت.¹²⁴

قتل ندا آقا سلطان

ندا آقا سلطان، 27 ساله، در روز 30 خرداد در طی اعتراضی مسالمت‌آمیز علیه نتیجه انتخابات در تهران به ضرب گلوله کشته شد. فیلم لحظات مرگ او که با یک تلفن همراه گرفته شده در پهنه‌ای گسترده در اینترنت پخش و نماد سرکوب ناآرامی‌های پس از انتخابات شد.

زمانی که راه پیمایی مسالمت‌آمیز اتومبیل ندا آقا سلطان و چند نفر دیگر از جمله معلم موسیقی او را در ترافیک متوقف کرد، آنها تصمیم گرفتند پیاده شوند. پس از این که پلیس ضد شورش با گاز اشک‌آور و موتورسیکلت‌ها شروع به پراکندن جمعیت کرد، گلوله‌ای به سینه ندا آقا سلطان که در خیابان خسروی رو به شرق ایستاده بود شلیک شد.

دکتر آرش حجازی، پزشک، چند ثانیه پس از اصابت گلوله و پیش از این که ندا آقا سلطان به زمین بیفتد، به کمک او شناخت. دکتر حجازی به عفو بین‌الملل گفت که او دید که خون از سینه ندا بیرون می‌زد. او گفت به نظر می‌رسید گلوله درست زیر استخوان ترقوه خورده و ظاهراً آنورت یا ریه را سوراخ کرده بود. به رغم کمک‌های اولیه، او ظرف یک دقیقه درگذشت. همراهانش جنازه را به بیمارستان شریعتی در نزدیکی رساندند و در آنجا مرگ او تایید شد.

خانواده او از مرگش مطلع شد و ظاهراً اجازه داد اعضای بدنش را برای پیوند بردارند. این کار می‌تواند فرصتی برای از بین بردن گلوله‌ها یا دیگر مدارک قانونی مربوط به مرگ او را فراهم کرده باشد.¹²⁵ پیش از دفن او در گورستان بهشت زهرا کالبد شکافی انجام نشد. جنازه او را به اصرار پدر و مادرش تحت مراقبت پلیس به خانواده‌اش برگرداندند و او در بخشی از گورستان که ظاهراً مقامات برای مقتولان ناآرامی مشخص کرده‌اند، دفن شد.

این مورد مظهر روشی شد که مقامات نسبت به تعدی‌ها واکنش نشان می‌دهند: با تهدید، اتهام متقابل، مشوب‌سازی و تعدی بیشتر. در واقع همه کاری انجام می‌دهند به جز این که سعی به کشف حقیقت کنند و از مرتکبین بازخواست کنند.

به گفته آرش حجازی، یکی از اعضای بسیج که فریاد می‌کشید «نمی‌خواستم بکشمش»، تقصیر خود را اعلام کرد. شاهدان کارت شناسایی آن بسیجی را گرفتند و تصویر آن بعداً در

اینترنت منتشر شد.

اما، تعدادی از مسؤولان دولتی شرکت نیروهای امنیتی را در قتل ندا آقا سلطان انکار کردند و در بعضی موارد تقصیر را به گردن دیگران انداختند. آیت الله احمد خاتمی، نماینده مقام رهبری، در نماز جمعه دانشگاه تهران در روز 5 تیر گفت که طبق مدارک معترضان خودشان او را کشته اند تا به این ترتیب علیه نظام «تبلیغ» کنند. در یک مورد، تلویزیون دولتی زنی را نشان داد که ادعا می کرد ندا آقا سلطان است و می گفت «من زنده هستم» و اشاره می کرد که سازمان مجاهدین خلق ایران مسؤل قتل زنی هستند که در فیلم دیده می شود.

مسؤلان که با انداختن تقصیر به گردن سازمان مجاهدین خلق ایران قانع نبودند، کوشیدند دولت های خارجی را مقصر قلمداد کنند. سفیر ایران در مکزیک، محمد حسن فدیری، گفت که سازمان سیا می تواند در مرگ او دست داشته باشد. او تلویحا گفت که فیلم ویدئویی یک قتل با برنامه را نشان می داد و یک زن را هدف گرفته بود تا به اهدافش دست یابد. او همچنین گفت که مدارک قانونی نشان می دهند که او از پشت تیر خورده و نه از روبرو، و گلوله «از نوعی که در ایران یافته می شود» نیست.¹²⁶

ندا سلطانی، که عکسش اشتباها به جای ندا آقا سلطان شناسایی شد، در توطئه پنهان کردن حقیقت گیر افتاد. او به عفو بین الملل گفت:

«ماموران وزارت اطلاعات در روز 4 تیر به خانه ما آمدند. من خانه نبودم، بنابراین از مادرم خواستند به من بگویند در ساعت 4 بعدازظهر به اداره شان بروم. من خیلی ترسیده بودم و نمی دانستم چه کار کنم، اما بالاخره به این نتیجه رسیدم که اگر نروم به من مشکوک می شوند، در نتیجه رفتم.

«افراد مختلفی آنجا بودند. نمی دانم اسامی آنها چه بود، چون از اسم استفاده نمی کردند. بعضی از آنها از وزارت اطلاعات بودند و بعضی هم از تلویزیون. با من صحبت کردند و آن چه را می خواستند من بگویم به من گفتند. مرا وادار کردند همه چیز را روی فیلم بگویم. بعضی از مردان مسلح بودند، اما از اسلحه شان علیه من استفاده نکردند. مرا تهدید کردند. گفتند برای امنیت خودم بهتر است که کاری را که می گویند انجام بدهم...»

«آنها می دانستند که من عکس را برای ویزای سنگن [برای شرکت در یک کنفرانس علمی] به سفارت یونان داده ام و می خواستند این را در فیلم بگویم. فکر می کنم به این دلیل که بتوانند بگویند سفارت یونان به نوعی در مرگ ندا شرکت داشته است، اما من فقط موافقت کردم که بگویم آن را به "یک سفارت" داده ام.

«آنها به من فهرستی از مطالبی دادند که در باره شان حرف بزنم. چندین بار از من فیلم گرفتند که همان حرف ها را می زدم. اول، باید خودم را معرفی می کردم. بعد باید تاریخچه عکس را می گفتم. من توضیح دادم که عکس از فیس بوک برداشته شده و تاکید کردم که عکس برای ویزا است. بعد باید می گفتم که در ایران چه اتفاقاتی می افتد. بالاخره باید از مسؤولان می خواستم که علیه روزنامه اعتماد ملی اقدام کنند چون عکس مرا چاپ کرده است و آن روزنامه باید عکس مرا بردارد.

«آنها به من گفتند که «یک گروه» کشتن ندا آقا سلطان را برنامه ریزی کرده است. آنها همین

حرف را در تلویزیون گفته بودند که تمام زوایا مشکوک بوده و منافقین [نامی که مقامات برای سازمان مجاهدین خلق ایران به کار می‌برند] مسؤل بوده اند.»

کسانی که در باره قتل ندا آقا سلطان چیزی گفته اند یا شاهد آن بوده اند مورد تهدید و ارعاب و آزار و اذیت قرار گرفته اند. در روز 9 تیر، فرمانده نیروی انتظامی اعلام کرد که از اینترپل درخواست شده حکم بازداشت بین المللی برای دکتر آرش حجازی صادر کند، گرچه اینترپل بعداً تکذیب کرد که چنین درخواستی انجام شده است.¹²⁷ آرش حجازی متهم به مسموم کردن جو بین المللی علیه دولت ایران و انتشار اطلاعات غلط در باره قتل از طریق ارائه شرح خودش از واقعه به رسانه های خبری خارجی شد. او در مهر ماه در انگلستان، که پیش از انتخابات نیز محل تحصیلش بود، پناهندگی گرفت. در روز 21 آبان، زنان عضو بسیج در جلوی سفارت انگلستان در تهران تظاهرات کردند و خواستار استرداد آرش حجازی به ایران شدند. زهره الهیان، نماینده مجلس و عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی، که در تظاهرات حضور پیدا کرد، ادعا کرد که مدارک مستندی وجود دارد که نشان می‌دهد عناصر خارجی طراح اصلی قتل ندا آقا سلطان بوده اند.¹²⁸

خانواده و دوستان ندا آقا سلطان را در تلویزیون دولتی نشان داده اند که می‌گویند بسیج او را با تیر نرده است. پدرش در زمان مرگ او در ترکیه بود. گفته می‌شود در بازگشت، او در فرودگاه امام خمینی شروع به گریه و فریاد کرده است که «آنها دخترم را کشتند.» با وجود این، او بعداً در تلویزیون دولتی ظاهر شد و ادعا کرد که دخترش را «منافقین» کشته اند.

بنا به گزارش ها، خانواده ندا آقا سلطان چند روز پس از مرگ او خانه اش را عوض کردند و به آنها اخطار شد که نگذارند مردم برای مراسم ترحیم تجمع کنند. گزارش شده که دولت ترحیم دسته جمعی برای ندا آقا سلطان را در مساجد ممنوع کرده است. اجازه مراسم ختم برای او صادر نشد. تمام رستوران ها، سالن ها و مساجد از برگزاری آن منع شدند.

نامزد پیشین ندا آقا سلطان، کاسپین ماکان، که یک عکاس است، کمی پس از این که به تلویزیون فارسی بی بی سی گفت که «گواهی شاهدان و فیلم ویدئویی... به روشنی نشان می‌دهد که بسیجی ها احتمالاً... او را عمداً هدف گرفتند»، در خانه اش در شمال تهران دستگیر شد. او به عفو بین الملل گفت که هفت مامور بدون اونفرم به منزل خانواده اش ریختند و تمام عکس ها و لوازم دیگر او را بردند. او را پس از دستگیری به زندان اوین بردند، گرچه محل نگهداری او بلافاصله مشخص نبود.

او می‌گوید در طی بازجویی از او پرسیده اند چرا عکس گرفته و با رسانه های غربی در باره ندا آقا سلطان صحبت کرده است. پس از چند روز به او گفتند که به اقدام علیه امنیت ملی و «محکوم کردن ایران» متهم خواهد شد. به او گفته شد علناً تکذیب کند که ندا آقا سلطان را یکی از اعضای نیروهای امنیتی کشته است و وادارش کرده اند «آخرین دفاع» خود را بنویسد. گرچه به او گفتند بگویند که یکی از اعضای سازمان مجاهدین خلق ایران ندا آقا سلطان را کشته است، او به عفو بین الملل گفت که خود بازجویان هم به نظر نمی‌رسیدند به آن چه می‌گویند باور داشته باشند. او بالاخره پس از 65 روز در بازداشت با وثیقه قابل توجهی آزاد شد و همان طور که نیروهای امنیتی خواسته بودند در تلویزیون ظاهر شد، اما بعداً از ترس محاکمه و برای نجات خودش از ایران فرار کرد.

پس از فرار کاسپین ماکان، پدر او دو بار احضار شده و برادرش را چهار روز بازداشت کرده

اند. معلم موسیقی ندا آقا سلطان، حمید پناهی، 48 ساعت در بازداشت به سر برد.

سنگ قبر ندا آقا سلطان در روز 14 آبان گویا به دست ماموران دولت تخریب شد. به نظر می رسد حتا تحمل این نشانه یادآوری از قتل او برای مقامات سخت بوده است. مادر ندا آقا سلطان به سی ان ان گفت: «مردم می روند و با جوهر قرمز روی قبر او می نویسند "شهید" و مقامات می روند و آن را پاک می کنند.»¹²⁹

مادران عزادار - آزار به خاطر اعتراض به قتل ها

پس از مرگ ندا آقا سلطان، گروهی از زنان تصمیم گرفتند گروهی به نام مادران عزادار تشکیل بدهند.¹³⁰ آنها تصمیم گرفتند «تا آزادی کلیه زندانیانی که برای اعتراض به تقلب های انتخاباتی دستگیر شده اند و پایان دادن به خشونت ها، و مجازات قاتلان فرزندان مان» روزهای شنبه بین ساعت 7 و 8 شب - روز و ساعت قتل مرگ ندا آقا سلطان - در سکوت در پارک لاله گرد هم آیند.

اعتراض مسالمت آمیز آنها از چشم مقامات دور نمانده است. نیروهای امنیتی گردهمایی های آنها را به هم زده اند و چندین نفر را دستگیر کرده اند. زینب پیغمبرزاده، فعال حقوق زنان و دانشجویی، که عضو کمپین یک میلیون امضا نیز هست، یکی از دستگیرشدگان بود. او را در تجمع دوم در 12 تیر دستگیر کردند و پس از یک شب بازداشت آزاد کردند.

6 - شکنجه و اذیت و آزارهای دیگر

علی خردنژاد، 31 ساله، دانش آموخته مدیریت صنعتی از دانشگاه یزد به عفو بین الملل گفت که در روز 18 تیر با مسالمت به همراه دیگران در یک راه پیمایی در نزدیکی میدان ولی عصر راه می رفت که مشخص شد پلیس راه را بسته است. او می گوید هیچ یک از اطرافیان او به خشونت دست نزده بودند، اما پلیس ضد شورش و بسیج ناگهان در نقطه ای که او بود به جمعیت حمله ور شدند.

«عجیب است که در حالی که مردان پراکنده شدند، زنان بین ما ایستادند. من توانستم یکی دو تا از باتوم ها را چنگ بزنم و نگذارم مرا بزنند. در این وقت نفهمیدم از کجا یکی از آنها به من گاز فلفل پاشید. در این موقع بود که ضربه های باتوم یکی پس از دیگری بر سر من فرود آمد. هشت نفر بودند، با اونیفرم و بدون اونیفرم. بعدا فهمیدم که عده ای از زنان حداکثر سعی شان را می کردند تا مرا از آن میان بیرون بکشند، اما موفق نشدند... پس از این که مرا در داخل [ماشین] انداختند ضربات مشت [ماموران امنیتی] را حس کردم که بر پشت سرم می کوبیدند.»

پس از دو ماه، برخی از زخم های او هنوز آشکار است، از جمله دو برآمدگی که روی سرش قرار دارند. پس از فرار از ایران، او مورد معاینه پزشکی قرار گرفت و تشخیص این بود که

دچار اختلال عصبی پس از ضایعه است.

در مصاحبه با عفو بین الملل، علی خردنژاد شکنجه و اذیت و آزارهای بازداشتیان دیگر را که شاهد بود تشریح کرد. او گفت وقتی در کلانتری 148 بود، که کلانتری فلسطین هم نامیده می شود، امیر جوادی فر را در وضعیت بسیار بدی دیده، در حالی که لباس هایش پاره شده و پیشانی‌اش خون آلود بود. او می گوید زمانی که شنید جوادی فر در گذشته است، تصمیم گرفت تمام خطرهای را بپذیرد و افشا کند.

امیر جوادی فر، دانشجوی 25 ساله مدیریت در دانشگاه آزاد قزوین، در تاریخ 18 تیر دستگیر شد و چنان به قصد کشت از نیروهای امنیتی کتک خورد که پیش از انتقال به زندان اوین باید مداوا می شد.¹³¹ کسانی که با او در بازداشت بوده اند، از آن چه برای او اتفاق افتاد یک گزارش ترکیبی داده اند: گفته می شود در طی تظاهرات به شدت بر سر او زده بودند طوری که در شرف از دست دادن بینایی اش بود. گمان می رود ضربات روی دنده هایش باعث خونریزی داخلی از جمله در ریه هایش شده است.¹³² زمانی که او را از بازداشتگاه کهریزک به زندان اوین منتقل کردند (نگاه کنید در پایین)، قادر به نفس کشیدن نبود و دچار تشنج شد. بعد نفس کشیدنش کمتر و کمتر شد تا این که متوقف شد.

خانواده او نمی دانستند او کجاست تا این که در روز 4 مرداد یا در همان حوالی جنازه او را دریافت کردند. پدرش می گوید روی جنازه نشانه هایی از ضرب و شتم و شکنجه های دیگر بود.¹³³ او همچنین می گوید وقتی برای شناسایی جنازه رفت، کالبد شکافی انجام شده بود و به او گفتند علت مرگ مشخص نیست. گزارش های پزشکی نشان می دهند که امیر جوادی فر کتک خورده بود، استخوان هایش شکسته بود و ناخن های پایش را کشیده بودند.¹³⁴ به گفته خانواده اش، امیر جوادی فر عاشق فیلم بود اما علاقه ای به سیاست یا راه پیمایی نداشت.

علی خردنژاد در عین حال گفت که ر. ت (نام محفوظ است)، دانشجوی دانشگاه صنعتی شریف را هم در کلانتری 148 و هم در زندان اوین دیده است:

«یک جوان ایستاده بود که یک بسیجی به او نزدیک شد و وحشیانه با زانو به میان دو پای او کوبید و بیضه هایش را له کرد. دکتر کلانتری آمد و به آنها گفت که او در وضع بدی است و باید به بیمارستان اعزام شود. ماموران از این کار خودداری کردند.»

ناپدید شدن ترانه موسوی

ترانه موسوی، 28 ساله، در روز 7 تیر به همراه بیش از 2000 نفر تظاهرکننده دیگر به مسجد قبا در شمال مرکزی تهران رفت تا در بزرگداشت کشته شدگان ناآرامی های اخیر در چارچوب برنامه یادبودی برای یک چهره برجسته که در سال 1360 کشته شده بود، شرکت کند.

در آن روز عفو بین الملل گزارش های مختلفی دریافت کرد حاکی از این که نیروهای امنیتی خیابان های اطراف مسجد را بستند و ده ها نفر را دستگیر و پس از بازجویی در محل آزاد کردند.¹³⁵ در حدود 40 نفر گویا به بازداشتگاهی در خیابان پاسداران در نزدیکی منتقل و در اتاق بزرگی بازداشت شدند. برخی از آنها مورد بازجویی قرار گرفتند.

گفته می شود که ترانه موسوی، مثل بسیاری دیگر، پس از بازجویی آشفته و پریشان بود، گرچه

معلوم نیست به او چه گفته شده است. سپس برخی از بازداشتیان را از آنجا احتمالاً به زندان اوین و برخی دیگر را به یک کلانتری منتقل کردند. گویا ترانه موسوی در آنجا باقی ماند.

از اطلاعات گردآوری شده به وسیله عفو بین الملل چنین برمی آید که او در حدود پنج ساعت پس از دستگیری ناپدید شده است. چند روز بعد، پدر و مادر او از طریق یک تلفن کننده ناشناس مطلع شدند که به او تجاوز شده و او پس از سعی به خودکشی به بیمارستان امام خمینی در کرج منتقل شده است. زمانی که پدر و مادر او به بیمارستان رفتند، متوجه شدند که نام او در بیمارستان ثبت نشده است. به آنها گفته شد که یک پرستار شخصی با مشخصات ترانه موسوی را دیده است، اما او را در حال بیهوشی از آنجا برده اند. بنا به گزارش های تایید نشده، ترانه موسوی در روزهای بعد در زندان اوین مورد اذیت و آزار قرار گرفته، اما معلوم نیست که چه زمانی این اتفاق افتاده است.

بنا به گزارش ها، مسؤلان ناشناس در حوالی 25 تیر به پدر و مادرش اطلاع داده اند که یک جنازه سوخته که مشخصاتش با مشخصات ترانه موسوی تشابه دارد در بیابان های بین کرج و قزوین پیدا شده است. خانواده او که تحت تهدید قرار گرفته بودند تا در باره سرنوشت دخترشان علناً حرفی نزنند برای تحویل گرفتن جنازه به قزوین رفتند. در آن زمان، پدر و مادر او به شدت مضطرب بودند و هیچ حرفی نمی زدند، حتا نمی گفتند که او را در کجا دفن خواهند کرد.

در روز 26 تیر، وبلاگ نگارها به مورد ترانه موسوی پرداختند و آن را با کمیته پیگیری وضعیت زندانیان و آسیب دیدگان وقایع اخیر که مهدی کروی و میر حسین موسوی تشکیل داده بودند و تعدی های پس از انتخابات را پیگیری می کرد، در میان گذاشتند.¹³⁶ گمان می رود که مقامات زمانی که به زور این کمیته را در ماه سپتامبر تعطیل کردند، اسناد مربوط به ترانه موسوی را نیز ضبط کردند (نگاه کنید به فصل 8 در پایین).

تقریباً در همان زمان، مقامات قطعه فیلمی تلویزیونی پخش کردند که اعلام می کرد ترانه موسوی نمی تواند مرده باشد، چون در کانادا زندگی می کند و این ادعایی بود که مسؤلان پس از آن تکرار کردند.¹³⁷ مهدی کروی تلویزیون را متهم کرد که برنامه را تحت هدایت بسیج ساخته است.¹³⁸ در پی آن حجت الاسلام سید حسین شاهرادی، که با زن ساکن کانادا نسبت خانوادگی دارد، از مهدی کروی به خاطر افشا کردن اطلاعاتی که محرمانه به او داده بود و نشان می داد که افشاگری تلویزیون دروغ است، به شدت انتقاد کرد. او گفت این کار اختلاف بیشتری در جامعه ایجاد می کند.¹³⁹ مادر ترانه موسوی را بعداً از خانه بیرون بردند و بنا به گزارش ها تحت «بازداشت حفاظتی» مقامات قرار گرفت.

این مدرک و مدارک دیگر مشخص می کند که شکنجه و اذیت و آزارهای دیگر بازداشتیان در طی ناآرامی های انتخاباتی گسترده بوده است. گزارش شده که زنان و مردان در بازداشت مورد تجاوز، از جمله با استفاده از اشیا، قرار گرفته اند (نگاه کنید به پایین). مدارک این شکل ویژه از تجاوز - که قبلاً به ندرت به وسیله مردان اعلام شده بود یا شاید هرگز نشده بود - با گذر زمان افزایش یافت و حاکی از این بود که تعرض جنسی به مخالفان می تواند در طی دوره پس از انتخابات در سطح معینی مجاز شمرده شده باشد.

روش های شکنجه و اذیت و آزارهای دیگر که گزارش شده، علاوه بر تجاوز، شامل ضرب و شتم شدید؛ حبس در فضاهای بسیار کوچک؛ آویزان کردن و ارونه از پا به مدت طولانی؛

محرومیت از نور، غذا و آب و محرومیت از رسیدگی پزشکی بوده است. مقامات تایید کرده اند که در دوره انتخابات حداقل سه نفر، ظاهراً در اثر شکنجه یا اذیت و آزارهای دیگر، درگذشته اند، گرچه تعداد واقعی حقیقی ممکن است خیلی بیشتر از این باشد.

شکنجه و اذیت و آزارهای دیگر را محرومیت مداوم بازداشتیان از داشتن وکیل یا حتا تماس با جهان بیرون و دانش نیروهای امنیتی که می توانند بدون ترس از مجازات مرتکب چنین جنایاتی بشوند، تسهیل کرده است.

محمد کامرانی 18 ساله در 25 تیر یا در همان حوالی در اثر جراحات، از جمله از کار افتادگی کلیه پس از دستگیری در بیمارستان مهر درگذشت. او روز 18 تیر نزدیک میدان ولی عصر تهران دستگیر و به بازداشتگاه کهریزک منتقل شده بود. او بعداً به زندان اوین منتقل شد. خانواده او تنها زمانی متوجه شدند او در زندان اوین است که پاسداران نام او را برای خویشاوندان منتظر برای دیدار با بازداشتیان خواندند. رئیس سازمان زندان ها بعداً گفت او هم مثل محسن روح الامینی در اثر مننژیت مرده است.¹⁴⁰

پدر و مادر محمد کامرانی در روز 24 تیر به زندان رفتند چون به آنها گفته شده بود حکم آزادی او صادر شده است. زمانی که به آنجا رسیدند، به آنها گفته شد پسرشان مجروح و به بیمارستان لقمان منتقل شده است. پس از آن محمد کامرانی به بیمارستان مهر منتقل شد و در آنجا درگذشت.

رامین قهرمانی، 30 ساله، دو روز پس از این که پس از 10 روز بازداشت آزاد شد، در تاریخ 3 مرداد یا در همان حوالی درگذشت. مرگ او گویا در اثر عوارض لخته شدن خون در ریه ها در اثر شکنجه رخ داد. او به مادرش گفته بود که او را در بازداشت زده و از پا آویزان کرده اند. جنازه او زیر نظارت پلیس دفن شد.¹⁴¹

بسیاری از بازداشتیان دیگر یا خانواده های آنها گفته اند که جراحات ناشی از شکنجه و اذیت و آزارهای دیگر هنوز در آنها باقی است. برای مثال، **عیسی سحرخیز**، روزنامه نگار و مفسر برجسته اصلاح طلب، که پس از حمله به خانه اش در تاریخ 30 خرداد پنهان شده بود و در تاریخ 13 تیر دستگیر شد، در اثر شکنجه در طی بازجویی دچار شکستگی دنده ها شد.¹⁴²

مرد جوانی که در تاریخ 16 خرداد در طی اعتراضی خشونت آمیز مورد اصابت گلوله قرار گرفت و مایل است ناشناس بماند، به عفو بین الملل گفت که گرچه او شاهد شکنجه کسی نبوده است، صدای فریاد کشیدن دیگران را شنیده و هم بندان او گفته اند که به اندام های تناسلی شان شوک الکتریکی وارد شده است.

بسیاری از بازداشتیان که در طی دوره انتخابات دستگیر شدند، از شرایط بازداشت شکایت کرده و آن چه را دیده اند شرح داده اند، که رفتاری بی رحمانه، غیرانسانی و تحقیرآمیز بوده است. آنها شرح داده اند که چطور پی در پی مورد ضرب و شتم قرار گرفتند و در زمانی از سال که گرما معمولاً بیش از 40 درجه سانتیگراد است، در سلول های کوچک و پرازدحام و بدون تهویه هوا حبس شدند. دیگران در باره فریادهای زندانیان در شب و مشاهده زندانیان با دست پای شکسته پس از جلسه های بازجویی تعریف کرده اند. دوست دختر یک بازداشتی که آزاد شده، می گوید او در اثر نحوه برخورد دچار بیماری روانی شده است. این دختر به روزنامه گاردین گفت: «او را اذیت و آزار کرده، مورد توهین قرار داده اند و شکنجه کرده اند. زندانبانان او را با دست های بسته از پله ها به پایین هل داده اند. او وادار شده مثل یک کرم

روی زمین بخزد.»¹⁴³

احمد زیدآبادی، سخنگوی سازمان دانش آموختگان و روزنامه نگار روز آنلاین، نشریه ای آنلاین مستقر در بلژیک، در 31 خرداد دستگیر شد. او تا زمان حضور در جلسه دوم «دادگاه های نمایشی» (نگاه کنید به فصل 7) در روز 17 مرداد در انفرادی ماند. همسر او که اولین بار در روز 26 مرداد در زندان اوین اجازه ملاقات با او را یافت، بعداً گفت که زیدآبادی در شرایط بسیار بد جسمانی و روحی است. او گفت احمد زیدآبادی به او گفته که پس از دستگیری او را 35 روز در یک سلول انفرادی مثل قبر به طول 1/5 متر نگه داشته اند. گویا او 17 روز اعتصاب غذا کرده تا این که دکترها قانعش کرده اند به اعتصاب غذا پایان دهد. همسر او دوباره در نیمه شهریور با او ملاقات کرد و این بار زیدآبادی گفت که او را در بازجویی به شدت کتک زده اند. همسر زیدآبادی در مصاحبه ای در تاریخ 1 مهر ماه، گفت بازجوی زیدآبادی به او گفته است:

«دستور داریم تو را له کنیم و اگر همکاری نکنی هر کاری دلمان خواست با تو می کنیم و اگر این کاغذهای بازجویی را ننویسی همین کاغذها را به خوردت خواهیم داد.»¹⁴⁴

علی خردنژاد شرایط بد زندان اوین و نبود رسیدگی پزشکی را در گفتگو با عفو بین الملل تشریح کرد:

«در هنگام ورود به اوین، یک پزشک سازمانی همه ما را از سر تا پا معاینه کرد. مرا ابتدا به بند 240 فرستادند. وقتی داخل شدم، مرد جوانی را دیدم که انگشت شستش شکسته بود. استخوانی از مفصل شست او، اما فقط کمی، از زیر پوست بیرون زده بود. اما استخوانی از بالای زانوی همان فرد بیرون آمده بود. یک نفر درخواست کرده بود او را به بهداری زندان ببرند، اما به ما گفتند "زندانی امنیتی" هستیم و در نتیجه دسترسی به امکانات پزشکی از ما دریغ شد. در حداقل 12 روزی که من با او بودم، به هیچ وجه به او رسیدگی نشد. دیگران از غذا مریض شده بودند... غذاهایی که به نظر می رسید گوشت یا برنج دوباره گرم شده باشد آدم ها را مریض می کرد. بعضی بالا می آوردند، بعضی دیگر اسهال داشتند، اما به هیچ کس رسیدگی نمی شد.

«در بند 240 هشت نفر از ما در یک سلول 2/5 در 3/5 متر بودیم. اما امکانات خواب نبود و روی زمین در کنار هم دراز می کشیدیم و یک نفر هم در کنار توالت و دستشویی که در گوشه ای از سلول قرار داشت و پرده ای پلاستیکی هم بود که جلویش می کشیدیم. پنجره خیلی بالا بود و هوا در آن وقت سال خیلی گرم بود و هوا جریان نداشت. در نتیجه بعضی ها شیشه ها را شکسته بودند.

«بعداً با سه نفر دیگر در بند 209 بودم. مطمئنم که این سلول - حداکثر به اندازه 3 متر در 4 متر - معمولاً برای نگهداری زندانیان در انفرادی استفاده می شود، چون وقتی ما را آنجا انداختند، هیچ پرده ای دور توالت و دوش نبود. شب آمدند و پرده زدند.»

گزارش شده که بازداشتیان در پاسارگاد هم، که یک کارخانه اسلحه سازی در جنوب غربی تهران است و سپاه پاسداران به عنوان بازداشتگاه مورد استفاده قرار داده، شکنجه شده اند. مثل بازداشتگاه های دیگر که نیروهای مختلف امنیتی اداره می کنند، پاسارگاد نیز خارج از نظارت قوه قضاییه است. حنیف مزروعی، روزنامه نگار، در تیر ماه گفت:

«یکی از دوستان ما که روزنامه نگار است، چند وقت پیش بازداشت شده بود و در این بازداشتگاه مورد ضرب و شتم قرار گرفت. برای پاسخگویی به یک سؤال به قدری سرش را به میز می کوبیدند که از حال می رفته است.»¹⁴⁵

بازداشتیان خارج از تهران نیز پس از دستگیری تحت شکنجه قرار گرفتند. مرد جوانی که به مدت تقریباً یک ماه در شمال بازداشت شده بود و مایل است ناشناس بماند، به عفو بین الملل گفت که ماموران وزارت اطلاعات، پلیس و «چند ورزشکار و بدنساز که وزارت [اطلاعات] برای زدن من اجیر کرده بود» او را در موقع بازداشت در خانه به شدت کتک زدند. او را ابتدا در یکی از مراکز وزارت اطلاعات بازداشت کردند. در آنجا او را به میله ای فلزی بستند و باز کتکش زدند. بعد او را به شهر دیگر منتقل کردند و در آنجا «مورد آزار روانی» قرار دادند.¹⁴⁶

بازداشتیان دیگری در شرایط نامعلوم در زندان مردند.

بازداشتگاه کهریزک

«در بازداشتگاه کهریزک قتل‌هایی صورت گرفته که در نتیجه ضرب و شتم‌ها رخ داده است و منجر به از بین رفتن تعدادی از جوانان این کشور شده است... فرمانده نیروی انتظامی مسؤل است و باید پاسخگو باشد.» حمیدرضا کاتوزیان، نماینده مجلس، 14 مرداد 1388¹⁴⁷

«در این بازداشتگاه... سه مامور به صورت خودسرانه نسبت به تنبیه بدنی شدید تعدادی از بازداشت‌شدگان اقدام کرده بودند... هیچ یک از کشته شدگان در بازداشتگاه کهریزک بر اثر ضرب و شتم فوت شده اند بلکه بر اثر یک بیماری ویروسی جان باخته اند...» سردار اسماعیل احمدی مقدم، فرمانده نیروی انتظامی، 19 مرداد 1388¹⁴⁸

بازداشتگاه کهریزک در دامنه جنوبی تهران ظاهراً در حدود پنج سال پیش به عنوان بازداشتگاهی تحت اختیار نیروی انتظامی برای «ارازل و اوباش» برپا شده است.¹⁴⁹ اما بنا به گزارش ها قوه قضاییه آن را در سال 1386 زیراستاندارد و غیرقانونی تشخیص داد و توصیه کرد تعطیل شود، ولی این اتفاق نیافتاد.¹⁵⁰

بدرفتاری در بازداشتگاه کهریزک تقریباً بلافاصله پس از این شروع شد که 145 نفر از بازداشت شدگان اعتراض های روز 19 تیر 1388 به علت ازدحام در زندان اوین به آنجا منتقل شدند. مقامات تایید کرده اند که حداقل سه نفر از بازداشتیان آن درگذشته اند.

بازداشتیان توصیف کرده اند که چطور در شرایط اسفباری نگه داری می شدند و تحت شکنجه و اذیت و آزارهای دیگر قرار می گرفتند. بعضی گفته اند که برای وارد آوردن درد بیشتر، ماموران زندان پیش از زدن با کابل برق و باتوم زندانیان را خیس می کردند.

محسن روح الامینی، در زمان مرگ 25 ساله بود. او که فرزند دکتر عبدالحسین روح الامینی، محقق سرشناس و مشاور ارشد نامزد ریاست جمهوری محسن رضایی بود، در تاریخ 18 تیر در طی یک اعتراض دستگیر شد و به بازداشتگاه کهریزک انتقال یافت. در تاریخ 6 مرداد مدیر کل اداره زندان های تهران به خبرگزاری دانشجویان ایران گفت که محسن روح الامینی و حداقل یک بازداشتی دیگر در اثر منژیت فوت کرده اند.¹⁵¹ در روز 9 شهریور، خبرگزاری

مهر گزارش داد که پزشکی قانونی مرگ محسن روح الامینی را در اثر مننژیت تکذیب کرده و تشخیص داده است که «مرگ ناشی از استرس های فیزیکی، شرایط بد نگهداری، ضربات متعدد و نیز اصابت جسم سخت» بوده است.¹⁵²

بنا به گزارش ها، محسن روح الامینی در شرایط بد جسمانی از بازداشتگاه کهریزک به زندان اوین منتقل می شد که حالش وخیم تر شد. او را بیمارستان بردند اما کمی بعد درگذشت. به گفته حمیدرضا کاتوزیان، نماینده مجلس، دکتر عبدالحسین روح الامینی گفته است که فرزندش شکنجه شده و دارای جراحاتی روی صورتش بوده است.¹⁵³

در یک مورد دیگر، یک بازداشتی پیشین به فعالان حقوق بشر در ایران، گروهی که در باره نقض حقوق بشر در ایران گزارش می دهد، گفت که نیروهای لباس شخصی و ماموران گارد ویژه او را در نیمه دوم خرداد دستگیر و به پایگاه مقدار بسیج بردند. او می گوید کتک و توهین از لحظه دستگیری شروع شد و در پایگاه مقدار بسیج ادامه یافت. کمتر از 24 ساعت بعد او را به بازداشتگاه کهریزک بردند و در حدود 58 روز در یک کانتینر نگه داشتند. تنها در روز چهل و سوم به او گفتند کجاست و اجازه دادند به خانواده اش تلفن کند.

«ما با چشم بند و دست بند به وسیلهی یک خودروی ون... به یک مکان نا مشخص منتقل شدیم. ما را... به زیرزمین آوردند. وقتی چشم های ام را باز کردم متوجه شدم در کانتینری هستم که فقط یک چراغ 100 وات داشت و یک کانال هوا. هفتاد و پنج نفر در یک کانکس جا گرفته بودیم.

«فیلمی از پسر من در یکی از خیابان های تهران تهیه کرده و برای من در یکی از جلسات بازجویی پخش کردند و بازجو مرا تهدید کرد که پسرت در بازداشت قرار دارد و اگر اعتراف نکنی به بجهی تو تجاوز خواهیم کرد. کنترل خود را بعد از دیدن فیلم از دست دادم و شروع به فریاد زدن کردم. التماس می کردم به پسرم کاری نداشته باشید، آن قدر با باتوم مرا زدند که از حال رفتیم و مرا به بازداشتگاه منتقل کردند.

«شبها صدای اعتراف گیری از بازداشت شدهگان تا صبحها ادامه داشت.

گاهی اوقات دسته های پنج نفره ما را از سلول بیرون می آوردند و با باتوم می زدند تا از حال می رفتیم. بر اثر این شکنجه ها پردهی گوش راست من پاره شد و آثار کیبودی بر اثر ضربات باتوم روی بدن ام به یادگار ماند. این را هم اضافه کنم. ما حداقل هفته ای سه بار با باتوم شکنجه می شدیم و هر روز بازجویی می شدیم. در مدت 58 روز بازداشت من 58 بار بازجویی شدم.»¹⁵⁴

او ادامه می دهد:

«جایی برای نشستن نبود و خون همه جا روی دیوارها و درها بود. آدم ها ناگهان به گریه می افتادند یا شروع به عزاداری می کردند چون یک نفر مرده بود. از پشت اتاق صدای فریاد می آمد اما ما نمی توانستیم حرکت کنیم چون همه به یک دیگر چسبیده بودیم. ماموران لباس شخصی آمدند و چراغ ها را شکستند و در تاریکی شروع کردند به زدن همه. همه چیز و همه کس را سر راه خود می زدند. نیم ساعت همه را زدند. چند نفر بیهوش شدند و بعضی ها حتی زیر کتک شدید کشته شدند.

«چراغ قوه ها را روشن کردند و روی صورتمان انداختند و گفتند اگر صدایی از ما در بیاید باتوم هایشان را در... فرو می کنند».

«من بعد از آزادی متوجه شدم اعلام کردند که کهریزک بسته شده این در حالی بود که یک هفته از انتشار این خبر گذشته بود اما صدها نفر هنوز در آنجا نگهداری می شدند و اخبار مربوط به بسته شدن کهریزک کاملاً کذب است و من شک ندارم هنوز هم در آنجا افراد بی گناهی همچنان بازداشت هستند. به جز بازداشتگاهی که من در آن بودم تعدادی بازداشتگاه به همان شکل وجود داشت که من از تعداد آن ها بی اطلاع هستم اما از صدایی که شب ها می آمد شک ندارم که تعداد زیادی بازداشتگاه مخفی آنجا وجود دارد»¹⁵⁵

در روز 6 مرداد اعلام شد که مقام رهبری دستور تعطیلی کهریزک را صادر کرده و گفته است که حقوق بازداشتیان در آن رعایت نمی شده است. دستور تعطیلی ممکن است 10 روز پیش از آن صادر شده باشد¹⁵⁶ چون به نظر می رسد محسن روح الامینی در حالی فوت کرد که در نتیجه صدور دستور او را به زندان اوین منتقل می کردند.

در روز 24 مرداد مقامات گفتند که علیه 12 مامور و یک قاضی که در خشونت و آزارهای کهریزک شرکت داشته اند، اقدام تنبیهی به عمل آمده است. بنا به گزارش، بعضی ها دستگیر و تفهیم اتهام شدند. بعضی دیگر با تعلیق یا اخراج روبرو شدند. اما، دادستان نظامی تهران در تاریخ 21 شهریور گفت که هفت نفر از جمله رئیس بازداشتگاه کهریزک به تعدی متهم شده اند.¹⁵⁷ در اوایل مهر ماه، پرویز سروری، رئیس کمیته ویژه مجلس (نگاه کنید در پایین) گفت که 104 پرونده قضایی برای جرایم انجام شده در کهریزک تشکیل شده، ولی توضیح بیشتری نداد.¹⁵⁸

در روز 13 مرداد، فرمانده نیروی انتظامی گفت که نیروی انتظامی در حال ساخت یک بازداشتگاه استاندارد در محل بازداشتگاه کهریزک است که تا یک ماه دیگر آماده بهره برداری می شود.¹⁵⁹ در زمان نگارش، معلوم نیست که کهریزک - بازسازی شده یا نشده - هنوز به عنوان بازداشتگاه مورد استفاده قرار دارد یا نه.

همچنین نگرانی هایی وجود دارد که مقامات اشخاصی را که در باره وقایع داخل کهریزک اطلاع دارند، هدف گرفته اند. مرگ مشکوک دکتر پوراندرجانی در روز 19 آبان (نگاه کنید به فصل 8 در پایین) که به عنوان بخشی از خدمت وظیفه اش به بازداشتیان در کهریزک رسیدگی کرده و در باره شرایط آنجا در مجلس شهادت داده بود حاکی از آن است که بعضی از مقامات مصمم هستند حقیقت را به هر قیمتی پنهان کنند. عفو بین الملل خواستار تحقیق سریع و بی طرفانه در باره فوت او شده است.¹⁶⁰

تجاوز در زندان

زمانی که مسئولان دولتی از تجاوز استفاده کنند، رنج وارده بعضاً به خاطر انزوای اغلب ایجاد شده و عمدی بازمانده می تواند فراتر از رنج ناشی از شکنجه سنتی باشد. در بعضی فرهنگ ها قربانی تجاوز ممکن است طرد یا رسماً از جامعه یا خانواده اش اخراج شود. این طرد به شدت مانع بهبود روانی قربانی می گردد و اغلب او را به فقر و تنگدستی شدید محکوم می کند. «گزارشگر ویژه سازمان ملل برای شکنجه، مانفرد نوک»¹⁶¹

ماموران لباس شخصی ابراهیم شریفی، دانشجوی 24 ساله از تهران، را در روز 1 تیر ماه دستگیر کردند و پیش از آزادی یک هفته در انفرادی نگه داشتند. او نمی دانست در کجا به سر می برد، اما بر این باور است که در بازداشتگاه کهریزک بوده است. او در آبان ماه به عفو بین الملل گفت پیش از این که مورد تجاوز و شکنجه های دیگر قرار بگیرد، دست و پا و چشمان او را بسته و کتک زده اند.¹⁶² او ضرب و شتم شدید و اعدام ساختگی را از سر گذرانده است. وقتی او سعی کرد شکایت کند، گویا ماموران اطلاعاتی او و خانواده اش را تهدید کردند. قاضی پرونده، آقای مقدمی به او گفت: «شاید پول گرفتی [این ها را بگویی]... [و] اگر ادامه بدهی، حتما در جهنم تاوان این کار را خواهی داد.» ابراهیم شریفی ناچار شد مخفی شود و کمیته قضایی تحقیق در باره رویدادهای پس از انتخابات در روز 22 شهریور اعلام کرد که ادعای تجاوز او ساختگی و با انگیزه سیاسی مطرح شده است.¹⁶³

او به رادیو اروپای آزاد/رادیو آزادی گفت:

«در روز چهارم گفتند می خواهند مرا اعدام کنند - یک اعدام ساختگی برای ما ترتیب دادند... یک نفر با لگد در شکم من زد و من روی زمین افتادم. او به لگد زدن به شکم من ادامه داد. بعد به یک نفر گفت: «بیا حمله اش کن.» همین طور با لگد می زد. من خون بالا می آوردم و شکم زخم شده بود. مرا به اتاق دیگری کشاند و دست هایم را به دیوار بست.

«فکر می کنم که یک نفر [به من تجاوز کرد]، اما مطمئن نیستم که آن شخص این کار را کرد یا از چیزی استفاده کرد...»

«بالاخره توانستم از دکتر نامه ای بگیرم چون هنوز روی پشتم و شکم زخم داشتم. با یکی از دوستانم حرف زدم و او گفت باید با روحانیت یا کربوبی حرف بزنم... او از من پرسید آیا [تجاوز] رخ داده و من جواب دادم "بله" و به گریه افتادم.»¹⁶⁴

ابراهیم شریفی به عفو بین الملل گفت که اگر شهادتی که به کمیته مهدی کربوبی و میرحسین موسوی برای پیگیری وضعیت زندانیان و آسیب دیدگان وقایع اخیر داده است می توانست برای اتفاقی که برایش افتاده دادخواهی و عدالت به بار آورد، در این صورت برای دادخواهی در ایران می ماند. به جای دادخواهی، اطلاعاتی که ارائه کرده بود توقیف شد (نگاه کنید به فصل 8 در پایین).

با مطرح شدن گزارش های شکنجه و اذیت و آزارهای دیگر از کسانی که در ناآرامی های پس از انتخابات دستگیر شده بودند، روشن شد که تجاوز در زندان، اغلب با استفاده از یک شیئی، یکی از روش های کاملاً جا افتاده نقض حقوق بشر است.

تجاوز در حقوق بین الملل

گرچه تعریف قانونی تجاوز در نظام های متفاوت حقوقی تفاوت دارد، حقوق عرفی بین الملل تجاوز را شامل اقداماتی می داند که به زور یا تهدید به استفاده از زور علیه مردان و زنان انجام می شود و شامل وارد کردن چیزی - از جمله ولی نه تنها آلت تناسلی - در مقعد یا شکاف تناسلی یا وارد کردن آلت تناسلی در سوراخ های دیگر بدن است.¹⁶⁵

این مساله در سطح وسیعی، از جمله به وسیله گزارشگر ویژه برای شکنجه و در صلاحیت

قضایای منطقه ای، پذیرفته شده که تجاوز در صورتی که به وسیله مسئولان دولتی یا به تحریک یا با اجازه یا رضایت آنها انجام گیرد، شکنجه محسوب می شود. مجامع حقوق بشری بین المللی و منطقه ای مقرر کرده اند که تجاوز به وسیله مسئولان برابر با شکنجه است و نمی توان آن را یک اقدام «شخصی» یا «خصوصی» دانست و بنابراین یک عمل کیفری عمومی است.¹⁶⁶

در اواسط مرداد ماه پس از این که نامه اوایل مرداد نامزد ناموفق ریاست جمهوری مهدی کروبی به رئیس مجمع تشخیص مصلحت علی اکبر هاشمی رفسنجانی با شرح جزئیات موارد تجاوز و درخواست تحقیق فاش شد، این موضوع تبدیل به عنوان های خبری شد.¹⁶⁷ مهدی کروبی اظهار کرد که چندین گزارش از فرماندهان پیشین نظامی و مسئولان ارشد و نیز زندانیان پیشین دریافت کرده که ادعا می کنند تعدادی از معترضان مرد و زن در زندان مورد تجاوز قرار گرفته اند. او گزیده هایی از شهادت هایی را که گویا زندانیان پیشین در باره شکل های دیگر از تعدی جنسی شرح داده بودند، از جمله این که چطور بازداشتیان دیگر «وادار می شدند لخت بگردند، مثل حیوانات روی دست و زانو بخزند و زندانبانان روی آنها سوار شوند»، در وبگاه خود منتشر کرد.

در روز 23 مرداد، آیت الله احمد خاتمی در خطبه های نماز جمعه ادعاهای مهدی کروبی را «افترای کامل علیه نظام جمهوری اسلامی» خواند.¹⁶⁸ یک روز پیش از آن، او خواستار پیگرد مهدی کروبی به خاطر افترا شده بود که در صورتی که نتواند ادعاهایش را ثابت کند 80 ضربه شلاق مجازات دارد.¹⁶⁹

اتهام تجاوز - که موضوع بسیار حساسی برای طرح در میان عامه در ایران است - از آن پس افزایش یافته و باعث واکنش های شدیدی در میان ایرانیان و مسئولان دولتی شده که بیشترین سعی شان را برای بی اعتبار کردن گزارش های تجاوز و عدم انتشار بیشتر آنها را به خرج داده اند.

مریم صبری، 21 ساله، در آبان ماه به عفو بین الملل گفت که پس از دستگیری در گورستان بهشت زهرا در تاریخ 8 مرداد به مناسبت چهلمین روز مرگ ندا آقا سلطان، زندانبانان چهار بار به او تجاوز کرده اند.¹⁷⁰

او و چند نفر دیگر را در حدود یک ساعت با ماشین به این طرف و آن طرف بردند و بعد چشم و دست بسته پیاده کردند. او بعدا فهمید که در محلی به نام سنول در اختیار وزارت اطلاعات است، ولی او آن را ابوغریب می نامید.

او به عفو بین الملل گفت که در یک سلول انفرادی به سر می برد که بدون پنجره بود و به باور او در زیر زمین قرار داشت و به قدری کوچک بود که نمی توانست بایستد. به هیچ ترتیبی نمی توانست زمان را تشخیص بدهد. او را هر بار با چشم و دست های بسته در اتاق مجاور بازجویی می کردند. از او پرسیدند چه کسی به او دستور می دهد و به چه دلیل در مراسم بزرگداشت حضور داشته است. او می گوید به نظر می رسد بازجویانش همه چیز را درباره او می دانند و در مورد فوت مادرش به او طعنه می زدند. او با صدایی آهسته تر ادامه داد:

«تا دو سه روز وضع به همین ترتیب بود. بعد به من گفتند با آنها همکاری کنم و برایشان عکس بگیرم [اما] در چهارمین بازجویی به من تجاوز شد... مثل یک حیوان بود...»

او می گوید که تجاوز بین 30 دقیقه تا یک ساعت ادامه پیدا کرد. اما ماجرا در همان جا تمام نشد. او می گوید «مردانی با صداهای متفاوت چهار بار به من تجاوز کردند.»

مریم صبری در تاریخ 21 مرداد بدون تفهیم اتهام آزاد شد. برای او امکان دسترسی به وکیل یا پزشک فراهم نشد. او به خانه برنگشت و از ایران فرار کرد. بعدا فهمید که روز پس از پرواز ممنوع الخروج شده بود.

ابراهیم مهتری، 26 ساله، که در باره تجاوز به خودش و شکنجه های دیگر در زندان سخن گفته است، دانشجوی کامپیوتر است که پیشتر از ادامه تحصیل منع شده بود. او به عفو بین الملل گفت که در روز 29 مرداد 1388 جلوی دفتر سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی - که بسیاری از اعضایش پیش از آن تاریخ بازداشت شده بودند - به وسیله ماموران اطلاعات سپاه پاسداران که معمولاً اختیار دستگیری ندارند، دستگیر شده است. اسلحه‌ئی را به سوی او نشانه رفتند و او پس از شوک الکتریکی از حال رفت.

او در شهرپور و آبان به عفو بین الملل گفت که او را به محلی در شرق تهران بردند که به یک اردوگاه نظامی می ماند. او را در سلولی به اندازه های تقریبی 1/3 در 2 متر تنها گذاشتند که در تابستان گرم تمام مدت چراغی در آن روشن بود. از نوشته های روی دیوار آشکار بود که عده زیادی به تازگی دستگیر شده بودند. او را منظمًا با چشمان بسته برای بازجویی می بردند. در آنجا او را به «همکاری با شبکه های فیس بوک» و وبگاه های متعلق به مخالفان، اعتراض به نتیجه انتخابات و همکاری با سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی متهم کردند. بازجویان مرتب در حال فیلم برداری از او می خواستند که «اعترافات» خود را بنویسد و گاهی نیز دوربین را خاموش می کردند و به شکنجه او مشغول می شدند:

«آنها بارها به صورتم می زدند؛ زیر چشمانم، روی گردنم و سرم را با سیگار سوزاندند. مرا از سر تا پا از جمله روی بازوان و پاها مورد ضرب و شتم قرار دادند. مرا تهدید به اعدام و تحقیرم کردند...»

او شرح داد که چطور در اثر یک ضربه مشت به دهانش یکی از دندان هایش شکسته و شکنجه گران یک شیئی باریک را در سوراخ های بینی و مقعد او فرو کرده اند. سرانجام او «اعترافاتی» را که آنها می گفتند امضا کرد. تنها در روز آخر بازداشت، در حالی که به زحمت به هوش بود، به او اجازه دادند با پزشک دیدار کند.

ابراهیم مهتری پنج روز پس از بازداشت آزاد شد. او را با اتومبیل به خیابانی بردند و در حال خونریزی و نیمه بیهوش بیرون انداختند. معاینه در پزشکی قانونی که در حالی انجام شد که روشن نبود او کیست، ادعای او در مورد شکنجه را تایید و مستدل کرد. در این معاینه معلوم شد که در جاهای مختلف بدن او، از جمله در اطراف مقعدش، کبودی و سیاه شدگی، سائیدگی و سوختگی وجود دارد.

اما به محض این که مشخص شد که جراحت های او در اثر شکنجه به وسیله ماموران دولتی به وجود آمده و نه در پی آدم ربایی به وسیله جنایتکاران، تمام اسناد و مدارک ناپدید شد، به استثنای کپی گزارش پزشکی که ابراهیم مهتری توانسته بود کپی کند و نگه دارد (نگاه کنید به پیوست 1).

پس از دیدار ابراهیم مهتری با مهدی کروی و اعضای کمیته پیگیری وضعیت زندانیان و آسیب دیدگان وقایع اخیر، گفته می شود مهدی کروی نامه ای به قوه قضاییه نوشته و خواستار اطلاع از محل نگهداری ابراهیم مهتری و ارگان مسؤل شده است. بنا به گزارش قوه قضاییه در پاسخ گفته که اطلاعی ندارد. چیزی نگذشت که ابراهیم مهتری از ایران فرار کرد.

مقامات حاضر نشدند ادعاهای ابراهیم مهتری را مورد تحقیق قرار بدهند و به او و خانواده اش گفتند که در صورتی که در باره شکنجه هایی که تحمل کرده حرفی بزنند با عواقب سختی روبرو خواهند بود.¹⁷¹

قانون ایران در باره تجاوز

تجاوز در قانون مجازات ایران جرم کیفری مستقلی به شمار نمی رود و قوه قضاییه در موارد تجاوز به زنان به آن بر اساس مقررات زنا (رابطه جنسی بدون ازدواج شامل دخول) و در موارد تجاوز به مردان بر اساس مقررات لواط رسیدگی می کند. هر دو دسته مقررات در قانون مجازات در بخش جرائم مستوجب حدود قرار دارند. در شرع اسلام، این جرائم به عنوان جرائم ضد خدا تلقی می شوند و نه ضد اشخاص و برخورد به آنها در ارتباط با اثبات و عفو متفاوت از جرائم تحت اختیار دولت (جرائم تعزیری) است.

ماده 82 (د) قانون مجازات برای «زنای به عنف و اکراه» مجازات اعدام تعیین کرده است. ماده 111 برای لواط «در صورتی که فاعل و مفعول بالغ و عاقل و مختار باشند» مجازات اعدام را تعیین کرده است. در صورتی که ثابت شود لواط به زور و خشونت انجام شده و دادگاه آن را بپذیرد، قربانی مرد تجاوز مستوجب اعدام نخواهد بود.

اتهام دروغ زنا یا لواط، که قذف نامیده می شود، بنا به ماده 140 قانون مجازات مستوجب 80 ضربه شلاق است. این بدان معناست که کسی که ادعای تجاوز کند ولی نتواند آن را ثابت کند یا در خطر محکومیت بر اساس مفاد قذف است یا (اگر ثابت شود که دخول انجام شده) بر اساس مفاد زنا. البته ماده 67 قانون مجازات که می گوید «هرگاه زانی یا زانیه ادعا کند که به زنا اکراه شده است، ادعای او در صورتی که یقین برخلاف آن نباشد قبول می شود»، این مساله را تعدیل کرده است.

مفاد مربوط به زنا یا لواط به مساله تجاوز به وسیله یک شیئی یا وارد کردن آلت تناسلی در سوراخ هایی به جز فرج یا مقعد نمی پردازند. به جراحات شخصی بر اساس مفاد قصاص (تلافی - یا «چشم در برابر چشم») در قانون مجازات رسیدگی می شود. بر این اساس، در برابر جراحت عمدی، مجرم نیز به دریافت همان جراحت یا پرداخت غرامت (دیه یا پول خون) محکوم می شود. ماده 277 می گوید «هرگاه در قصاص جرح رعایت تساوی ممکن نباشد ... یا قصاص موجب تلف جانی ... گردد فقط باید دیه آن داده شود...»

ماده 578 قانون مجازات می گوید:

«هر يك از مستخدمین و مامورین قضائی یا غیر قضائی دولتی برای آنکه متهمی را مجبور به اقرار کند او را اذیت و آزار بدنی نماید علاوه بر قصاص یا پرداخت دیه حسب مورد به حبس از ششماه تا سه سال محکوم میگردد و چنانچه کسی در این خصوص دستور داده باشد فقط دستور

دهنده به مجازات حبس مذکور محکوم خواهد شد و اگر متهم بواسطه انیت و آزار فوت کند مباشر مجازات قاتل و آمر مجازات قتل را خواهد داشت.»

به نظر می رسد که این ماده برای پیگرد مسؤلانی که به بازداشتیان تجاوز کرده اند قابل استفاده باشد، اما تنها در صورتی که قصدشان اجبار بازداشتی به انجام «اعتراف» بوده باشد. در عین حال به نظر می رسد این ماده در صورتی که مسؤل متجاوز دستور تجاوز را دریافت کرده باشد، امکان پیگرد او را سلب می کند. با وجود این، پیگرد او طبق ماده 614 قانون مجازات ممکن است. این ماده اخیر می گوید جراحت عمدی جسمانی در مواردی که قصاص امکان نداشته باشد قابل مجازات با حبس و علاوه بر آن در صورت درخواست قربانی پرداخت دیه است.

بنابراین هیچ یک از مفاد قانون مشخصا تجاوز در زندان به وسیله مسؤلان دولتی را به عنوان شکنجه توصیف نمی کند. عفو بین الملل از مقامات ایران می خواهد روشن کنند که تجاوز در زندان به وسیله مسؤلان شکنجه به حساب می آید و مرتکبان آن باید به خاطر این گونه اعمال طبق مقررات منع شکنجه یا جراحت جسمانی، مثل ماده های 578 و 614 قانون مجازات، تحت پیگرد قرار بگیرند. باید تصریح شود که هم کسانی که مرتکب تجاوز شده اند و هم کسانی که دستور آن را صادر کرده اند مشمول پیگرد هستند.

تجاوز به عنوان یک روش شکنجه در ایران، بیشتر در مورد زنان، پدیده تازه ای نیست و پیشتر نیز گزارش شده است. برای مثال، در سال 2002، گزارشگر ویژه سازمان ملل برای خشونت علیه زنان گزارش داد که موضوع شکنجه جنسی را به ویژه در زندان اوین با مقامات مطرح کرده است. او گفت که گزارش شده که «زنان زندانی به طور منظم مورد تجاوز قاضیان و مسؤلان بلند پایه در زندان قرار می گیرند. ادعا شده که سوئیت هایی برای این منظور مشخص در زندان وجود دارد.»¹⁷²

شادی صدر، یکی از مدافعان حقوق زن، با اشاره به چندین مورد همین مساله را اخیرا مطرح کرد. زهرا کاظمی، عکاس کانادایی - ایرانی، که در سال 2003 پس از گرفتن عکس از تظاهرات در بیرون زندان اوین دستگیر شد، در بازداشت مورد تجاوز قرار گرفت و در اثر ضربه ای به سرش چهار روز بعد کمی پس از پذیرش در بیمارستان درگذشت. رویا طلوعی، زنی کرد که پس از تظاهرات توده ای در مناطق کردنشین ایران در سال 2005 دستگیر شده بود، نیز ادعا کرد که در بازداشت مورد تجاوز قرار گرفته است. ادعا می شود که دکتر زهرا بنی یعقوب نیز در سال 2007 پیش از این که در زندان مرده یافت شود مورد تجاوز قرار گرفته بود.¹⁷³

اما، مردان بسیار معدودی در گذشته علنا ادعا کرده بودند که در زندان مورد تجاوز قرار گرفته اند، احتمالا به خاطر ننگ اجتماعی که با این مساله همراه است. مجتبا سمیع نژاد، بلاگری که در سال 1383 دستگیر و در سال 1384 زندانی شد، پس از انتشار اخبار تجاوزها نوشت که او نیز در زندان تهدید به تجاوز با یک شیئی شده و بازداشتیان مرد بسیاری را دیده بود که مورد تجاوز قرار گرفته بودند.¹⁷⁴ زمانی که امید معماریان، یک بلاگر، در مهر 1383 به زندان اوین منتقل می شد، یکی از پاسداران به او گفت: «انشاءالله، تو را هم عروست می کنند.» او نوشته است که می دانست پیش از تجاوز به زندانیان این حرف ها را به آنها می زنند.

به نظر می رسد ویژگی رویدادهای پس از انتخابات تعداد کمی از زنان و مردان جوانی را که

می گویند به آنها تجاوز شده، برانگیخته باشد که تجربه شان را به زبان بیاورند و علیه مصونیت کسانی که گویا شکنجه شان کرده اند مبارزه کنند. با توجه به آبروریزی بزرگی که تجاوز در تمام جوامع به شمار می آید و نیز ننگ شخصی بزرگی که در ایران با آن همراه است، این تصمیم آسانی نبوده است.

مدارک روزافزونی نشان می دهد که این جنایت های وحشتناک حوادث مجزایی نبوده که عناصر «خودسر» مرتکب شده باشند، بلکه می تواند به عنوان سیاستی عمدی برای تحقیر و درهم شکستن اراده بازداشتیان تشویق شده باشد. اسنادی که روزنامه تایمز دیده است نشان می دهد که تنها در تهران 37 مرد و زن جوان گفته اند که به آنها تجاوز شده است و گزارش پزشکان نشان می دهد که دو مرد، به سن های 17 و 22، در اثر خونریزی شدید داخلی در پی تجاوز درگذشته اند. بعضی از قربانیان زن تجاوز گفته اند که شکنجه گرانشان ادعا کرده اند که برای تجاوز به آنها «مجوز مذهبی» دارند چون آنها «اخلاقاً کثیف» هستند.¹⁷⁵

ابراهیم شریفی در آبان ماه به عفو بین الملل گفت که با عده ای از کسانی که در دوره پس از انتخابات مورد تجاوز قرار گرفته و پس از آن ایران را ترک کرده ولی رنجشان را آشکار نکرده اند، صحبت کرده است. او به این نتیجه رسیده که تجاوز در زندان سازمان یافته و سیستمی بوده است. روشن نیست که چند تا از بیش از 100 مورد تعدی که گویا به کمیسیون ویژه مجلس گزارش شده، تجاوز را در بر می گرفته است.

گرچه رئیس مجلس تکذیب کرد که تجاوز رخ داده است، یکی از اعضای کمیسیون ویژه مجلس که نخواست نامش فاش شود، در تاریخ 4 شهریور، به وبگاه پارلمان نیوز گفت: «تجاوز با باتوم و شیشه نوشابه به برخی از بازداشت شدگان حوادث پس از انتخابات برای ما محرز شده است.»¹⁷⁶

7 - «دادگاه های نمایشی» - مضحکه عدالت

«هیچ نظام قضایی نمی تواند اعترافی را که در اثر بازجویی های خشن یا شکنجه به دست آمده معتبر بداند،» گزارشگر ویژه سازمان ملل برای شکنجه، مانفرد نواک، 22 مرداد 1388¹⁷⁷

«این اعتراف ها به جرائم ادعایی مثل تهدید علیه امنیت ملی و خیانت نباید در هیچ شرایطی به عنوان مدرک در دادگاه انقلاب پذیرفته شود،» الحاجی مالیک ساو، معاون گروه تحقیق در باره بازداشت های خودسرانه، 22 مرداد 1388¹⁷⁸

«متهم هر چه درباره خود بگوید در دادگاه این حجت است؛ این که بگویند اگر در دادگاه اگر اعترافی کرد علیه خودش، این حرف مهملی است؛ حرف بی ارزشی است. هر اقراری، هر اعترافی، شرعاً، عرفاً و در نزد عقلا در یک دادگاه در مقابل دوربین در مقابل بینندگان میلیونی هر اعترافی که متهم علیه خود بکند مسموع و نافذ است.»¹⁷⁹

مضحکه عجیبی از عدالت است که ده ها نفر را در لباس زندان، فرسوده و لاغر، در تاریخ 10 مرداد در تهران به دادگاه انقلاب آوردند و دسته جمعی به «مشارکت در آشوب ها، اقدام علیه

امنیت ملی، اختلال در نظم عمومی، تخریب اموال عمومی و دولتی و داشتن ارتباط با گروه های ضد انقلابی» متهم کردند. وزیرای پیشین دولت، اعضای برجسته احزاب سیاسی مخالف، روزنامه نگاران و کارکنان ایرانی سفارت های اروپایی در میان این عده بودند. بعضی از آنها حتا محاکمه نمی شدند. فقط به نظر می رسید آنجا هستند تا ناچار از شنیدن به «اعتراف» های نادمانه و «پوزش» های خفت بار دیگران باشند.

به این ترتیب اولین سری از «دادگاه های نمایشی» دستگیرشدگان در ارتباط با انتخابات و اعتراض های پس از آن شروع شد.¹⁸⁰ این دادگاه بدون اخطار به وکلا و خانواده های متهمان شروع شد و در حدود 100 بازداشتی را شامل می شد که به دادگاه آورده شدند. چهار جلسه دیگر دادگاه برای در حدود 50 و اندی متهم دیگر برگزار شد. تعداد واقعی هرگز مشخص نشده چون مقامات فهرست جامعی از متهمان را ارائه نکرده اند. بعضی از متهمان در بیش از یک جلسه حضور یافتند و بعضی دیگر اصلا محاکمه نمی شدند، فقط حضور داشتند.

عفو بین الملل در تاریخ 15 مرداد نامه ای به رئیس قوه قضاییه نوشت و درخواست اجازه برای اعزام یک ناظر به دادگاه کرد. در زمان نگارش هنوز پاسخی به این نامه دریافت نشده است.

این دادگاه های ناعادلانه از تمامی شاخص های آن چه به طور عام «دادگاه های نمایشی» خوانده می شود برخوردار بودند. این واقعیت که متهمان حتما محکوم خواهند شد هرگز مورد تردید نبود. محاکمه ها، که تلویزیونی در کشور پخش می شد، «اعتراف» ها، «عذرخواهی» ها و پذیرش اجباری تقصیر را به نمایش می گذاشت. به جای اجرای عدالت در مورد افراد، هدف از محاکمه ها اعتبار بخشیدن به شرح مقامات از ناآرامی های پس از انتخابات و روشن کردن عواقب وخیم مخالفت با مقامات بود. در حالی که محاکمه ها مضحکه ای از عدالت بود، نتیجه آنها برای متهمان بسیار جدی است.

در روز 11 مرداد، دادستان کل تهران، سعید مرتضوی اخطار کرد که هرکس که از محاکمه ها انتقاد کند تحت پیگرد قرار خواهد گرفت. تنها رسانه ای که اجازه گزارش از جلسه های اولیه را دریافت کرد خبرگزاری فارس بود که پیوندهای نزدیکی با سپاه پاسداران دارد. جلسه های بعدی، پس از انتصاب آیت الله صادق لاریجانی به ریاست قوه قضاییه که در 7 شهریور عباس جعفری دولت آبادی را به جای سعید مرتضوی منصوب کرد، از تلویزیون پخش نشد.¹⁸¹

کیفرخواست طولانی که در جلسه اول خوانده شد حمله ای تمام عیار علیه جامعه مدنی در ایران به حساب می آمد. این کیفرخواست که در اساس بر شهادت ادعایی یک «جاسوس» ناشناس و از پیش بازداشت شده تنظیم شده بود، خوانده ها را متهم می کرد که بخشی از یک «انقلاب مخملی» به هدایت آمریکا و کشورهای دیگر هستند. به علاوه «اعتراف» هایی از بعضی متهمان دیگر از جمله مصطفی تاجزاده، معاون پیشین وزیر کشور و بهزاد نبوی و محسن صفایی فراهانی، اعضای پیشین مجلس، را نقل می کرد.¹⁸²

عجیب و غریب این که بعضی از کسانی که در کیفرخواست مورد اشاره قرار گرفتند کسانی بودند که اصلا حضور نداشتند، از جمله برنده جایزه نوبل صلح شیرین عبادی، فعال حقوق زنان شادی صدر (نگاه کنید به فصل 4 در بالا)، پروین اردلان و نوشین خراسانی و نیز فعال سندیکایی منصور اصائلو و فعال جامعه مدنی سهراب رزاقی. ادعا شد که گروه های حقوق بشری داخلی و بین المللی و نیز گروه دانشجویی دفتر تحکیم وحدت، که در سال های اخیر برای اصلاحات سیاسی مبارزه کرده، در «انقلاب مخملی» شرکت داشته اند. به نقش رسانه ها - از

جمله رسانه های غربی - در تبلیغ برای ناآرامی های انتخاباتی نیز توجه چشمگیری شد.¹⁸³

حق محاکمه عادلانه

ماده 14 میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی ضمانت های محاکمه عادلانه را چنین برمی شمارد:

هر کس حق دارد که به دادخواهی او منصفانه و علنی در يك دادگاه صالح مستقل و بیطرف تشکیل شده طبق قانون رسیدگی بشود.
مطبوعات و مردم معمولاً نباید از حضور در دادگاه منع شوند مگر به دلیل نظم عمومی، امنیت ملی، زندگی خصوصی افراد یا در صورتی که تبلیغات به عدالت لطمه بزند.
هیچ کس نباید مجبور باشد علیه خود شهادت دهد و یا به مجرم بودن اعتراف نماید.
حکم صادره علنی خواهد بود مگر آنکه مصلحت صغار طور دیگری اقتضاء نماید.
همه بی گناه فرض میشوند تا این که تقصیرشان ثابت بشود.
هر کس حق دارد از شهودی که علیه او شهادت می دهند سؤال کند و از امکان ترجمه لازم برخوردار شود.

«دادگاه های نمایشی» این موازین را برآورده نکردند. وکلای متهمان به پرونده موکلان دسترسی نداشتند و اطلاع نیافتند کدام دادگاه به پرونده آنها رسیدگی خواهد کرد. بعضی از آنها مطلع شدند که برای موکلانشان خودسرانه وکیل تسخیری تعیین شده است.

بسیاری از متهمان بدون ارتباط با بیرون و بعضی در سلول انفرادی در بازداشت بودند، گرچه چند نفری توانسته بودند یکی دو بار تلفن کنند و ملاقات های کوتاهی با خانواده هایشان داشته باشند. مراقبت پزشکی از آنهایی که مشکلات جسمانی داشتند دریغ شده بود. بعضی از آنها، نظر به ظاهرشان و اظهارات خانواده هایشان، شکنجه شده بودند.

پس از چنین رفتاری، بعضی از آنها به انواع جرائم «اعتراف» کردند. برای مثال، **سید محمد ابطحی** و **محمد عطریانفر** در دادگاه «اعتراف» کردند که پیش از انتخابات برای سازماندهی یک مبارزه اعتراضی برنامه ریزی کرده اند و ادعاهای مربوط به تقلب انتخاباتی حقیقت ندارد. **سعید جاریان**، مشاور سیاسی رئیس جمهوری پیشین خاتمی (نگاه کنید به فصل 3)، به دامن زدن به ناآرامی «اعتراف» کرد و از ملت درخواست بخشش کرد. او در دادگاه در صندلی چرخدارش رقت بار ظاهر شد و فرد دیگری از طرف او سخن گفت.

کیان تاجبخش، شهاب الدین طباطبایی، هدایت آقایی، مسعود باستانی و سعید جاریان از جمله کسانی بودند که در «دادگاه نمایشی» 3 شهریور محاکمه شدند.¹⁸⁴ در پی بدرفتاری طولانی و محرومیت از دسترسی به وکلای خود، آنها علیه خود و همکارانشان شهادت دادند.

سعید جاریان در روز 25 مهر به پنج سال زندان تعلیقی ظاهراً برای تحریک ناآرامی های پس از انتخابات محکوم شد. او بیش از 100 روز در بازداشت به سر برده و در 8 مهر آزاد شده بود. **شهاب الدین طباطبایی**، عضو ارشد ستاد انتخاباتی میرحسین موسوی، به اتهاماتی که شامل «اقدام علیه امنیت ملی» می شد به پنج سال سال زندان محکوم شد. **هدایت آقایی**، عضو برجسته حزب کارگزاران، نیز به اتهام «اختلال در نظم عمومی از طریق تحریک مردم به

آشوب» و «اقدام علیه امنیت ملی» نیز به همین میزان حبس محکوم شد.

در روز 26 مهر، **مسعود باستانی**، روزنامه نگار، به اتهام «تبلیغ علیه دولت» و نقش ادعایش در ناآرامی ها به شش سال زندان محکوم شد. **عبدالله مومنی**، سخنگوی سازمان دانش آموختگان، در تاریخ 23 آبان به هشت سال زندان محکوم شد، که دو سال از آن به اتهاماتی در یک پرونده قبلی مربوط است. او در جلسه پنجم «دادگاه های نمایشی» در 23 شهریور حضور یافته و به تعدادی جرم مرتبط با امنیت ملی متهم شده بود. در کیفرخواست او، علاوه بر مسایل دیگر، ادعا شد که او به تضعیف نظام از طریق زیر سؤال بردن انتخابات برای ایجاد ناآرامی، تماس با رسانه های ضد انقلابی خارجی، عفو بین الملل و دیده بان حقوق بشر به منظور «تبلیغ علیه نظام» اعتراف کرده است.¹⁸⁵

کیان تاجبخش، محقق علوم اجتماعی و طراح شهرسازی، دارای تابعیت دوگانه آمریکایی - ایرانی (نگاه کنید به فصل 4 در بالا)، در تاریخ 28 مهر به اتهام «جاسوسی»، «همکاری با یک دولت متخاصم» و «اقدام علیه امنیت ملی» از طریق شرکت در گلف 2000، یک تریبون اینترنتی در دانشگاه کلمبیای آمریکا، و کار برای موسسه جامعه باز، در حالی که کارش برای آن موسسه را از سال 1386 متوقف کرده است، مجرم شناخته شد.¹⁸⁶ او به 15 سال زندان محکوم شد. دادستانی هیچ گونه دلیل اثباتی در طی دادگاه ارائه نکرد و وکیل تسخیری او اتهام های موکلش را «سست بنیاد» خواند. مسؤلان قوه قضاییه در تاریخ 7 آبان به وکیل او اجازه ندادند از طرف او درخواست تجدید نظر کند، که نقض قانون ایران است، گرچه او موفق شد بعدا ظرف 20 روز مهلت قانونی درخواست تجدید نظر را تقدیم کند.¹⁸⁷ به نظر می رسد رفتار به ویژه خشن با او به خاطر تابعیت دوگانه و ماهیت شغل دانشگاهی اش باشد.

پیشتر از آن، در 18 مهر اعلام شد که دو نفر به اسامی م. ز و ا. پ، که تصور می رود **محمد رضا علی زمانی** و **آرش رحمانی پور** باشند، هر دو از اعضای انجمن پادشاهی ایران، به مرگ محکوم شده اند. مرد دیگری، به نام ن. ع، که گمان می رود **ناصر عبدالحسنی** باشد نیز به خاطر عضویت در سازمان مجاهدین خلق ایران به مرگ محکوم شد.

منابع مخالفان می گویند فرد چهارمی به نام **حامد روحی نژاد**، که نامش در اولین کیفرخواست «دادگاه های نمایشی» عنوان شده بود، نیز به خاطر عضویت در انجمن پادشاهی ایران به مجازات اعدام محکوم شده است. همچون انهای دیگر، او نیز پیش از انتخابات دستگیر شده و به فعالان حقوق بشر گفته است که فریب خورده تا بگوید در آشوب شرکت داشته است. او پیش از محاکمه 40 روز در بند 209 زندان اوین در بازداشت به سر برده و به شکنجه و مرگ تهدید شده بود. فشار باعث عود بیماری ام اس شد که طرف راست بدنش را فلج و چشم راستش را تقریبا کور کرد. به او اجازه ملاقات یا تلفن داده نشده است.

حامد روحی نژاد در نامه ای از زندان پس از محکومیت چنین نوشته است:

«یک روز پس از پایان انتخابات، تازه فهمیدم که انتخابات برگزار شده، بی خبر از فضای بیرون و در دریای خروشان اعتراضات مردمی با وعده و وعید مرا به جلسات دادگاه معترضان به نتایج انتخابات بردند، در حالی که هیچ ربطی به انتخابات نداشتم. اما بنا به خواست بازجویان اطلاعات و برای اینکه حق حیات و زندگی ام را از آنها بگیرم در دادگاه حاضر شدم و خواسته های آنها را بر کاغذ آورده و بعنوان اعمال خودم ثبت نمودم.»¹⁸⁸

وکیل روحی نژاد، خلیل بهرامیان، که وکیل متهم دیگری به نام احمد کریمی نیز هست، در باره این پرونده گفت:

«آقای مرتضوی دادستان وقت مطابق معمول که همیشه این کار را می کرد سعی کرده یک سناریو سنگینی ایجاد کند و یک دادگاهی تشکیل دهد و این مسائل را در ذهن مردم ایران به یک نحوی غیر واقعی بنمایاند. که اصلا این ها ارتباطی کلا به اعتراضات بعد از انتخابات نداشته اند و این ها قبلا دستگیر شده بودند و من خیلی صریح می توانم بیان کنم نه آقای علی زمانی نه دو موکل من اولاً هیچ کدام عضو و یا هوادار این سازمان نبوده اند و این سازمان را هم نمی شناخته اند، صرفاً سه نفر جوان با یک بچه کوچک، فرزند علی زمانی، رفتند عراق که از آن جا به خارج از کشور بروند و به دلیل فقر مادی و مشکلاتی که وجود داشت، موکل من با احمد کریمی با هماهنگی با وزارت اطلاعات به ایران بازگشتند و در کمال صمیمیت آن چیزی که بود را برای آنان توضیح دادند و گفتند.»¹⁸⁹

پنجمین مجازات اعدام - برای رضا کاظمی که در روز 23 خرداد دستگیر شده بود - در تاریخ 24 آبان اعلام شد. قوه قضاییه در تاریخ 26 آبان تایید کرد که تا آن زمان پنج مجازات اعدام صادر شده است.

بر پایه قانون ایران، اشخاص می توانند علیه محکومیت و حکم اعتراض کنند و حکم تجدید نظر باید پیش از اجرای حکم اعلام شود. مسئولان قوه قضاییه گفته اند که برخی از پرونده ها در تجدید رسیدگی شده و حکم های قطعی برای آنها صادر شده است.

برگزاری «دادگاه های نمایشی» دسته جمعی ماهیت خودسرانه نظام قضایی در ایران را به نمایش گذارد و در ضمن این واقعیت را عیان کرد که در موارد حساس سیاسی نظام قضایی از سرکوبی است در دست مقامات. در زمان نگارش، علاوه بر کسانی که به مرگ محکوم شده اند، بیش از 80 متهم به زندان های بعضاً طولانی مدت محکوم گشته اند.

بعضی از دستگیرشدگان مرتبط با انتخابات، به ویژه در خارج از تهران، به جای «دادگاه های نمایشی» مشروح در بالا، به تنهایی محاکمه شدند. بعضی از آنها را در خارج از حیطه اختیار قوه قضاییه نگه داشته بودند و اکثرشان گفته اند که تحت شکنجه و اذیت و آزارهای قرار گرفته اند، مراقبت پزشکی، دسترسی به وکیل و خانواده از آنها دریغ شده است. محاکمه های آنها نیز به شدت ناعادلانه بوده چون محاکمه در دادگاه های عمومی، انقلاب و دیگر دادگاه های ویژه در ایران معمولاً با موازین بین المللی محاکمه عادلانه سازگار نیستند.

ایمان صدیقی، 23 ساله، یکی از کسانی بود که به دور از «دادگاه های نمایشی» مورد محاکمه قرار گرفت. او یکی از هشت دانشجوی عضو انجمن اسلامی دانشگاه صنعتی نوشیروان بابل بود که در شهریور به اتهام اقدام علیه جمهوری اسلامی از طریق «شرکت در تجمع غیرقانونی»، «تحریک مردم به آشوب» و «تبلیغ علیه نظام» محکوم شناخته شد.¹⁹⁰ او به 10 ماه زندان محکوم و به مدت پنج سال از تحصیل محروم شد.

بعضی از کسانی که محاکمه شدند به شلاق محکوم شدند. برای مثال بنا به گزارش ها، در روز 21 آبان، سهیل نویدی یکتا، که در طی ناآرامی های انتخاباتی دستگیر شده بود، در شعبه 26 دادگاه انقلاب به هفت سال زندان و 74 ضربه شلاق محکوم شد. محاکمه به صورت غیرعلنی برگزار شده بود و اتهام های او «اقدام علیه امنیت ملی»، «تبلیغ علیه نظام» و «اختلال در نظم

8 - مصونیت از مجازات

«همه از این حق غیرقابل واگذاری برخوردارند که از حقیقت رویدادهای گذشته در باره وقوع جنایت های فجیع و شرایط و دلایلی که در اثر نقض گسترده یا سیستماتیک به وقوع چنین جنایاتی منجرشد با خبر شوند. اعمال کامل و مؤثر حق دانستن حقیقت تضمینی اساسی در مقابل تکرار موارد نقض حقوق بشر است.»¹⁹²

مبارزه با مصونیت از مجازات

منظور از مصونیت از مجازات «غیرممکن بودن قانونی یا عملی بازخواست کردن مرتکبان است - چه در موارد کیفری، مدنی، اداری چه انتظامی - چون آنها در معرض هیچ تحقیقی قرار نمی گیرند که بتوان آنها را متهم، دستگیر و محاکمه کرد، و در صورت محکومیت، به مجازات متناسب محکوم نمود و به قربانیان غرامت داد.»¹⁹³ قانون حقوق بشر کشورها را متعهد می سازد از نقض حقوق بشر جلوگیری کنند و با مصونیت از مجازات فورا، بی طرفانه و مستقلا مبارزه کنند و ادعاهای تعدی و نقض را مورد رسیدگی قرار دهند و کسانی را که منطقا گمان می رود مسؤل باشند به دست عدالت بسپارند. دولت ها باید به کسانی که تعدی ها را متحمل شده اند غرامت بدهند.

مقامات در باره آن چه برای بازداشتیان رخ داد، اظهارات ضد و نقیض زیادی کرده اند که حاکی از عدم تمایب به رسیدگی به موارد نقض حقوق بشر به دست مسؤلان است. همان طور که در بالا نشان داده شد، مقامات در ابتدا وقوع قتل ها را انکار کردند، اما بعدا بعضی از آنها را پذیرفتند. آنها تعداد کشته شدگان را بسیار کمتر از تعدادی اعلام کردند که مخالفان ثبت کرده اند و گفتند که تعداد کل تعدادی از ماموران امنیتی را نیز در برمی گیرد. اما، هیچ لیستی از فوت شدگان تا کنون منتشر نشده است.

مقامات در ابتدا انکار کردند که جنازه هایی مخفیانه دفن شده است. سپس تحقیقاتی در باره این ادعا شروع کردند ولی نتایج آن را منتشر نکردند. آنها سعی کردند تقصیر برخی از قتل ها را به گردن خارجیان و گروه های مخالف بیندازند، و افرادی را پیش آوردند که به دروغ ادعا کردند همان مقتولان هستند.

در روزهای اول ناآرامی ها، مقامات انکار کردند که کسی در کهریزک فوت کرده است و تنها پس از اعلام مرگ محسن روح الامینی، رامین قهرمانی و محمد کامرانی ناچار از پس گرفتن این حرف شدند. حتا در آن زمان هم ادعا کردند که علت مرگ منژیت بوده و نه شکنجه ای که

آن سه نفر در بازداشت متحمل شده بودند، تا این که گزارش های پزشکی قانونی نتایج دیگری را به نمایش گذاشت.

مرگ مشکوک دکتر رامین پوراندراجانی

این نگرانی و ترس وجود دارد که مقامات افراد مطلع از تعدی ها را هدف گرفته باشند. در روز 19 آبان، جسد بی جان دکتر جوانی به نام رامین پوراندراجانی در اتاقش در یک مرکز پزشکی تهران پیدا شد. فرمانده نیروی انتظامی تهران در روز 27 آبان گفت که دکتر پوراندراجانی در اثر افسردگی خودکشی کرده است، چون به دادگاه احضار شده بود و به اتهام های اعلام نشده با حکم احتمالی زندان به مدت پنج سال روبرو بود. خانواده او امکان خودکشی را به عنوان دلیل مرگ رد کردند و به روحیه خوب او در صحبت تلفنی شب پیش از مرگش و اطلاعات متناقض دریافتی از مقامات استناد کردند.

در طی ناآرامی های پس از انتخابات، دکتر پوراندراجانی به عنوان پزشک رزیدنت کهریزک مشغول خدمت و وظیفه اش بود. در طی بازدیدهای هفتگی اش از آنجا در این سمت او باید به زندانیانی که شکنجه شده بودند رسیدگی کرده باشد. در پی دستور تعطیلی کهریزک، گویا رامین پوراندراجانی یک هفته بازداشت و وادار به امضای یک گواهی شد که محسن روح الامینی (نگاه کنید به فصل 6 در بالا) از مننژیت مرده است.

پس از آزادی، دکتر پوراندراجانی نزد کمیته ویژه مجلس شهادت داد و ظاهرا روز پیش از مرگش با نمایندگان مجلس دیدار کرد. گفته می شود او تهدید شده بود تا دست از افشای حقیقت در باره نقض حقوق بشر در کهریزک بردارد. گویا به دوستانش گفته بود که نگران جان خویش است. روشن نیست او چرا با اتهام های کیفری روبرو بوده است.

دادستانی تهران در روز 25 آبان اعلام کرد که دستور انجام تحقیقات در باره مرگ دکتر پوراندراجانی صادر شده است.¹⁹⁴ این تحقیقات که باید کاملا با اصول سازمان ملل برای پیشگیری مؤثر از اعدام های فراقضایی، خودسرانه و شناخته و تحقیق در باره آنها سازگار باشد، باید به عنوان یک مساله اضطراری تکمیل و یافته های آن منتشر شود. در صورتی که کسی مسؤل مرگ دکتر پوراندراجانی شناخته شود، باید فوراً و عادلانه و بدون توسل به مجازات اعدام به دست عدالت سپرده شود.

مقامات به شدت مایل هستند ادعاهای مربوط به تجاوز را تکذیب کنند. در روز 19 مرداد، علی لاریجانی، رئیس مجلس، یک کمیسیون ویژه مجلس را برای تحقیق در باره ادعاهای تجاوز و شرایط بازداشتیان در طی ناآرامی های پس از انتخابات که مهدی کروبی منتشر کرده بود، منصوب نمود. دو روز بعد، او از طرف کمیسیون اعلام کرد که ادعاهای تجاوز بی پایه بوده و «در بررسی های دقیق و جامع انجام شده از بازداشت شدگان در کهریزک و اوین هیچ گونه موردی که مبتنی بر آزار و تجاوز جنسی باشد، مشاهده نگردیده است.»¹⁹⁵ در روز 3 شهریور، فرهاد تجری، یکی از اعضای کمیسیون ویژه مجلس، نیز گفت که ادعاهای مهدی کروبی در باره تجاوز به بازداشتیان «بی پایه» هستند.¹⁹⁶ اما، کمیسیون ویژه مجلس به هیچ وجه مشروح یافته هایش را منتشر نکرده است. فرهاد تجری در روز 22 آبان گفت که یک گزارش محرمانه به رئیس مجلس تقدیم شده است.¹⁹⁷

اما فرمانده نیروی انتظامی، سردار اسماعیل احمدی مقدم در روز 18 مرداد پذیرفته بود که زندانیان مورد تعدی قرار گرفته اند،¹⁹⁸ و همان طور که در بالا خاطر نشان شد، یکی از اعضای کمیسیون ویژه مجلس، که مایل بود ناشناس بماند، به وبگاه پارلمان نیوز گفت: «تجاوز با باتوم و شیشه نوشابه به برخی از بازداشت‌شدگان حوادث پس از انتخابات برای ما محرز شده است.»¹⁹⁹

در روز 7 شهریور، آیت الله صادق لاریجانی، رئیس قوه قضاییه، هیأتی سه نفره را برای بررسی ادعاهای شکنجه بازداشتیان و اذیت و آزارهای دیگر منصوب کرد. اعضای این هیأت علی خلفی، مدیر دفتر رئیس قوه قضاییه، غلامحسن اژه ای، دادستان کل که در زمان انتخابات وزیر اطلاعات بود، و ابراهیم رئیسی، معاون رئیس قوه قضاییه، بودند.

به گزارش تلویزیون ایران، وظیفه این هیأت به شرح زیر بود: «نظر به ضرورت رسیدگی عادلانه، قاطع و سریع به پرونده های متشکله مربوط به حوادث اخیر و اغتشاشات پس از حماسه ملی انتخابات ریاست جمهوری و کوی دانشگاه و بازداشتگاه کهریزک و لزوم پیگیری مستمر و نظارت بر روند دادرسی و شناسایی عوامل و مسببان اصلی و برخورد قانونی و قاطع با متخلفین در هر رتبه و هر جایگاهی که باشند، مقرر می دارد بر کلیه مراحل رسیدگی اعم از تحقیقات دادرسی و محاکمات دادگاهی، ضمن رعایت کلیه ضوابط قانونی و حقوق متهمین، نظارت مستمر به عمل آید و مراتب را به اینجانب گزارش نمایید.»²⁰⁰

دو هفته بعد، در روز 21 شهریور، غلامحسین اژه ای گفت که هیأت «هیچ‌گونه مدرکی دال بر تجاوز جنسی به افراد مورد ادعای کربوبی» پیدا نکرده است. او ضمناً گفت که ادعاها «ساختگی و برای انحراف افکار عمومی تنظیم شده است» و خواستار اقدام قضایی علیه افرادی شد که دروغ گفته اند و افترا زده اند و به این ترتیب به شهرت دولت لطمه زده اند.²⁰¹ روز بعد، مصاحبه ای با غلامحسین اژه ای از تلویزیون پخش شد که در آن او تکرار کرد که تمام ادعاهای مهدی کربوبی «کاملاً غیرواقعی بود و یک جریان سیاسی این وقایع پس از انتخابات را هدایت می کند.»²⁰²

جزئیات کامل اختیارات و وظایف هیچ یک از دو هیأت فاش نشده و یافته های کمیسیون مجلس منتشر نشده است. سرعت به کاررفته در تکذیب ادعاهای فراوان در باره نقض جدی حقوق بشر به دست ماموران دولت، که اغلب با مدارک ویدئویی و گواهی شاهدان مستدل شده است، جو بهره مندی نیروهای امنیتی را از مصونیت از مجازات تقویت و بر ضرورت تحقیقات کامل و مستقل و فراگیر در باره تعدی های مورد ادعا تاکید کرد.

مقامات گام های دیگری نیز برای سرپوش گذاشتن بر حقیقت برداشته اند. اول، کسانی که علناً زندانیان را به تجاوز متهم کرده اند، هدف نقض بیشتر حقوق بشر قرار گرفته اند. به نظر می رسد که مقامات به آنها به عنوان کسانی که نیازمند مراقبت ویژه، دادخواهی و غرامت هستند نگاه نمی کنند، بلکه به علت افشای حقیقت در باره جنایت هایی که تحمل کرده اند، آنها را به عنوان خطر برای دولت می بینند.

دوم، در تاریخ 16 شهریور، تنها چند روز پیش از انتشار یافته های هیأت قضایی در باره ادعاهای تجاوز، نیروهای امنیتی به دفاتر کمیته پیگیری وضعیت زندانیان و آسیب دیدگان وقایع اخیر حمله و آن را تعطیل کردند. این کمیته در پی دیداری بین مهدی کربوبی، میرحسین موسوی و رئیس جمهور پیشین خاتمی برای گردآوری مدارک تعدی ها در بازداشت تشکیل شده بود.

ماموران امنیتی به دستور دادستان کل کامپیوترها، پرونده ها و مدارک دیگر را از دفاتر کمیته توقیف و ضبط کردند. **مرتضی الویری** (نگاه کنید به فصل 4 در بالا) و **علیرضا بهشتی**، به ترتیب مشاوران مهدی کروبی و میرحسین موسوی، که با کمیته کار می کردند، هر دو در 17 شهریور دستگیر شدند.²⁰³ علیرضا بهشتی در تاریخ 21 شهریور و مرتضی الویری در تاریخ 9 آبان آزاد شدند. **محمد رضا مقیسه**، که با کمیته همکاری می کرد، در تاریخ 22 مهر در خانه اش دستگیر شد و در زمان نگارش هنوز در بازداشت به سر می برد.²⁰⁴

به علاوه در تاریخ 17 شهریور، مقامات قضایی دفتر انجمن دفاع از حقوق زندانیان را تعطیل کردند. این انجمن هم، که به وسیله فعال حقوق بشر عمادالدین باقی تشکیل شده بود، به گردآوری اطلاعات در باره شکنجه و تعدی های دیگر علیه بازداشتیان می پرداخت.

در همان روز، مقامات دفاتر مهدی کروبی و حزب اعتماد ملی او را بستند. **محمد داوری**، سردبیر نشریه آنلاین حزب، سهام نیوز، دستگیر شد. به رغم دستور آزادی او به قید وثیقه که دو روز بعد از دستگیریش صادر شد، او در بند 209 زندان اوین در بازداشت ماند و گویا محاکمه شد، از جمله در جلسه ای به تاریخ 1 آذر. او با اتهام «فعالیت تبلیغی علیه نظام، اجتماع و تبانی به قصد برهم زدن امنیت کشور» روبرو بود.

گزارش های دریافتی تا مهر ماه حاکی بود که تنها کسانی که ادعا می شود در بازداشتگاه کهریزک با بازداشتیان بدرقتاری کرده اند تحت پیگرد قرار خواهند گرفت و هیچ کوشش سیستماتیکی برای بازخواست کردن از نیروهای امنیتی برای تجاوزها و تعدی های دیگر در بازداشتگاه ها و زندان های دیگر یا در خیابان ها انجام نخواهد شد.

خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران در تاریخ 21 مهر ماه گزارش داد که از مهدی کروبی به خاطر ادعای شکنجه شکایت شده است.²⁰⁵ از زمانی که کروبی این ادعاها را مطرح کرد، اکثر قربانیان ادعایی که نزد کروبی شهادت داده اند از ترس جان خود و خانواده هایشان به خارج از ایران گریخته اند.

عفو بین الملل از مقامات می خواهد که برای پایان دادن به مصونیت از مجازات در مورد موارد نقض حقوق بشر، از جمله موارد قتل های غیرقانونی و تجاوز و شکنجه های دیگر که در این گزارش مورد تاکید قرار گرفته، با انجام تحقیقات کامل، مستقل و بی طرفانه در باره نقض حقوق بشر، گام های فوری و مشخص بردارند. چنین تحقیقاتی باید با این هدف انجام شود که اشخاص مسؤل در دادگاه هایی که با موازین بین المللی حقوق بشر سازگار هستند و بدون توسل به مجازات اعدام به دست عدالت سپرده شوند.

9 - نتایج و توصیه ها

«من نزد کمیتهء مهدی کروبی شهادت دادم ولی آنها رفتند و همه چیز را دزدیدند. اگر می توانستم در ایران به عدالت دست پیدا کنم، از ایران فرار نمی کردم؛ حتا بیش از یک ساعت در اینجا نمی ماندم...» ابراهیم شریفی²⁰⁶

انتخابات ریاست جمهوری در ایران در خرداد 1388 بسیج توده ای مردمی را دامن زد که مصمم بودند حقوق بنیادی آزادی بیان، تجمع و تشکل خود را مورد استفاده قرار دهند. این بسیج حاکمیت را لرزاند و عناصری از آن بیشتر به ابزار از پیش آزموده و آزمایش شده سرکوب متوسل شدند. نیروهای امنیتی که مطمئن بودند می توانند با مصونیت از مجازات عمل کند به دستگیری های خودسرانه، قتل های غیرقانونی، شکنجه و تعدی های بسیار دیگر دست زدند.

هیچ یک از بخش های حکومت، نه مجلس و نظام قضایی، نه مسؤلان محلی یا فرماندهان نیروهای امنیتی، نتوانسته اند به چالش های ناشی از ناآرامی های پس از انتخابات پاسخ دهند. در نتیجه، موارد جدی نقض حقوق بشر درست مورد تحقیق قرار نگرفته است. با تداوم بی وقفه روند نقض حقوق بشر، مصونیت از مجازات در اوج است. و قربانیان و خانواده هایشان از حقیقت، دادخواهی و غرامت، شامل تضمین این که همان جنایت ها دوباره تکرار نشود، بی بهره مانده اند.

برپایه میثاق بنی المللی حقوق مدنی و سیاسی، ایران متعهد است طیف گسترده ای از حقوق بشر، از جمله حق تجمع مسالمت آمیز و آزادی بیان و تشکل را به رسمیت بشناسد و از آنها محافظت کند. ایران ضمناً متعهد است از حقوق بازداشتیان، از جمله حق تفهیم اتهام سریع، دسترسی به وکیل دلخواه، دسترسی سریع به خویشاوندان، محافظت از شکنجه و بدرفتاری های دیگر، و محاکمه عادلانه حمایت کند. ایران منظم تمامی این حقوق را نقض کرده و در طی ناآرامی های انتخاباتی و پس از آن این کار را در مقیاسی گسترده انجام داده است.

مواردی که در این گزارش شرح داده شده اند روند روشنی از نقض فاحش حقوق بشر به دست نیروهای امنیتی ایران با چشم پوشی از سوی چهره های قدرتمند سیاسی و مذهبی ایران یا حتا با تشویق آنها را به نمایش می گذارد. مقامات ایران می گویند قانون را اجرا می کنند و تعدی ها را تحمل نمی کنند. این اظهارات در نبود اقدام هدفمند برای تحقیق و پایان دادن به موارد نقض حقوق بشر بی اعتبار است.

توصیه ها

اقدام فوری و بنیادی برای مقابله با انواع نقض حقوق بشر که چندین دهه در ایران رخ داده و اینک به دست دستگاه دولتی که خود را در خطر می بیند تثبیت می شود، ضروری است. بررسی مستقل وضعیت حقوق بشر در ایران واجب است. بنابراین عفو بین الملل از مقامات ایران می خواهد دیدار گزارشگران سازمان ملل برای شکنجه و اعدام های فراقضایی، شتابزده و

خودسرانه از ایران را به عنوان مسأله ای اضطراری تسهیل کنند تا ارزیابی ها و توصیه های آنها به بازخواست از اشخاص مسؤل در صدور دستور یا ارتکاب نقض حقوق بشر کمک کند.

عفو بین الملل ضمناً از شاخه های مختلف حکومت می خواهد که اقدامات زیر را نیز انجام دهند:

آزادی بیان، تشکل و تجمع

به آزادی عقیده، بیان، تشکل و تجمع، احترام بگذارید از جمله با بازنگری در قوانین با هدف الغا یا اصلاح تمامی مقررات مبهمی که برای محدود کردن آزادی عقیده، بیان، تشکل و تجمع قابل استفاده هستند یا علیه زنان یا اعضای اقلیت های قومی، مذهبی و دیگر اقلیت ها تبعیض قائل می شوند.

رسماً اعلام کنید که قوانین ایران و بین المللی به مردم اجازه شرکت در راه پیمایی های مسالمت آمیز را می دهند.

تضمین کنید که موازین بین المللی مربوط به آزادی بیان، تشکل و تجمع در دانشگاه ها و موسسات دانشگاهی دیگر از طریق تضمین استقلال موسسات آموزش عالی و پایان دادن به آزار کادر آموزشی رعایت شود.

دستگیری ها و بازداشت های خودسرانه

تمامی زندانیان وجدانی را آزاد کنید: تمامی کسانی را که در ایران به علت باورهای سیاسی، مذهبی و دیگر باورهای وجدانی، منشأ قومی، زبان، منشأ ملی یا اجتماعی، تمایل جنسی یا شأن دیگری که خشونت یا تنفر تبلیغ نکرده اند.

پرونده های تمام زندانیانی را که به دلایل سیاسی بازداشت هستند، از جمله کسانی را که پس از «دادگاه های نمایشی» محکوم شده اند، مورد بازنگری قرار دهید؛ کسانی را که هنوز محاکمه نشده اند آزاد کنید مگر این که بنا باشد سریع و عادلانه بر اساس اتهام های مشخص کیفری، با بهره مندی از وکیل دلخواه و با امکان احضار و پرسش متقابل از شاهدان، مورد محاکمه قرار گیرند.²⁰⁷

تضمین کنید که تمام دستگیری ها بر پایه موازین بین المللی حقوق بشر و به دست ماموران اجرای قانون که طبق قانون اختیار دستگیری دارند، انجام شود.

ماده 15 آئین دادرسی کیفری را اصلاح و اختیار دستگیری به وسیله ماموران بسیج را حذف کنید و تضمین کنید که تمام تصمیم های شورای عالی امنیت ملی مربوط به هویت مامورانی که موقتاً اختیار دستگیری دارند منتشر شود.

قوانینی برای تضمین حق تمام بازداشتیان به داشتن وکیل از لحظه دستگیری در قانون و عمل تصویب کنید.

رعایت حقوق تمامی بازداشتیان را تضمین کنید، از جمله با تضمین این که اتهام جرم کیفری مشخص سریع به آنها تفهیم شود یا آزاد شوند.

قتل های غیرقانونی و به کارگیری زور و خشونت مفرط

به برقراری نظم راه پیمایی ها به وسیله بسیج پایان دهید.

تضمین کنید که تمام ماموران امنیتی که برای برقرار نظم در تجمع ها اعزام می شوند از آموزش برخوردار باشند و در موارد مربوطه به آنها دستور استفاده از روش های

غیرکننده برای کنترل جمعیت صادر شود. موازین بین المللی حقوق بشر، شامل مقررات رفتاری سازمان ملل برای ماموران اجرای قانون و اصول پایه ای سازمان ملل برای استفاده از خشونت و اسلحه گرم به وسیله ماموران اجرای قانون، باید کاملاً رعایت شود. به ویژه، تضمین کنید که استفاده عمدی و کشنده از سلاح گرم مجاز نباشد مگر به عنوان آخرین وسیله برای حفظ حیات. نیروهای امنیتی را ملزم کنید مطالب مربوطه در برنامه 14 ماده ای پیشگیری از اعدام های فراقضایی عفو بین الملل²⁰⁸ را در برنامه آموزشی و عملی خود بگنجانند. قوانینی را به منظور تقویت پاسخگویی افراد به مراجع دولتی تصویب کنید.

شکنجه و بدرفتاری های دیگر

تضمین های موثری ایجاد کنید تا اطمینان حاصل شود که هیچ کس شکنجه نمی شود یا تحت اذیت و آزارهای دیگر قرار نمی گیرد، از جمله با تضمین این که هیچ کس در انفرادی بازداشت نشود و تمام بازداشتیان از حقوق خود مطلع شوند، دسترسی فوری و منظم به خانواده هایشان، وکلا و پزشکان داشته باشند. به مجازات بی رحمانه، غیرانسانی و تحقیرآمیز شلاق پایان دهید. گام هایی برای پیوستن به کنوانسیون سازمان ملل برضد شکنجه (CAT) بردارید و رسماً خود را به برنامه زمان بندی شده تصویب آن متعهد کنید. به عنوان گام اول تصویب آن، طبق مقررات CAT:

- به صراحت تمام شکل های شکنجه و رفتارها یا مجازات های بی رحمانه، غیرانسانی و تحقیرآمیز را صرفنظر از قصد، در قانون ممنوع کنید.
- تضمین کنید که تمام اقدامات از این نوع به عنوان جرائم کیفری شناخته شوند و با مجازات های قابل کیفر باشند که بدون توسل به مجازات اعدام جدیت آن جرائم را بازتاب دهند.
- تضمین کنید که اظهاراتی که تحت شکنجه یا بدرفتاری های دیگر به دست می آید به عنوان مدرک در روند قضایی به کارگرفته نشود مگر علیه اشخاص متهم به شکنجه به عنوان مدرک این که چنین اظهاراتی انجام شده است.

مستقل از مواد مربوط به زنا و لواط، ماده ای تصویب کنید که تجاوز به مردان و زنان، شامل تجاوز به وسیله یک شیئی، و هر خشونت جنسی دیگر را جرم محسوب کند و تجاوز در زندان به وسیله ماموران را شکنجه به حساب آورد. یک کمیسیون قضایی برای گردآوری و انتشار اطلاعات مربوط به گستره شکنجه، شامل تجاوز و تعدی های جنسی دیگر در زندان تشکیل دهید و اقدامات مؤثری برای جلوگیری از چنین جنایات هایی به عمل آورید. رسماً تجاوز به وسیله ماموران، شامل تجاوز به وسیله اشیا، به مردان و زنان را محکوم کنید و پیام روشنی به تمام نیروهای امنیتی بدهید که تجاوز و تعدی های دیگر جنسی در زندان شکنجه به حساب می آید و مرتکبان آن به دست عدالت سپرده و به تناسب مجازات خواهند شد. سیستمی ایجاد کنید که به قربانیان خشونت جنسی و دیگر شکل های شکنجه یاری رساند تا زمانی که ارزیابی ها نشان دهد دیگر نیازی به کمک ندارند.

مجازات اعدام

توقف فوری اعدام ها را اعلام کنید.
گام هایی برای پایان دادن به اجرای مجازات اعدام در قانون و عمل بردارید.
تا پیش از آن، تضمین کنید که حداقل تمام دادگاه ها از موازین بین المللی محاکمه عادلانه در تمام موارد و به ویژه در پرونده های شامل مجازات اعدام پیروی کنند.

به مصونیت از مجازات پایان دهید

تحقیقات کامل، مستقل و غیرجانبدارانه ای در باره تمام ادعاهای نقض حقوق بشر، شامل ادعاهای مربوط به قتل های غیرقانونی و تجاوز و شکنجه های دیگر که در این گزارش برجسته شده، شروع کنید با این هدف که اشخاص مسؤل را در دادگاه هایی که موازین بین المللی حقوق بشر را رعایت می کنند بدون توسل به مجازات اعدام به دست عدالت بسپارید.

تضمین کنید که تمامی اعضای نیروهای امنیتی ایران که مشکوک به ارتکاب نقض حقوق بشر هستند تا انجام تحقیقات کامل در باره عملکرد آنها از خدمت معلق شوند. آن دسته از این اعضا که شکایتی علیه شان وجود دارد باید به دست عدالت سپرده شوند و مورد محاکمه عادلانه قرار گیرند.

روش ها و یافته های هیات قضایی و کمیسیون مجلس را که در باره نآرامی ها تحقیق کرده اند کامل منتشر کنید و اعلام کنید چه اقداماتی انجام شده و تضمین کنید که امکان پرسش از تمامی اعضای این هیأت ها وجود داشته باشد.

مشخص کنید که در مورد شهادت ها و مطالب دیگری که در تاریخ 16 شهریور از دفاتر انجن دفاع از حقوق زندانیان و کمیته پیگیری وضعیت زندانیان و آسیب دیدگان وقایع اخیر توقیف و ضبط شده چه اتفاقی افتاده است. تضمین بدهید که حداقل نمایندگان مجلس در مورد شکایت کسانی که در برابر این گروه ها شهادت داده اند عمل خواهند کرد.

رسمًا به مراجع امنیتی ایران اعلام کنید که ماده 9 قانون مدنی ایران آنها را به پیروی از مفاد میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی متعهد می سازد.
تضمین کنید که قاضیان در باره تمام ادعاهای شکنجه و بدرفتاری های دیگر نسبت به متهمان دستور تحقیق صادر کنند و اجازه ندهید «اعتراف» های اجباری به عنوان مدرک علیه متهمان به کار گرفته شود.

تضمین کنید که تمام کسانی که به خاطر شرکت در اعتراض های مسالمت آمیز یا ابراز نظریات غیرخشونت آمیزشان قربانی نقض حقوق بشر بوده اند، از جبران مؤثر، شامل غرامت کافی در تناسب با تعدی هایی که متحمل شده اند، برخوردار شوند.

همکاری با سازمان های حقوق بشری بین المللی

* توصیه های گروه تحقیق بازداشت های خودسرانه و گزارشگران سازمان ملل برای آزادی بیان، و خشونت علیه زنان را پس از دیدار از ایران به ترتیب در سال های 2003 و 2005، به اجرا درآورید.

توضیحات

لطفا توجه کنید که تمام پیوندها در تاریخ 4 دسامبر صحیح هستند.

¹ در مرداد 1367، درست پس از پایان جنگ ایران - عراق، تا کمی پس از دهمین سالگشت انقلاب اسلامی در بهمن 1367، مقامات ایران موج گسترده ای از اعدام زندانیان سیاسی را به راه انداختند، که بیشترین تعداد اعدام ها پس از اعدام های سال های اول و دوم انقلاب اسلامی در سال 1357 محسوب می شد. گمان می رود در مجموع بین 4500 تا 5000 زندانی، شامل زنان، کشته شده باشند.

² نگاه کنید به: عفو بین الملل، *ایران: تشدید سرکوب مخالفان با فرارسیدن انتخابات (Iran: Worsening Repression of dissent as election approaches)*، MDE 13/012/2009، بهمن 1387، <http://www.amnesty.org/en/library/info/MDE13/012/2009/en>

³ نگاه کنید به: اظهار نظر عمومی شماره 25 کمیته حقوق بشر: حق شرکت در امور همگانی، حق رای و حق دسترسی برابر به خدمات عمومی (ماده 25): 96/7/12، CCPR/C/21/Rev.1/Add.7، اظهار نظر عمومی شماره 25 (اظهار نظرهای عمومی)

⁴ نگاه کنید به: ایران: انتخابات آزاد ریاست جمهوری را تضمین کنید، (Iran: Ensure Free Presidential Election, MDE 13/046/2009)، <http://www.amnesty.org/en/library/info/MDE13/046/2009/en/>

⁵ علیرضا جمشیدی، سخنگوی قوه قضاییه در کنفرانس مطبوعاتی 20 مرداد 1388، <http://www.presstv.com/classic/Detail.aspx?id=103230§ionid=351020101>

⁶ دولت های آمریکا و انگلستان هرگونه دخالت را تکذیب کردند.

⁷ iran.alerts@googlemail.com و iranalert@amnesty.org

⁸ http://www.nehzateazadi.net/bayanieh/88/88_b_2101.htm و http://www.radiofarda.com/content/f3_nehzatazadi_Iran/1748153.html

⁹ http://www.radiofarda.com/content/f3_nehzatazadi_Iran/1748153.html

¹⁰ <http://www.amnesty.org/en/news-and-updates/news/iran-presidential-election-amid-unrest-and-ongoing-human-rights-violations-20090605> و <http://www.amnesty.org/en/library/asset/MDE13/053/2009/en/4e086bc7-ca74-4200-ac60-fd6cd1f0b081/mde130532009en.html>

¹¹ یدالله جوانی، رئیس دفتر سیاسی سپاه پاسداران، در اظهار نظرهایی که در وبگاه سپاه پاسداران منتشر شد، شماره 402، 18 خرداد، ص 8، به نقل از <http://www.sobhesadegh.ir/>

¹² عفو بین الملل به شورای نگهبان توصیه کرد که صلاحیت هیچ کس را صرفا به خاطر نژاد، رنگ، جنسیت، مذهب، منشأ اجتماعی یا عقاید سیاسی و نظریات دیگر رد نکنند. به ویژه، عفو بین الملل از شورای نگهبان خواست که مثل سال 1384 که تمام 89 زنی که ثبت نام کرده بودند رد صلاحیت شدند، صرفا به خاطر جنسیت مانع حضور زنان نشود.

¹³ در تاریخ 22 فروردین دکتر عباسعلی کدخدایی، سخنگوی شورای نگهبان، گفت که «هیچ مانع قانونی» در برابر نامزدی زنان وجود ندارد، گرچه پیش از آن سخنگوی دولت گفته بود که تنها مردان می توانند نامزد ریاست جمهوری شوند:

<http://www.tehrantimes.com/PDF/10563/10563-12.pdf>

- ¹⁴ برای مثال نگاه کنید به این اطلاعیه در کلمه سبز که تصویر آن را می توان در پیوند زیر دید:
<http://windowsoniran.files.wordpress.com/2009/06/i-will-not-surrender-1.jpg>
- ¹⁵ سخنرانی رهبر برای دانشجویان و دیگران، در سیمای جمهوری اسلامی ایران، شبکه 1، 4 شهریور 1388
- ¹⁶ احمدی نژاد می گوید تعدی به بازداشتیان «توطئه دشمن» بود:
<http://presstv.ir/detail.aspx?id=104682§ionid=351020101>
- ¹⁷ <http://www.farsnews.net/newstext.php?nn=8806070900>
- ¹⁸ فرهاد رهبر، رئیس دانشگاه تهران، در گفتگو با سیمای جمهوری اسلامی ایران، شبکه 1 در روز 28 خرداد 1388
- ¹⁹ نگاه کنید به: http://www.bbc.co.uk/persian/iran/2009/06/090615_ba-ir88-uni-unrest.shtml
http://www.bbc.co.uk/persian/iran/2009/06/090614_si_bd_ir88_kooyedaneshgah.shtml
- ²⁰ <http://news.gooya.com/politics/archives/2009/06/089450.php>
- ²¹ رادیو ایران مرگ هفت نفر را تایید کرد، اما به گزارش خبرگزاری فرانسه، خدمات اورژانس از مرگ هشت نفر اطلاع داشت. آ اف پ، 26 خرداد 1388
- <http://www.google.com/hostednews/afp/article/ALeqM5hP9dwL4yZk9JolWtLhvjKa2kYDEA>
- ²² <http://www.lefigaro.fr/international/2009/07/06/01003-20090706ARTFIG00225-des-medecins-iraniens-temoignement-de-la-repression-.php>
- ²³ http://hra-iran.net/index.php?option=com_content&view=article&id=1276:464&catid=103:107&Itemid=261
- ²⁴ فرمانده سپاه پاسداران تهران، عبدالله عراقی، در مصاحبه ای با ایرنا،
<http://www2.irna.ir/fa/news/view/menu-156/8807113497112922.htm>
- ²⁵ http://www.savalansesi.com/2009/06/blog-post_14.html
- ²⁶ سیمای جمهوری اسلامی ایران، تلویزیون استان اصفهان، 26 خرداد 1388
- ²⁷ <http://www.gerdab.ir/fa/pages/?cid=396>
- ²⁸ ماده 21 میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی می گوید: «حق تشکیل مجامع مسالمت آمیز به رسمیت شناخته می شود. اعمال این حق تابع هیچ گونه محدودیتی نمی تواند باشد جز آنچه بر طبق قانون مقرر شده و در يك جامعه دمکراتیک به مصلحت امنیت ملی یا ایمنی عمومی یا نظم عمومی یا برای حمایت از سلامت یا اخلاق عمومی یا حقوق و آزادیهای دیگران ضرورت داشته باشد.» <http://www.un-documents.net/iccpr.htm>
- ²⁹ ماده 27 قانون اساسی می گوید: «تشکیل اجتماعات و راه پیمایی ها، بدون حمل سلاح، به شرط آن که مخل به مبانی اسلام نباشد آزاد است.» http://www.servat.unibe.ch/law/icl/ir00000_.html
- ³⁰ نگاه کنید به:
<http://www.amnesty.org/en/library/asset/MDE13/060/2009/en/ac245529-1ed6-40a7-bdbe-9e0543805b47/mde130602009en.html>

<http://www.amnesty.org/en/news-and-updates/news/iran-supreme-leader-condones-violent-police-crackdown-on-protesters-20090619>

³¹ <http://english.mowjcamp.com/article/id/26442>

³² <http://www.gerdab.ir>

³³ صدای جمهوری اسلامی ایران، تهران، 5 تیر 1388

³⁴ نگاه کنید به:

<http://www.presstv.com/classic/Detail.aspx?id=103230§ionid=351020101>

³⁵ سپاه پاسداران در اطلاعیه ای به تاریخ 26 شهریور گفت: «به اشخاص و جریان‌هایی که در صدد ریختن آب به آسیاب دشمن صهیونیستی هستند هشدار می‌دهیم چنانچه قصد هرگونه اخلال و بی‌نظمی در راهپیمایی با شکوه روز قدس را داشته باشند با برخورد قاطع فرزندان شجاع و غیور ملت مواجه خواهند شد.» برای مثال نگاه کنید به:

<http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=8806260664>

³⁶ نگاه کنید به: <http://www.amnesty.org/en/news-and-updates/iranian-security-forces-condemned-after-clampdown-protesters-20091105>
<http://www.iranhumanrights.org/2009/11/purge/>

³⁷ نگاه کنید به: <http://www.rsf.org/Press-freedom-violations-recounted.html>

³⁸ سیمای جمهوری اسلامی ایران شبکه 1، 8 شهریور 1388

³⁹ نگاه کنید به: <http://news.gooya.com/politics/archives/2009/09/093141.php>

⁴⁰ نگاه کنید به مقاله ایرنا در

<http://www.iranculture.org/news/view.php?gid=1&id=12541178>

⁴¹ موج تازه تصفیه دانشگاهیان در رشته های علوم اجتماعی، 12 مهر 1388 در

<http://www.iranian.com/main/news/2009/10/05/new-wave-purges-social-science-academicians-iranian-universities>

⁴² ماده (1) 13 میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی می گوید: «کشورهای طرف این میثاق حق هر کس را به آموزش و پرورش به رسمیت می‌شناسند. کشورهای مزبور موافقت دارند که هدف آموزش و پرورش باید توسعه کامل شخصیت انسانی و احساس حیثیت آن و تقویت احترام حقوق بشر و آزادی‌های اساسی باشد. علاوه بر این کشورهای طرف این میثاق موافقت دارند که آموزش و پرورش باید کلیه افراد را برای ایفای نقش سودمند در يك جامعه آزاد آماده سازد و موجبات تفاهم و تساهل و دوستی بین کلیه ملل و کلیه گروه های نژادی - قومی یا مذهبی را فراهم آورد و توسعه فعالیت‌های سازمان ملل متحد را به منظور حفظ صلح تشویق نماید.»

⁴³ استقلال به این ترتیب تعریف می شود: «میزان خودگردانی لازم برای تصمیم گیری مؤثر موسسات آموزش عالی در ارتباط با فعالیت دانشگاهی، موازین، مدیریت و فعالیت های مربوطه شان.»

⁴⁴ اظهار نظر عمومی در باره ماده 13 میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بند 39

⁴⁵ خبرگزاری کار ایران، 19 مهر 1388 <http://www.ilna.ir/newstext.aspx?ID=82535>

⁴⁶ ماده 3 کنوانسیون حقوق کودک می گوید: «در تمام اقدامات مربوط به کودکان که توسط مؤسسات رفاه اجتماعی عمومی و یا خصوصی، دادگاه ها، مقامات اجرائی، یا ارگان های حقوقی انجام می‌شود، منافع کودک از اهم ملاحظات است.» ماده 19 می گوید: «کشورهای طرف کنوانسیون تمام اقدامات قانونی، اجرایی، اجتماعی و آموزشی را در جهت حمایت از کودک در برابر تمام اشکال خشونت‌های جسمی و روحی، آسیب‌رسانی یا

سوءاستفاده، بی‌توجهی یا سهل‌انگاری، بدرفتاری یا استثمار منجمله سوءاستفاده جنسی در چینی که کودک تحت مراقبت والدین یا قیم قانونی یا هر شخص دیگری قرار دارد، به عمل خواهند آورد.» ماده ب (1) 29 می‌گوید: «آموزش و پرورش کودکان در جهت توسعه احترام به حقوق بشر و آزادیهای اساسی و اصول مذکور در منشور سازمان ملل خواهد بود.»

⁴⁷ پرس تی وی به انگلیسی، 27 فروردین 1388،

<http://www.presstv.ir/classic/detail.aspx?id=91616§ionid=351020101>

⁴⁸ اظهارات علیرضا ملکیان، معاون وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در امور مطبوعات و اطلاع رسانی،

<http://www.mardomsalari.com/Template1/Article.aspx?AID=7801#52120>

⁴⁹ نگاه کنید به: <http://www.amnesty.org/en/news-and-updates/news/iran-presidential-election-amid-unrest-and-ongoing-human-rights-violations-20090605>

⁵⁰ خیرگزاری فرانسه، 23 خرداد 1388

⁵¹ به خبرنگار بی بی سی در تهران دستور داده شد تهران را ترک کند، پرس تی وی 31 خرداد 1388،

<http://www.presstv.ir/detail/98678.htm?sectionid=351020101>

⁵² نگاه کنید به:

http://www.bbc.co.uk/blogs/theeditors/2009/06/stop_the_blocking_now.html

⁵³ نگاه کنید به: <http://www.amnesty.org/en/library/info/MDE13/062/2009/en>

⁵⁴ نگاه کنید به: <http://www.newsweek.com/id/223862/page/10>

⁵⁵ نگاه کنید به: <http://www.amnesty.org/en/news-and-updates/news/iran-Journalists-detained-as+news-restrictions-tighten-20090626>

⁵⁶ نگاه کنید به: <http://www.amnesty.org/en/library/info/MDE13/092/2009>

⁵⁷ نگاه کنید به: <http://www.rsf.org/Press-freedom-violations-recounted.html>

⁵⁸ <http://www.irna.ir/View/FullStory?NewsId=717710>

⁵⁹ هیأت نظارت بر مطبوعات زیر نظر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی فعالیت می‌کند و از اختیار لغو پروانه، منع انتشار و ارجاع شکایت‌ها به دادگاه ویژه مطبوعات برخوردار است.

⁶⁰ <http://www.ilna.ir/newsText.aspx?ID=87044>

⁶¹ برای مثال نگاه کنید به: <http://www.akhbar-rooz.com/news.jsp?essayId=25038>

⁶² ILNA, 13 November 2009.

⁶³ <http://www.amnesty.org/en/news-and-updates/news/iranian-web-crime-unit-designed-silence-dissent-20091116>

⁶⁴ <http://www.ilna.ir/newsText.aspx?ID=89192>

⁶⁵ نگاه کنید به: کمیته حقوق بشر، اظهار نظر عمومی 10: آزادی بیان، 29 ژوئن 1983، بند 4

⁶⁶ روزنامه انگلیسی گاردین فهرستی از بیش از 1000 نفر فراهم آورده که گفته می‌شود در طی ناآرامی‌ها کشته یا بازداشت شده‌اند. نگاه کنید به:

<http://www.guardian.co.uk/news/datablog/2009/nov/04/iran-dead-detained-protests-elections>

67 نگاه کنید به ماده های 4-15 و 5-15

68 نگاه کنید به: <http://www.schrr.net/spip.php?article6350>

69 اظهار نظر عمومی 29: وضعیت اضطراری، CCPR/C/21/Rev.1/Add.11، 31 آگوست 2001، بند

11

70 کنوانسیون بین المللی حمایت از تمام اشخاص در برابر ناپدید شدن قهری در ماده 2 ناپدید شدن قهری را به این ترتیب تعریف می کند: «دستگیری، بازداشت، ربایش یا هر شکلی از محرومیت از آزادی به دست ماموران دولت یا اشخاص یا گروه هایی از اشخاص که با اجازه، حمایت یا رضایت دولت عمل می کنند، و سپس سرباز زدن از تأیید محرومیت از آزادی از طریق پنهان کردن سرنوشت یا مکان شخص ناپدید شده، که آن شخص را از حمایت قانون خارج می کند.»

71 فهرست تعدادی از بازداشتیان که «مورد رسیدگی» قرار گرفته بود بالاخره در بیرون ساختمان اصلی دادگاه در تهران نصب شد. نگاه کنید به: <http://www.amnesty.org/en/news-and-updates/news/list-iranian-detainees-20090713>

72 نامه کمیته دانشجویی دفاع از زندانیان سیاسی به عفو بین الملل

73 <http://www.adapp.info/monthly-report-adapp-june-2009>

74 <http://www.guardian.co.uk/world/2009/jul/12/iran-tehran-university-students-police>

75 <http://www.amnesty.org/en/news-and-updates/page/arrests-in-iran>

76 See <http://www-secure.amnesty.org/en/library/info/MDE13/058/2009/en> و <http://www.amnesty.org/en/library/info/MDE13/068/2009/en>

77

http://www.jebhemelli.net/htdocs/Articles_in_English/2009/KazemzadehM_Solidarity.htm

78 <http://www.jamejamonline.ir/newstext.aspx?newsnum=100921448618>

79 وبگاه خبرگزاری فارس، 18 تیر 1388،

<http://www.farsnews.net/newstext.php?nn=8804180457>

80 <http://www.amnesty.org/en/news-and-updates/ayatollah-must-retract-iran-election-comments-20091029>

81 <http://www.amnesty.org/en/news-and-updates/news/iran-must-overturn-sentences-issued-post-election-show-trial-20091021> و <http://www.amnesty.org/en/news-and-updates/ayatollah-must-retract-iran-election-comments-20091029>

82 برای اطلاعات بیشتر نگاه کنید به:

<http://www.amnesty.org/en/library/info/MDE13/073/2009/en> و <http://www.amnesty.org/en/library/info/MDE13/084/2009/en>

83

http://www.facebook.com/posted.php?id=79757303129&share_id=150455629450#div_story_150455629450_150455629450

⁸⁴ <http://www.javanefarda.com/News.aspx?ID=1570> and
<http://www.khabaronline.ir/news.aspx?id=16311>

⁸⁵ <http://www.mowjcamp.com/article/id/42586>

⁸⁶ دادگاه ویژه روحانیت، که به پرونده های روحانیون رسیدگی می کند، جزئی از قوه قضاییه نیست و رئیس آن را مقام رهبری منصوب می کند. تنها روحانیون صاحب سمت در دادگاه می توانند به عنوان وکیل مدافع در آن عمل کنند و این دادگاه، همچون دادگاه های دیگر در ایران، می تواند برای برخی از جرائم مجازات اعدام صادر کند.

⁸⁷ <http://english.mowjcamp.com/article/id/32812>

⁸⁸ <http://www.amnesty.org/en/library/info/MDE13/079/2009/en>

⁸⁹ <http://www.amnesty.org/en/library/info/MDE13/059/2009>

⁹⁰ <http://www.amnesty.org/en/library/info/MDE13/090/2009/en>

⁹¹ <http://www.amnesty.org/en/news-and-updates/news/prominent-lawyer-banned-leaving-iran-20091002>

⁹² <http://www.amnesty.org/en/library/info/MDE13/064/2009/en> و
<http://www.amnesty.org/en/library/info/MDE13/065/2009/en>

⁹³ برای متن کامل کیفرخواست به انگلیسی نگاه کنید به: <http://tinyurl.com/y9ne2wh>

⁹⁴ <http://www.amnesty.org/en/library/info/MDE13/076/2009/en> و
<http://www.amnesty.org/en/library/info/MDE13/080/2009/en>

⁹⁵ <http://www.amnesty.org/en/library/info/MDE13/098/2009/en> و
<http://www.amnesty.org/en/library/info/MDE13/101/2009/en>

⁹⁶ <http://www.schrr.net/spip.php?article6350>

⁹⁷ نامه کمیته دانشجویی دفاع از زندانیان سیاسی به عفو بین الملل

⁹⁸ نامه کمیته دانشجویی دفاع از زندانیان سیاسی به عفو بین الملل

⁹⁹ <http://parezeran.wordpress.com/2009/02/20/yaser-goli's-15-year-jail-sentence-has-been-upheld-by-the-court-of-appeal-in-kurdistan/>

¹⁰⁰ نگاه کنید به *ایران: تشدید سرکوب دگراندیشی با نزدیک شدن انتخابات* (Iran: Worsening repression of dissent as election approaches) در
<http://www.amnesty.org/en/library/info/MDE13/012/2009/en>

¹⁰¹ برای مثال نگاه کنید به: <http://www.amnesty.org/en/news-and-updates/news/seven-religious-minority-members-face-execution-in-iran-20090710>

¹⁰² ماده (1) 15 میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی می گوید: «هیچ کس به علت فعل یا ترك فعلی که در موقع ارتکاب بر طبق قوانین ملی یا بین المللی جرم نبوده محکوم نمی شود و همچنین هیچ مجازاتی شدیدتر از آنچه در زمان ارتکاب جرم قابل اعمال بوده تعیین نخواهد شد. هرگاه پس از ارتکاب جرم قانون مجازات خفیفتری برای آن مقرر دارد مرتکب از آن استفاده خواهد نمود.»

¹⁰³ نام کامل او را به دلایل امنیتی ذکر نکرده ایم.

104 در بعضی موارد، ممکن است به کارگیری گلوله های واقعی در مقابل اعتراض های خشونت آمیز قانونی باشد، اما این مساله را تنها در صورتی می توان مشخص کرد که در باره حوادث تحقیقات مستقلی انجام شود.

105 نگاه کنید به: <http://www.presstv.ir/detail.aspx?id=103107>

106 مقامات در تیر ماه گفتند که هشت تن از اعضای بسیج در طی اعتراض ها در گذشته اند، اما جزئیات بیشتری ارائه نکردند. نگاه کنید به: <http://www.isna.ir/ISNA/NewsView.aspx?ID=News-1361451&Lang=P> اما در روز 8 شهریور، فرمانده سپاه پاسداران گفت که 20 بسیجی در «حملات و ترورهای کور» کشته شده اند ولی تعداد معترضان کشته شده فقط نه نفر بوده است. نگاه کنید به:

http://www.bbc.co.uk/persian/iran/2009/08/090829_bd_jafari_guard.shtml

107 نگاه کنید به: <http://www.etemaad.ir/Released/88-06-19/150.htm#158703>

108 نگاه کنید به: <http://english.mowjcamp.com/article/id/26442>

109 <http://norooznews.org/news/12948.php>

110 «شکنجه، قتل و تجاوز» - روش ایران برای درهم شکستن مخالفان»، تایمز، 27 شهریور 1388، نگاه کنید به:

http://www.timesonline.co.uk/tol/news/world/middle_east/article6839335.ece

111 نگاه کنید به: <http://norooznews.org/news/13567.php>

112 «شکنجه، قتل و تجاوز» - روش ایران برای درهم شکستن مخالفان»، تایمز، 27 شهریور 1388، نگاه کنید به:

http://www.timesonline.co.uk/tol/news/world/middle_east/article6839335.ece

113 نگاه کنید به: <http://www.etemaad.ir/Released/88-06-04/150.htm>

114 وبگاه روزنامه اعتماد، 4 شهریور 1388. نگاه کنید به:

http://zamaaneh.com/news/2009/08/post_10242.html

115 نگاه کنید به: <http://www.ilna.ir/newstext.aspx?ID=74213>

116 نگاه کنید به: <http://www.asriran.com/fa/pages/?cid=82326>

117 نگاه کنید به: <http://www.guardian.co.uk/world/2009/jul/12/iran-tehran-university-students-police>

118 <http://riseoftheiranianpeople.com/2009/07/19/a-doctors-appalling-recollections-of-bloody-saturday/> خاطره های اسفناک یک دکتر از شنبه خونین

119 نگاه کنید به: <http://www.presstv.ir/detail.aspx?id=98745>

120 نگاه کنید به: <http://english.mowjcamp.com/article/id/26442>

121 «شکنجه، قتل و تجاوز» - روش ایران برای درهم شکستن مخالفان»، تایمز، 27 شهریور 1388، نگاه کنید به:

http://www.timesonline.co.uk/tol/news/world/middle_east/article6839335.ece

122 «شکنجه، قتل و تجاوز» - روش ایران برای درهم شکستن مخالفان»، تایمز، 27 شهریور 1388، نگاه کنید به:

http://www.timesonline.co.uk/tol/news/world/middle_east/article6839335.ece

- 123 نگاه کنید به: <http://homylafayette.blogspot.com/2009/11/journalist-beaten-after-touching-raw.html> و <http://www.zolfagar.blogfa.com/post-132.aspx>
- 124 نگاه کنید به: <http://etemademelli.org/?xid=000502003100000001&id=21088>
- 125 دو پزشک که از ایران فرار کرده اند به لو فیگارو گفتند که اجساد تظاهرکنندگان کشته شده را از بیمارستان بردند و «به بهانه اهدا عضو، تمام آثار گلوله ها را از بین بردند.»
- 126 نگاه کنید به: <http://www.lefigaro.fr/international/2009/07/06/01003-20090706ARTFIG00225-des-medecins-iraniens-temoignent-de-la-repression-.php>
- 127 نگاه کنید به: <http://edition.cnn.com/2009/WORLD/meast/06/25/iran.ambassador/index.html> و <http://www.presstv.ir/detail.aspx?id=99571§ionid=351020101> و <http://www.cbsnews.com/blogs/2009/07/02/world/worldwatch/entry5129152.shtml>
- 128 نگاه کنید به: <http://www.presstv.ir/detail.aspx?id=110991§ionid=351020101> و <http://www.resalat-news.com/Fa/?code=9357>
- 129 مصاحبه با مادر ندا آقا سلطان، هاجر رستمی، <http://www.cnn.com/2009/WORLD/meast/11/05/neda.mom.speaks/index.html>
- 130 نگاه کنید به وبگاه شان در <http://www.mournfulmothers.blogfa.com/>
- 131 «"شکنجه، قتل و تجاوز" - روش ایران برای درهم شکستن مخالفان»، تایمز، 27 شهریور 1388، نگاه کنید به:
- http://www.timesonline.co.uk/tol/news/world/middle_east/article6839335.ece
- 132 نگاه کنید به اطلاعات ارائه شده در: <http://iranbodycount.blogspot.com/>
- 133 مصاحبه با پدر امیر جوادی فر در: <http://www.roozonline.com/english/interview/interview/article/2009/august/04/tell-us-the-reason-for-our-childrens-death.html>
- 134 «"شکنجه، قتل و تجاوز" - روش ایران برای درهم شکستن مخالفان»، تایمز، 27 شهریور 1388، نگاه کنید به:
- http://www.timesonline.co.uk/tol/news/world/middle_east/article6839335.ece
- 135 دو دوست از امیرآباد در تهران مرکزی، حوالی ظهر، ارزیابی خود را از طریق یک واسطه در اختیار عفو بین الملل قرار دادند. چند ساعت بعد، این دو مرد جوان مدت کوتاهی بازداشت، بازجویی و سپس آزاد شدند.
- 136 نگاه کنید به: <http://zeerzamin.blogspot.com/> and <http://cherikonline.blogspot.com/>
- 137 جانشین فرمانده نیروی انتظامی احمدرضا رادان در مرداد ماه گفت: «بیبگیری‌هایی را انجام دادیم که اسم سه نفر با نام ترانه موسوی به دست آمد. یکی از این افراد، دختر دو ساله‌ای بود و یکی از دو تن دیگر هم مورد تحقیق و پیگیری قرار گرفتند که مشخص شد خانمی که آنها اعلام کرده‌اند، چندین سال است در خارج از کشور زندگی می‌کند.» نگاه کنید به: <http://www.tabnak.ir/fa/pages/?cid=59171>
- 138 نگاه کنید به: <http://www.mowjcamp.com/article/id/18983>. ترجمه انگلیسی آن را می توان در <http://www.qlineorientalist.com/IranRises/karroubi-taraneh-mousavi/> پیوند زیر خواند:
- 139 وبگاه جام جم، 28 مرداد 1388، <http://www.jamejamonline.ir/newstext.aspx?newsnum=100915110029>

- ¹⁴⁰ سهراب سلیمانی در مصاحبه با ایسنا، 5 مرداد 1388،
<http://isna.ir/ISNA/NewsView.aspx?ID=News-1376342>
- ¹⁴¹ نگاه کنید به: <http://norooznews.org/news/13116.php>
- ¹⁴² وبلاگ مهدی پسر عیسی سحرخیز/onlymehdii.wordpress.com/author/onlymehdii/
- ¹⁴³ نگاه کنید به: <http://www.guardian.co.uk/world/2009/jul/26/iran-political-prisoners-mohsen-rouholamini>
- ¹⁴⁴ <http://www.roozonline.com/persian/news/newsitem/article/////39c852e357.html>
- ¹⁴⁵ http://www.bbc.co.uk/persian/iran/2009/07/090728_nm_iran_kahrizak.shtml
- ¹⁴⁶ نامه به عفو بین الملل
- ¹⁴⁷ نگاه کنید به: <http://www.presstv.com/detail.aspx?id=102955§ionid=351020101>
- ¹⁴⁸ نگاه کنید به: <http://www.etemaad.ir/Released/88-05-19/103.htm#154937> و
<http://www.aftabnews.ir/vdcdoj0n.yt0fx6a22y.html>
- ¹⁴⁹ نگاه کنید به:
http://www.bbc.co.uk/persian/lg/iran/2009/07/090728_nm_iran_kahrizak.shtml و
<http://www.roozonline.com/english/news/newsitem/article/2009/august/06//kahrizak-detention-facility-will-be-renovated.html>
- ¹⁵⁰ نگاه کنید به:
<http://www.abrarnews.com/politic/1388/880514/html/rooydad.htm#s380904>
- ¹⁵¹ سهراب سلیمانی در مصاحبه با ایسنا، 5 مرداد 1388،
<http://isna.ir/ISNA/NewsView.aspx?ID=News-1376342>
- ¹⁵² نگاه کنید به: <http://www.mehrnews.com/en/NewsDetail.aspx?NewsID=939614>
- ¹⁵³ نگاه کنید به: <http://www.presstv.ir/detail.aspx?id=101683§ionid=351020101>
- ¹⁵⁴ نگاه کنید به: http://hra-iran.net/index.php?option=com_content&view=article&id=1640:566&catid=66:304&Itemid=293
- ¹⁵⁵ همان
- ¹⁵⁶ نگاه کنید به:
http://www.bbc.co.uk/persian/lg/iran/2009/07/090728_nm_iran_kahrizak.shtml
- ¹⁵⁷ نگاه کنید به: <http://www.iran-daily.com/1388/3497/html/national.htm#s403437>
- ¹⁵⁸ نگاه کنید به: <http://www.hamshahronline.ir/News/?id=97533>
- ¹⁵⁹
<http://www.roozonline.com/english/news/newsitem/article/2009/august/06//kahrizak-detention-facility-will-be-renovated.html>
- ¹⁶⁰ نگاه کنید به: <http://www.amnesty.org/en/news-and-updates/news/iranian-authorities-must-investigate-death-detention-centre-doctor-20091118>

¹⁶¹ گزارش گزارشگر ویژه برای شکنجه و رفتارها با مجازات های بی رحمانه، غیرانسانی یا تحقیرآمیز، مانفرد نواک، 15 ژانویه 2008، بند 36، A/HRC/7/3

¹⁶² شهادت تلفنی ابراهیم شریفی به عفو بین الملل، 26 آبان 1388

¹⁶³ نگاه کنید به: <http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=8806210858>

¹⁶⁴ نگاه کنید به:

http://www.rferl.org/content/Iranian_Student_Told_Thank_God_You_Are_Still_Alive/1828202.html

¹⁶⁵ ارکان جنایت منشور رُم دادگاه بین المللی جزایی، و دادگاه های بین المللی و منطقه ای حقوق بشری اصولی را تدوین کرده اند که باید بر تعریف تجاوز در قانون های محلی حاکم باشد. (28). ماده 1-g (1) 7 ارکان جنایت دو رکن را مشخص می کند که تجاوز مجسوب می شوند:

«1- مرتکب به بخشی از بدن شخص تجاوز کند، از طریق رفتاری که منجر به دخول - حتا کم - در قسمتی از بدن قربانی یا مرتکب، در مقعد یا روزنه تناسلی قربانی با آلت جنسی یا با یک شیئی با قسمتی دیگر از بدن شود.

2- تجاوز با زور، یا تهدید به استفاده از زور یا اجبار علیه آن شخص یا شخصی دیگر، با استفاده از محیط سرکوبگرانه انجام شود، مثل زوری که ایجاد ترس از خشونت، ارباب، بازداشت، سرکوب روانی یا سوءاستفاده از قدرت می کند، یا تجاوز علیه شخصی انجام شود که ناتوان از ابراز رضایت واقعی باشد.»

به علاوه، وقتی این رفتار بخشی از حمله گسترده یا سیستماتیک علیه مردم غیرنظامی را تشکیل دهد و زمانی که مرتکب بدانند که این رفتار بخشی از حمله گسترده علیه مردم غیرنظامی است یا قصد دارد این رفتار بخشی از این حمله باشد، در این صورت تجاوز جنایتی علیه بشریت به حساب می آید. نگاه کنید به: http://www.icc-cpi.int/NR/rdonlyres/9CAEE830-38CF-41D6-AB0B-68E5F9082543/0/Element_of_Crimes_English.pdf

¹⁶⁶ برای مثال نگاه کنید به تصمیم کمیته ضد شکنجه که در *V.L. v. Switzerland*

(CAT/C/37/D/262/2005) به این نتیجه رسید که «تعدی جنسی پلیس در این مورد شکنجه محسوب می شود حتا اگر در بیرون از بازداشتگاه رسمی انجام شده باشد،» بندهای 10 - 8؛ نیز نگاه کنید به دعوای مجبا با پرو (Mejía v. Perú)، کمیسیون بین آمریکایی حقوق بشر، گزارش سالانه 1995، OEA/Ser.L/V/II.91، Doc. 7. rev., case 10, 970. ضمنا نگاه کنید به دادگاه حقوق بشر اروپا، دعوای آیدین با ترکیه (57/1996/676/866)، 25 سپتامبر 1997. نگاه کنید به حکم های مربوط به دعوای دادستان علیه دلایلیک و دیگران (*Prosecutor v. Delalic, et al*)، پرونده شماره T-96-21-T، 16 نوامبر 1998 و دعوای دادستان علیه فوروندزيجا (*Prosecutor v. Furundzija*)، پرونده شماره T-95-17/1-T، 10 دسامبر 1998. نگاه کنید به گزارش گزارشگر ویژه سازمان ملل برای شکنجه، A/HRC/7/3، 15 ژانویه 2009، بندهای 36 - 34

¹⁶⁷ نگاه کنید به: <http://www.presstv.com/detail.aspx?id=103404§ionid=351020101>

¹⁶⁸ نگاه کنید به: <http://www.presstv.ir/detail.aspx?id=103959§ionid=351020101>

¹⁶⁹ نگاه کنید به: <http://www.presstv.ir/detail.aspx?id=103430§ionid=351020101>

¹⁷⁰ در ایران دوره سوگواری 40 روز به طول می انجامد و در پایان این دوره مراسمی برای بزرگداشت متوفی برگزار می شود.

¹⁷¹ نگاه کنید به: <http://www.hrw.org/en/news/2009/06/09/iran-stop-covering-sexual-assaults-prison>

¹⁷² نگاه کنید به: E/CN.4/2002/83/Add.1, 28 January 2002، بند 49

¹⁷³ نگاه کنید به: <http://www.meydaan.com/Showarticle.aspx?arid=894>

- 174 نگاه کنید به: <http://www.meydaan.com/Showarticle.aspx?arid=894>
- 175 «شکنجه، قتل و تجاوز» - روش ایران برای درهم شکستن مخالفان»، تایمز، 27 شهریور 1388
- 176 نگاه کنید به: <http://www.parlemannews.ir/index.aspx?n=2937>
- 177 نگاه کنید به:
<http://www.unhchr.ch/hurricane/hurricane.nsf/0/32F1022E3AE7B473C1257611004D-FC95?opendocument>
- 178 همان
- 179 شبکه خبری جمهوری اسلامی ایران، 29 شهریور 1388؛
<http://www.irna.ir/View/FullStory/?NewsId=689599>
- 180 نگاه کنید به: <http://www.amnesty.org/en/news-and-updates/news/over-100-iranians-face-grossly-unfair-trials-20090804> و <http://www.amnesty.org/en/for-media/press-releases/iran-open-tehran-trial-international-observers-amnesty-international-cha>
- 181 نگاه کنید به: <http://www.presstv.com/detail.aspx?id=104848§ionid=351020101>
- 182 نگاه کنید به: <http://tinyurl.com/y9ne2wh>
- 183 همان
- 184 نگاه کنید به: <http://aftabnews.ir/vdcc41qo.2bqis8laa2.html>
- 185 نگاه کنید به: <http://www.amnesty.org/en/library/info/MDE13/099/2009/en> و <http://www.amnesty.org/en/library/info/MDE13/100/2009/en>
- 186 نگاه کنید به: <http://www.amnesty.org/en/news-and-updates/ayatollah-must-retract-iran-election-comments-20091029>
- 187 نگاه کنید به: <http://www.noandish.com/com.php?id=34985>
- 188 نگاه کنید به: <http://www.hra-news.org/news/7114.aspx>
- 189 نگاه کنید به: <http://www.hra-news.org/news/8422.aspx>
- 190 هفت نفر دیگر عبارت بودند از: محسن برزگر، علی تقی پور، حمید رضا جهان تیغ، سیاوش سلیمی نژاد، حسام باقری، سعید حسین پور و نیما نحوی.
- 191 نگاه کنید به: <http://www.kaleme.org/1388/08/22/klm-2986>
- 192 متن «اصول روزآمد محافظت از حقوق بشر و ترویج آنها از طریق اقدام به مبارزه با مصونیت از مجازات»
E/CN.4/2005/102/Add.1، 8 فوریه 2005، اصل 2
- 193 نگاه کنید به: «اصول روزآمد»، تعریف ها
- 194 نگاه کنید به: <http://www.kaleme.org/1388/08/22/klm-2986>
- 195 نگاه کنید به: <http://alef.ir/1388/content/view/51266/>
- 196 نگاه کنید به: <http://www.irna.ir/View/FullStory/?NewsId=650172&IdZone=67>
- 197 نگاه کنید به: <http://www.hamshahrionline.ir/News/?id=101205>

- 198 نگاه کنید به: <http://www.iran-daily.com/1388/3468/html/national.htm>
- 199 نگاه کنید به: <http://www.parlemannews.ir/index.aspx?n=2937>
- 200 سیمای جمهوری اسلامی ایران، شبکه 1، تهران، ساعت 16:30 به وقت گرینویچ، 7 شهریور 1388
- 201 نگاه کنید به: <http://www.farsnews.net/newstext.php?nn=8806210858>
- 202 سیمای جمهوری اسلامی ایران، شبکه 2، تهران، به فارسی، ساعت 18:14 به وقت گرینویچ، 22 شهریور 1388
- 203 نگاه کنید به: <http://english.mowjcamp.com/article/id/28025>
- 204 نگاه کنید به: <http://www.mowjcamp.org/article/id/48200>
- 205 نگاه کنید به: <http://www.iran-newspaper.com/1388/7/21/Iran/4336/Page/2/Index.htm>
- 206 شهادت تلفنی ابراهیم شریفی به عفو بین الملل، 26 آبان 1388
- 207 برای اطلاع بیشتر نگاه کنید به: عفو بین الملل، راهنمای محاکمه های عادلانه (POL 30/02/1998) در: <http://www.amnesty.org/en/library/info/POL30/002/1998/en>
- 208 این برنامه 14 ماده ای را می توان در پیوند زیر دید: <http://www.amnesty.org/en/library/asset/POL35/003/1993/en/3ab8cbac-ecc3-11dd-85fd-99a1fce0c9ec/pol350031993en.html>

پیوست 1: گزارش پزشکی ابراهیم مهتری

تاریخ: ۱۳۸۸
شماره: ۸۸/۰۶/۰۳
پیوست: ۱/۱۴/م/۷۶۹۸

بسمه تعالی
اداره کل پزشکی قانونی استان تهران



« سال اصلاح الگوی مصرف »

ریاست محترم کلانتری ۱۳۴ شهرک قدس

باسلام

احتراماً ، عطف به نامه شماره ۰۰۲۹۹/۴۱۷۷ مورخ ۸۸/۶/۲ آقای (ابراهیم علی مهتری) فرزند اسماعیل معاینه شد . ۱- سیاه شدگی و تورم زیر چشم راست ۲- کبودی و تورم زیر چشم چپ ۳- سائیدگی در سمت چپ ناحیه پس سری ۴- خراشیدگی (حارصه) ساعد راست و بازوی راست و چپ ۵- سائیدگی عمیق (دامیه) بطور دور تا دور مچ دست و پای راست و چپ که می تواند در اثر تماس با جسم سخت قابل انعطاف نظیر طناب حادث شده باشد ۶- دو ناحیه جراحات (حارصه) جداگانه خلف ساق پای راست ۷- خراشیدگی (حارصه) گونه چپ ۸- سوختگی درجه دو سطحی مدور در ناحیه مچ دست راست، سر ، ناحیه پس سر گردن ، شانه سمت چپ ، پشت دست راست و چپ جمعاً به میزان دو درصد (۲٪) سطح بدن ۹- کبودی در هر دو طرف باسن و ناحیه خارجی مقعد مشهود است که در اثر اصابت جسم سخت ضایعات (یک تا هفت و ۹) حادث و جسم داغ ضایعات بند ۸ حادث شده اند ضمناً جراحات موازی و متعدد و سطحی در ناحیه خلف ران راست و ناحیه باسن راست و چپ مشهود است که در خصوص نحوه حدوث آن تحقیقات قضائی و انتظامی کمک کننده است ضمناً نامبرده از ناحیه مقعد اظهار تالم می نماید که جهت معاینه بررسی لواط و ... نیاز به معرفی نامه در این خصوص می باشد ضمناً شکستگی در استخوان گونه راست ندارد. /م

دکتر فرحناز عطار
رئیس مرکز پزشکی قانونی استان تهران
اداره کل پزشکی قانونی استان تهران
مرکز پزشکی قانونی غرب تهران

چه در منازعه های پرسروصدا، چه در گوشه ای فراموش شده از جهان، عفو بین الملل برای عدالت، آزادی و عزت همگان مبارزه می کند و در پی برانگیختن حمایت عمومی به منظور ساختن جهانی بهتر است.

شما چکار می توانید بکنید؟

فعالان در سراسر جهان نشان داده اند که مقاومت در برابر نیروهای خطرناکی که حقوق بشر را تهدید می کنند ممکن است. عضوی از این جنبش باشید. با کسنانی که کالایشان ترس و تنفر است مبارزه کنید.

- به عفو بین الملل بپیوندید و بخشی از جنبش جهانی مبارزه برای پایان دادن به نقض حقوق بشر بشوید. کمک کنید تغییری ایجاد کنیم.
- برای پشتیبانی از فعالیت عفو بین الملل کمک مالی کنید.

همراه با هم می توانیم صد ایمان را به گوش دیگران برسانیم.

من علاقمند به دریافت اطلاعات درباره عضویت در عفو بین الملل هستم.

نام

نشانی

کشور

پست الکترونیکی

مایلیم به عفو بین الملل کمک مالی کنم (کمک مالی به پوند، دلار و یورو دریافت می شود)

مبلغ

لطفاً از کارت من به شرح زیر برداشت کنید ویزا ماسترکارد

شماره

تاریخ انقضا.

امضا

لطفاً این فرم را به دفتر عفو بین الملل در کشورتان ارسال کنید.
نشانی دفاتر عفو بین الملل را می توانید در این وبگاه بیابید: www.amnesty.org/en/worldwide-sites

اگر در کشورتان دفتر عفو بین الملل وجود ندارد، این فرم را به نشانی زیر ارسال کنید:
Amnesty International, International Secretariat, Peter Benenson House,
1 Easton Street, London WC1X 0DW, United Kingdom



من می خواهم
کمک کنم

ایران

اعتراض به نتیجه انتخابات تشدید سرکوب

انتخابات ریاست جمهوری ایران در ژوئن ۲۰۰۹ (خرداد ۱۳۸۸) سرکوب سراسری وخیزش توده ای گسترده ای را در پی داشته که از زمان انقلاب در سال ۱۳۵۷ که منجر به تاسیس جمهوری اسلامی ایران شد بی سابقه بوده است.

پیش از انتخابات، حق آزادی بیان، اجتماع و تشکل به شدت محدود شد و سیاست مداران، روزنامه نگاران، دانشجویان و بسیاری دیگر دستگیر شدند. در طی نا آرامی های گسترده ای که در پی نتایج مورد اختلاف انتخابات به راه افتاد، هزاران نفر از مردم به روشی خودسرانه دستگیر شدند، ده ها نفر در خیابان به قتل رسیدند یا در زندان جان سپردند و بسیاری نیز گزارش کردند که تحت شکنجه یا اذیت و آزارهای دیگر قرار گرفته اند. شهادت های منتشر شده زنان و - برای اولین بار - مردان در مورد تجاوز به آنها در طی بازداشت و اغلب با استفاده از اشیایی مثل بطری یا باتون به ویژه نگران کننده بود. در حدود ۱۴۰ نفر از بازداشتیان در یک رشته از «محاکات فرمایشی» دسته جمعی به شدت ناعادلانه در تلویزیون دولتی به نمایش در آمدند.

این گزارش موارد و شهادت های تکان دهنده از افرادی را دربر می گیرد که حقوقشان مورد تعدی قرار گرفته است. گزارش نشان می دهد که تمایل مقامات به توسل به خشونت و اقدامات خودسرانه برای سرکوب اعتراض و مخالفت خیلی پس از کاهش اعتراض های پس انتخاباتی ادامه یافته است. مخالفان سیاسی و مذهبی، اعضای جوامع اقلیت های مذهبی و قومی ایران، دانشجویان، فعالان سندیکایی کارگری، مدافعان حقوق بشر و فعالان حقوق زنان به ویژه با خطر بیشتری روبرو هستند.

این گزارش با توصیه هایی به مقامات ایران با هدف خاتمه دادن به مصنوعیت از مجازات نیروهای امنیتی، به ویژه نیروی شبه نظامی و داوطلب بسیج، و حمایت بیشتر از حقوق بشر پایان می یابد.



Amnesty International
International Secretariat
Peter Benenson House
1 Easton Street
London WC1X 0DW
United Kingdom

www.amnesty.org

شماره نمایه: MDE ۱۳/۱۲۳/۲۰۰۹
دسامبر ۲۰۰۹ (آذر ۱۳۸۸)



**AMNESTY
INTERNATIONAL**